

بهشت خانواده

جلد اول

دکتر سید جواد مصطفوی

چند تذکر

۱- این کتاب را دو طایفه نباید بخوانند.

اول : کسانی که ذوق و عاطفه ندارند.
دوم : کسانی که به فکر و عقل خدادادی خویش اعتماد ندارند و به خود اجازه نمی دهند: بدون اجازه - به اصطلاح - روشنفکران شرق و غرب تفکر کنند.

۲- این کتاب مقررات سعادت بخش اسلام را بیان می کند، بنابراین به دختر و پسر که می خواهند ازدواج کنند و زندگی آنها قرین سعادت باشد، توصیه می کنیم برای شروط ازدواج خود، عمل به مقررات این کتاب را مقرر دارند و نیز به زن و شوهری که با یکدیگر اختلاف پیدا کرده اند، مطالعه آن پیش از مراجعه به دادگاه توصیه می کنیم .

۳- به آخر کتاب نرسیده قضاوت فرمائید که پشیمان می شوید.

۴- مطالعه این کتاب برای جوانانی که هنوز قصد ازدواج ندارند، در اولویت نیست .

این ضرب المثلها را در درس ۵۵ بخوانید

زن بی حجب و حیا آش بی نمک است .
مرد پیری که زن جوان بگیرد، مرگ به
قهقهه می افتد.
زن که تنبل شد کلفت با دهانش کار می
کند.
از خاندان متمول اسب بخر و از خاندان
فقیر زن بگیر.
خنده زن زیبا گریه کیف پول آقاست .
زن کور باشد بهتر است تا بسیار زیبا.
کاخ اعیان را زن پر کرده و کلبه فقرا
را بچه .
زن در گهواره هم که هست خودش را معرفی
می کند.
زن زیبا مال همه است و زن زشت مال
خودت .
مردی که زنش را بزند ۳ روز گرسنگی می
کشد و ۳ روز کارش تعطیل است .
مرد شهرت را دوست دارد و زن مرد را .
تمام شعور زن در خانه است ، اگر از آن
خارج شد، فاقد ارزش می گردد.
مردان چون کوهند و زنان چون اهرم .
بهترین زنان ، زنی است که وقتی خشمگین
شود یا شوهرش بر او خشم گیرد، به شوهرش
بگوید: دستم را در دست تو می گذارم و
خواب را به چشمم راه نمی دهم تا وقتی که
از من راضی شوی .
رسول اکرم صلوات الله علیه
بهترین شما مسلمانان ، مردی است که با
زنش خوشرفتار باشد و من از همه شما نسبت
به زنانم خوشرفتارترم .
رسول اکرم صلوات الله علیه
هر زنیکه شوهرش را با زبانش بیازارد،
خداوند هیچ کفاره و توبه ای را از او

نپذیرد و هیچ کار نیکش را قبول نکند تا
وقتی که شوهرش را راضی کند.
رسول اکرم صلوات الله علیه
در همه احوال با همسرت مدار کن ، و با
او به نیکی معاشرت نما تا زندگیت با صفا
شود.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام
هر زنی که کج خلقی شوهرش را تحمل کند
خداوند به او ثواب آسیه (همسر فرعون) را
عطا کند.
رسول اکرم صلوات الله علیه

چاپ جدید

هدف ما از نگارش این کتاب ، مطالعه و خواندن آن بود نه بحث و تدریسش ، از این رو گاهی لطایف و ظرایفی در قالب طنز و مطایبه با پوشش تلویح و کنایه آورده بودیم که برای رفع خستگی و ملالت خواننده مفید باشد.

لیکن پس از انتشار چاپ اول برخی از سروران مطاع تذکر دادند که ما این کتابرا برای خواهران دینی یا در کلاسهای مختلط تدریس می کنیم و چون به آن مطایبات می رسیم ، آرزو می کنیم یکاش کلاس از يك جنس تشکیل شده بود، خوبست در چاپ دوم تجدید نظری بنمائید. اینجانب هم امثال نمودم و تا آنجا که ممکن بود اینگونه موارد را تغییر دادم .

خلاصه

اسلام به شوهران مسلمان می گوید: زن امانتی است الهی در دست شما که در شب زفاف خداوند رحمان او را آرایش کرده و لباس نو بر تنش پوشیده و به دست شما سپرده است. امانتی است نه تنها مانند جواهر و برلیان مادی که فقط از دیدنش لذت برید؛ بلکه عنصری با عاطفه و مهربان است که در غربت و تنهائی انیس و همدم شماست، کشتزار پر برکت نسل خاندان شماست. نگهدارنده و تربیت کننده میوه درخت وجود و پاره تن شماست، طباخ و آشپز خوراکیهای رنگارنگ و لذیذ شماست، زینتگر و آرایش دهنده فرزندان شما و لوازم خانه و زندگی شماست، امانت خدا را چنانکه شایسته امانتگذار است، نگهدارید و پس از پایان دوره امانتداری، او را سالم و خوش خاطر به صاحبش رد کنید.

و به زنان مسلمان می گوید: پس از آنکه از پدر و مادر جدا گشته و به خانه شوهر آمدید، شوهر را باید مانند پدر و مادر و بلکه بیش از آنها احترام کنید، شما عنوان مقدس مادری و مادر بزرگی را با تشریک مساعی او پیدا می کنید و اگر او نبود، شما وجودی معطل و بی خاصیت باقی مانده بودید. اگر او را با زبان خود بیازارید، خداوند متعال روزه و نماز شما را در زمان آزردهگی او قبول نمی کند، هر چند روزها را روزه دارید و شبها را به نماز ایستید، و بدانید که بهترین زن مسلمان زنی است که چون شوهرش از او آزرده خاطر گردد، هر کاری را که در دست دارد به زمین گذارد و نزد شوهر رود و خاطر او را از خود شاد و خرسند کند، زن

مسلمان باید بعد از عبادت خدا، هیچ کاری را برای خود لازمتر از اطاعت شوهر نداند، بلکه اگر شوهر او را در بین نماز صدا بزند، باید نماز خود را کوتاه کند و با ترك مستحبات، هر چه زودتر ندای شوهر را لبیک گوید.

پیشگفتار

سپاس و ستایش بیکران ، خداوند یگانه رحمان را سزااست که در روی کره ای متحرک و لرزان ، معلق و آویزان ، کوه و صحرا رقم زد، جزیره و دریا ترسیم نمود، گیاه و جاندار آفرید و انسان و بشر پدید آورد، تا ظلمتکده تیره و تاریک زمین را به نور و صفا زینت بخشد و در میان خرابی و ویرانی ، عمران و آبادی آرد.

اراضی موات و بائر را به بوستان و گلستان سبز و خرم تبدیل کرد. از میان کره زمینی که به صورت جمادی بی حس و بی شعور ساخته شده بود، نبات و حیوان برافراشت و بر تارک سرش انسانی خردمند گذاشت و او را بر همه اقطار جهان حاکم و فرمانروا ساخت ، تا از میان کره ای خاکی و تاریک ، جنبش و حرکت ، سعادت و عزت و عیش و عشرت پدید آورد. مشک و عنبر، ریاحین معطر، نور و صفا، عشق و وفا، نغمه و نوا، تمدن و ترقی ، تکامل و تعالی ، دستگیری و رحمت و نوازش و عطوفت ، همگی از میان همین کره تیره و ظلمانی برخاست و همگی از برکت عقل و احساسی بود که به انسان عنایت فرمود.

خداوند رحمان ، به انسان ستمگر ناسپاس ، جفتی از جنس او به صورت زن عنایت فرمود، تا با وی انس و الفت گیرد. میان دختر و پسری بیگانه و ناآشنا، مودت و رحمت مقرر داشت تا یکدیگر را در آغوش گیرند، توالد و تناسل نمایند، تشریک مساعی کنند، خانه و مدرسه بسازند، آموزش و پرورش دهند، محیط آبادی را که از پدران و مادران خود، به ارث گرفته اند، آبادتر کنند و باز هم برای آبادی بیشتر به فرزندان خود تحویل دهند.

و درود و رحمت بی پایان خداوند متعال ، به روان مطهر رسولان و پیغام آورانش ، مخصوصا اشرف و خاتم آنها حضرت محمد مصطفی و بر خاندان و عترت معصومین آن حضرت ، که همگان ، عمر عزیز خویش را در راه رسانیدن به اوج تکامل و سعادت مصروف داشتند و در پیمودن این راه ، هر گونه بلا و مصیبتی تحمل نموده و حتی از بذل جان شریف دریغ نفرمودند - صلوات الله علیه

اءجمعین من الان الی قیام یوم الدین -
اما بعد: پسر و دختری که با یکدیگر ازدواج می کنند، در حقیقت تولد تازه ای می یابند و در اقیانوس تازه ای وارد می شوند که یا باید کار آموزی و تجربه قبلی کسب کرده و یا دارای هوش و فراستی باشند که بتوانند خود را با جزر و مد دریا هماهنگ نموده ، همچون مرغان و ماهیان با محیط سازگار شوند و گرنه عمری کوتاه و پر مشقت دارند و به زودی در گردابها غرقه و هلاک می شوند.

دین مقدس اسلام که برای راهنمایی و تامین سعادت بشر، نازل گشته و تمام ابعاد وجودی او را در تمام مراحل زندگیش رعایت کرده است ، دختر و پسر را که می خواهند در آینده پدر و مادر خانواده و رکن اجتماع انسانی باشند، در این وادی خطرناک بدون راهنما رها نکرده ، بلکه با کمال لطف و عنایت ، دست ایشان را گرفته و قدم به قدم رهبری و راهنمایی نموده و آنان را از خطرات طوفانها و گردابها بر حذر داشته است .

نویسنده برای تامین این هدف ، روابط زن و شوهر را در مراحل زندگی مشترکشان ، از قرآن مجید، نهج البلاغه ، وسائل ، بحار، وافی و مستدرک استخراج و عرضه نموده است . اگر در این راه موفق گشته خدا را سپاسگزار است و اگر فتور و قصوری

پیش آمده ، بر سستی قلم و کوتاهی فکر حمل می شود و در همه حال از خوانندگان محترم امید راهنمایی و خیر خواهی دارد .
مباحث این کتاب شامل هفتاد درس است که مهمترین آنها را پنج بخش زیر تشکیل می دهد:

- ۱- عوامل الفت و محبت میان زن و شوهر.
 - ۲- عوامل اختلاف و کدورت آنها و راه علاج آن .
 - ۳- موقعیت واقعی زن در خانواده از نظر اسلام و تحلیل و بررسی آیات و روایاتی مانند (ضعف عقل او، شر بودن او، استخوان کج بودن او، تادیب او، مشورت با او، بر حذر بودن از خوبانشان و مانند اینها).
 - ۴- موضوع حجاب و نظر اسلام نسبت به مقدار محدودیت زن .
 - ۵- اظهار مطالب غریزه جنسی و تعیین مرز بین حرام و جایزش و مطالب متفرقه بسیار دیگری ، مانند سواد آموزی زن ، داشتن فرزند، ضرب المثلها، پزشکیها و روابط فامیلی ، در این کتاب بحث می شود که به خاطر تنوع مطالب و تفنن خاطر خوانندگان ، تمام این مباحث درهم و آمیخته و معجونوار بررسی شده است . در پایان این مجموعه را « بهشت خانواده » نامیدیم به سه اعتبار:
 - ۱- آیات قرآن مجید و احادیثی که از زادگاه منابع وحی صادر شده و در این کتاب آمده است در حقیقت بهشتی است که در خانواده موجود است .
 - ۲- عمل به این آیات و احادیث محیط خانواده را بهشت برین می سازد .
 - ۳- بیشتر مباحث این کتاب مربوط به زن است و زن مسلمان متعهد، بهشت آفرین خانواده است .
- در هر حال به کسانی که ذوق و عاطفه ندارند خواندن این کتاب را توصیه نمی

کنیم و برای کسانی که همسر ندارند، مطالعه این کتاب تزییع عمر و اتلاف وقت است اما کسانی که بخواهند در پرتو تعالیم اسلام ، يك عمر با همسر خود با محبت و صفا زندگی کنند، این مطالعه را لازم می دانیم و انتقاد را از کسانی که تمام کتاب را خوانده باشند، با کمال حوصله گوش می کنیم . و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم .
سید جواد مصطفوی

صدا زدن

هر يك از زن و شوهر باید همسر خود را به نامی صدا کند که او بیشتر دوست دارد و خوشترش می آید، چه اسم كوچك باشد و یا نام خانوادگی ، یا القاب مذهبی و عناوین اجتماعی .

بهرتر است پیش از آنکه زن و شوهر لقب و عنوانی پیدا کنند؛ یعنی سالهای اول ازدواج که هنوز دکتر و مهندس و حاجی نشده اند و یکدیگر را به اسم كوچك یا نام فامیل می خوانند، چاشنی محبتی بر آن بیفزایند و مثلاً « حسین جان و مریم جان » بگویند یا « علی آقا و زهرا خانم » صدا زنند.

صدا زدن به اسم تنها توهین آمیز است و توهین آمیزتر آنکه مردی مثلاً نامش ابوالحسن یا ابوالقاسم باشد و همسرش او را به نیمه اول اسمش صدا زند.

ممکن است بگویید که اگر میان زن و شوهر خلوص و صفا باشد، این نامها توهین به حساب نمی آید و مانعی ندارد.

میگویم ، درست است در آن صورت توهین نیست و مانعی ندارد، ولی مانند آقا جان و خانم جان ، ایجاد محبت نمی کند، و چون اسلام به همه مسلمین مخصوصاً به زن و شوهر درس محبت می دهد، سفارش می کند: مخاطب را به نامی بخوان و با کلمه ای صدا بزن که او را خوشتر و دوست تر آید.

شاید بعضی از مردان که دارای عنوان حاجی و رئیس و دکتر و مانند آن هستند از همسرشان شنیدن این عناوین را دوست نداشته باشند و کلمه « احمد جان » را مثلاً از او بهتر بیسنندند؛ در آن صورت همسر باید همان کلمه یی را بگوید که او بیشتر دوست دارد، همچنین نامها و عناوین

از لحاظ زشتی و زیبایی و خوش آمدن و بد آمدن همسر، در خلوت یا پیش مردم فرق می کند در شهر یا روستا فرق می کند. در لغات و زبانهای مختلف فرق می کند. جانم به فدای پیغمبر اسلام صلوات الله علیه که معیاری ثابت و غیر قابل تغییر، برای ایجاد محبت بیان می کند و می فرماید: او را به نام و عنوانی بخوان که خوشترش می آید. بعضی از مردان عناوین شعری جالبی انتخاب کرده ، همسر خود را به آن عنوان صدا میزنند، مانند « امانت خدا» در آینده خواهیم گفت که پیغمبر و امیرالمومنین صلوات الله علیهما فرموده اند که زنان امانت خدا هستند نزد مردان . پیدا است که زن از شنیدن این عنوان احساس افتخار می کند و مرد هم به وظیفه سنگین خود که نگهداری امانت الهی است متوجه می شود.

بعضی از مردان عارف و ظریف را دیدم که همسر خود را به عنوان « ولی من ، سرپرست من » صدا میزنند، یا زنی شوهرش را به عنوان « خدای من » می نامید. همه می دانند و خود زن و شوهر هم می دانند که این عناوین پوششی از مزاح و ظرافت ، روی واقع و حقیقت دارد. با وجود این شنونده احساس افتخار می کند و میان زن و شوهر گرمی و صفا و محبت و وفا ایجاد می شود و از دستورات شرع مقدس دانسته ایم که او می خواهد همواره تنور عشق و محبت و صفا میان زن و شوهر گرم باشد. البته می بایست عارفان روشن دل ، در برابر مقدس نمایان کج اندیش ، همسر خود را به این عناوین صدا نزنند، آنها می توانند - و اسلام هم می خواهد که در خلوت همسر خود را به عنوان ، « دلبر، عزیز، جان و روان » و ظریفتر و لطیفتر از اینها بخوانند و اگر شنونده خوشش آید علاوه بر اینکه

مانعی ندارد، پیغمبر اسلام هم بیشتر خوشش می آید.

خود آن حضرت یکی از همسرانش را که جوانتر بود «حمیرا» می نامید. حمیرا را می توان به گل سرخ یا «سرخك عزیزم» ترجمه نمود، اگر چه لطافتی را که در کلمه «حمیرا» هست با هیچ تعبیری در فارسی نمی توان بیان کرد. (۲)

این روایت مانند تمام روایات و احادیث دیگری که روابط اجتماعی مسلمین را بیان می کند، هدفش یا یکی از اهدافش این است که میان مسلمین، الفت و محبت ایجاد شود و بسیار روشن است که ایجاد الفت میان زن و شوهر لازم تر و ضروری تر از سایر مسلمین است و عواقب وخیم تخلف از این دستور برای زن و شوهر، شدیدتر و دردناکتر از دیگران است.

دلیل دیگر ما در این مورد قضاوت روشن و صریح عقل است که در زندگی مشترک همسران، محبت و صفا و صمیمیت و یکرنگی لازم است، و صدا زدن دوست را به نامی که مطلوب و محبوب او است، ایجاد محبت می کند و قضاوت عقل در مقام ارزش و اهمیت، مقدم بر شرع است، زیرا ما شرع اسلام را به حکم عقل پذیرفته ایم. چون آنرا تامین کننده سعادت، دنیا و آخرت و پاسخ دهنده نیازهای مادی و معنوی و جسمی و روحی خود یافته ایم و در مقام مقایسه با ادیان دیگر، به قضاوت عقل سلیم خویش اسلام را کاملتر و جامعتر یافته ایم، بنابراین، عقل و اسلام برادر یکدیگرند و عقل برادر بزرگتر است.

هر حکمی که عقل بدهد، اسلام آنرا تصویب کرده است و اسلام هم حکم و دستوری بر خلاف عقل ندارد. اگر به طور نادر، مخالفتی میان حکم و عقل و دستور قاطع و معتبر شرع مشاهده شود، در آن صورت باید نسبت

به عقل قضاوتش تردید کرد و تجدید نظر
نمود، برای اینکه قطعاً آن عقل ، عقل
سلیم و مصفا نیست . بلکه عقلی است ،
تیره ، ناسالم و در پرده .^(۴)

تحیتهم فیها سلام

اهل بهشت یکدیگر را با سلام کردن خوش آمد گویند. ^(۶)

عن ابي جعفر عليه السلام قال : اذا دخل الرجل منكم بيته فان كان فيه احد يسلم و ان لم يكن فيه احد فليقل : السلام علينا من عند ربنا، يقول الله : تحيه من عند الله مباركه طيبه .

در تفسیر آیه شریفه) امام باقر عليه السلام فرمود: هر گاه مردی به خانه خود وارد شود و کسی در آنجا باشد، به (او یا به) آنها سلام کند و اگر کسی نباشد، باید بگوید « السلام علينا من عند ربنا» یعنی سلام بر ما از جانب پروردگار ما، که این سلام تحیتی است مبارك و پاک از جانب خدا ^(۸)

۷- عن ابي جعفر عليه السلام : قال ان الله يحب اطعام الطعام وافشاء السلام امام باقر عليه السلام فرمود: خداوند دوست دارد اطعام طعام (مهمانی کردن و غذا دادن) و افشاء سلام (بر همه مسلمین سلام کردن) را ^(۱۰)

۹- و عنه عليه السلام : قال يسلم الرجل اذا دخل على اهله و اذا دخل يضرب بنعليه و يتنحج يصنع ذلك حتى يؤ ذنهم انه قد جاء، حتى لا يرى شيئا يكرهه . امام صادق عليه السلام فرمود: وقتی شوهر به خانه وارد می شود باید به خانواده اش سلام کند، قبلا کفشش را به زمین بزند و سرفه کند تا خانواده را از آمدن خود خبر دهد، مبادا چیزی بیند که او را ناخوش آید. ^(۱۲)

۱۱- قال رسول الله صلى الله عليه وآله خمس لا ادعهن حتى الممات : الاكل على الحضيض مع العبيد و ركوبى الحمار موكفا و حلبى العنزبيدى و

لبس الصوف و التسليم على الصبيان لتكون
سنة من بعدى .

پیغمبر ﷺ فرمود، پنج چیز را تا زمان
مرگ ترك نمی کنم : ۱- در جای پست با
بردگان غذا خوردن ۲- بر الاغ بی پالان
سوار شدن ۳- بز را با دست خود دوشیدن ۴-
لباس خشن پوشیدن ۵- سلام کردن بر کودکان
، تا پس از من سنت شود (و مسلمین و به
ویژه رهبرانشان این اعمال را انجام
دهند) (۱۴)

۱۳- ان امیرالمومنین عليه السلام صاحب رجلا
ذمیا فقال له الذمی اءین ترید یا عبدالله ؟
فقال ارید الكوفه ، فلما عدل الطريق
بالذمی عدل معه امیرالمومنین عليه السلام . . . و
كذلك امرنا نبینا

امیر المومنین عليه السلام در راهی با مردی
ذمی (نصرانی) همراه گشت . مرد ذمی گفت :
قصد کجا را داری ای بنده خدا؟ فرمود:
قصد کوفه دارم ، چون مردم ذمی سر دو
راهی رسید و به راه خود رفت .
امیرالمومنین عليه السلام همراه او گشت . مرد
ذمی گفت : مگر تو قصد کوفه نداشتی ؟
فرمود: چرا . گفت : از راه کوفه گذشتی .
فرمود: میدانم گفت ، اگر می دانی پس چرا
همراه من می آیی ؟ فرمود: از کمال
همراهی و رفاقت این است که وقتی انسان
از همراهش جدا می شود، اندکی پشت سر او
برود . پیغمبر ما به ما چنین دستور داده
است . ذمی گفت پیغمبر شما چنین گفته است
؟ فرمود آری . ذمی گفت به خاطر همین
کردار شریف او بود که مردم پیروش گشتند .
من تو را گواه می گیرم که دین تو را
پذیرفتم . سپس با امیرالمومنین عليه السلام
برگشت و چون او را شناخت مسلمان شد. (۱۶)

۱۵- در روایات و اخبار بسیاری وارد
است که اصحاب ائمه عليهم السلام خدمت ایشان می

رسیدند و چون مسائل خود را می پرسیدند و می خواستند بروند، با آنها خداحافظی می کردند، از آن جمله :

۱۵- الف : عن الريان بن الصلت ، قال : لما اءردت الخروج الى العراق عزمتم على توديع الرضا عليه السلام ...

ریان بن صلت گوید: هنگامی که عازم عراق شدم ، تصمیم گرفتم که با امام رضا عليه السلام خداحافظی کنم ... (۱۸)

۱۶- سرور آزادگان جهان ، حضرت سیدالشهدا ، حسین بن علی عليه السلام ، که پدر و مادرم به قربانش باد چون در روز عاشورا ، اصحاب و اعوانش شهید شدند و به نفس شریف عازم میدان گشت ، سوی اهل بیت خویش آمد و بنا به نقل مجلسی رضوان الله علیه که در کتابی دیده چنین آمده است .

ان الحسين لما نظر الى اثنین و سبعین رجلا من اهل بيته صرعى ، التفت الى الخيمة و نادى يا سكينه يا فاطمه ، يا زينب ، يا ام كلثوم ، عليكن منى السلام ...

هنگامی که حضرت حسین عليه السلام ، هفتاد و دو تن از اهل بیتش را دید، که روی زمین افتاده اند، متوجه خیمه زنان شد و با صدای بلند فرمود: ای زینب و ای ام کلثوم سلام آخرم بر شما باد... (۲۰)

هر مسلمانی ، عقد ازدواجش مطابق مقررات اسلام است ، مرد مسلمانی که با همسری مسلمان ، ازدواج نموده ، قبول کرده است که مطابق دستور اسلام ، با زنش رفتار کند و زن را امانت خدا بداند؛ بعلاوه چون بانو ضعیفتر از مرد است ، شوهر باید همواره جانب او را رعایت کند، اسلام هم همین گونه دستور داده است ؛ بنابراین مردی که غذای خواست خود را بر همسرش تحمیل کند، در واقع نفاق ورزیده

است و عملش با زبان و نیتش که می گوید
من مسلمانم مخالف گشته است .

سخن محبت آمیز

گفتگو و سوال و جواب زن و شوهر باید مودبانه و محبت آمیز باشد، نه خصمانه و نفرت انگیز. يك مطلب مخصوص را می توان طوری ادا کرد که شنونده را خوش آید و پاسخ نیکو دهد و همان مطلب را می توان به نحوی ادا کرد که شنونده یا جواب ندهد یا جواب زشت و تند بدهد - در اینجا مثال « بنشینید، بفرمایید و بتمرگید» را فراموش نفرمایید.

خانم محترمه ، لیوانی برای خانه لازم دارد، او می تواند به شوهرش بگوید:
۱- اگر به بازار بلور فروشها رفتید، لیوانی بخرید.

۲- لیوان نداریم ، عیب ندارد، توی چیز دیگری آب می خوریم .

۳- چرا برای خانه لیوان نمی خری .

۴- مرد باید عاقل باشد، وقتی دید لیوان نداریم خودش بخرد.

برای خرید يك لیوان ، ده ها جمله زشت تر و مودبانه تر از این می توان به زبان آورد. ولی توصیه اسلام این است که بانوی محترم باید جمله ای را که از همه زیباتر و مودبانه تر است ، انتخاب کند و به شوهرش بگوید، تا جوابی همانگونه زیبا و مودبانه بشنود.

همچنین شوهر برای دوختن دکمه لباسش بگوید: مریم جان یا مریم خانم ، نخ و سوزن را لطف کنید تا دکمه ام را بدوزم ، در آن صورت بانوی محترمه خواهد گفت : عزیزم لطف کنید، من بدوزم ، ولی اگر شوهر بگوید: زن مگر کوری ؟ دکمه افتاده لباس مرا نمی بینی ؟ زن هم خواهد گفت : مگر قانون اسلام را نخوانده ئی و نمیدانی که زن وظیفه ندارد دکمه بدوزد؟

و نیز در تقاضای لیوان اگر چند روز گذشت و شوهر لیوان نخرید، بانوی مسلمان می گوید: مثل اینکه این روزها گرفتاری شما زیاد است و یا هنوز از بازار بلور فروشها گذر نکرده اید و جملاتی از این زیباتر که شما خواننده محترم بهتر از نویسنده می دانید، نه آنکه بگوید: چند بار باید بگویم لیوان ، تو که مرا خسته کردی ، چرا وظیفه شناس نیستی و امثال این کلمات که زن مسلمان متعهد هیچگاه بر زبان نمی راند.

گاهی ضمن صحبت ، زن یا شوهر کلمه ای از دهنش می پرد و به همسرش می گوید که اثر بدش تا سالهای متمادی در ذهن او باقی می ماند؛ مثل اینکه زنی به شوهرش بگوید: اگر می دانستم سوادت کم است ، همسر تو نمی شدم ، یا مردی به زنی بگوید: اگر می دانستم پستانت کوچک است ، با تو ازدواج نمی کردم .

اینها باید بدانند که با گفتن این کلمات سالهای متمادی همسر خود را ناراحت کرده اند، بلکه افسرده و دلسرد از زندگی نموده اند.

آن زن خیال کرده است که با گفتن آن جمله ، دانش دوستی خود را به شوهرش فهمانیده است یا آن مرد گمان کرده است ، که ذوق سرشار خود را به همسرش نشان داده است ، ولی هر دو در اشتباهند. نخستین اثری که این گونه جملات ، در روح همسر باقی می گذارد، کدورت و انزجار است ، تنفر و دلسردی است رفتن صفا و صمیمیت است . گوینده این کلمات بعدا خود را ملامت می کند و می گوید: این چه غلطی بود که کردم و نسنجیده و فکر نکرده سخنی گفتم ، کاش زبانم لال می شد و این جمله را نمی گفتم . البته ما به شنوندگان این سخنان هم توصیه می کنیم که بلند همت

باشند و سعه صدر داشته باشند و این کلمات را در فکر خود نگه ندارند. نشنیده انگارند و به کار خود مشغول باشند.

زن و شوهر باید در برابر کلمات تند و خشنی که از همسر خود می شنوند متانت و سعه صدر نشان دهند و صحنه نزاع را به مجلس مزاح تبدیل کنند. مثلا اگر زن عصبانی شود و بگوید: « من از کار زیاد این خانه خسته شدم ، زانوهایم رمق ندارد، چادرم را بر می دارم و می روم به خانه پدرم » شوهر بگوید « شما زنان به قدری قدرت دارید که پهلوانان و قهرمانان جهان از مکیدن پستانتان نیرو گرفته اند!! تو می خواهی از خانه خودت بروی به خانه پدر زن من؟! » و امثال این کلمات و اگر شوهر عصبانی شود و بگوید « من از دست تو خانم می خوام سرم را به دیوار بزنم و یقه ام را پاره کنم » خانم جواب دهد اما سرت را به سر سخت من بزن که شوهرم را عصبانی می کنم و اما یقه ، اول برو یک پیراهن کهنه و دور افتاده بپوش تا زحمت دوختنش به گردن من نیفتد» خلاصه طرف مقابل باید با حوصله و متین باشد تا بتواند همسر عصبانی خود را که بر خر شیطان سوار شده است ، پیاده کند و او را خلع سلاح نماید، از همان الفاظ درشت او جملاتی ملایم و محبت آمیز بسازد و تحویل دهد تا میدان رزم به حجله بزم تبدیل شود و شخص عصبانی شده نتواند به خشونت خود ادامه دهد. (۲۲)

۲۰- ایاك و مستهجن الكلام فانه یوغر القلب .

از گفتن سخن زشت بپرهیز که دل را پر از خشم و کینه کند. (۲۴)

۲۲- عود لسانك لین الكلام و بذل السلام ، یكثر محبوبك و یقل مبغضوك .

زبان‌ت را به سخن ملایم و سلام کردن عادت
بده تا دوستان‌ت زیاد و دشمنان‌ت کم شوند.
(۲۶)

کسی که با مردم خوشرویی داشته باشد.
مردم با او رفت و آمد دارند، راهنمائیش
می‌کنند، پرسشش را پاسخ می‌گویند. در
نتیجه معلوماتش زیاد می‌شود و این همان
نصف عقل است که شخص گشاده رو، از راه
اکتساب و تجربه به دست می‌آورد و نصف
دیگرش ذاتی و خدادادی است. یا اکتساب
از راهی دیگر است.
۲۴- و قال عَلَيْهِ ... و تبسمك في وجهه
حسنه .

و فرمود: برخورد کردن با لب خندان ،
با برادر مسلمانان ثواب يك حسنه دارد. (۲۸)
آنها می‌گویند: دستور اسلام این است که
زن در خانه شوهر وظیفه ندارد، هیچگونه
کاری انجام دهد: نه بر او واجب است
غذائی بپزد، نه ظرفی بشوید، نه دکمه ای
بدوزد و نه نظافتی بکند، حتی برای شیر
دادن کودکش هم می‌تواند، تقاضای دایه
یا اجرت نماید و شوهر هم می‌تواند به زن
بگوید: راضی نیستم بدون اجازه من ، پایت
را از خانه بیرون گذاری ، اگر چه پدرت
بمیرد یا مادرت فلج شود، یا بیشتر از دو
دست لباس تابستانی و زمستانی وظیفه
ندارم برایت بخرم سپس می‌بینید اگر این
دستور اسلام در خانواده ها عملی شود، زن
در میان خانه اسیری در قفس می‌گردد و
مرد رئیسی بدون خوراك و پوشاك و خانه
مزبله یی غیر قابل زیست .

درست است : حکم اسلام همین است ؛ ولی
این حکم در مرحله دوم است و به اصطلاح
حکمی است ثانوی و در مورد تخطی زوجین از
حکم اول در زمان درگیری و نزاع است .
حکم اول اسلام که برای همگان است و
حکمی است اصلی و قاطع و طبق عدالت و

فطرت ، این است که : خود زن و شوهر با آزادی و رضایت کامل ، امور خانه را میان خود تقسیم کنند و هر يك قسمتی را به عهده بگیرد.

علی و فاطمه علیها السلام که این موضوع را مطرح کردند، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حاضر بود و این گونه تقسیم نمود که کارهای بیرون خانه به عهده علی علیه السلام و کارهای درون خانه به عهده فاطمه (س) باشد. هر دو راضی شدند و فاطمه (س) فرمود: بسیار خوشحال شدم که پدرم ، کارهای مربوط به مبارزه زندگی و درگیری با مردان را از گردن من برداشت ، ولی اسلام نظر به آنکه آزادی و رضایت زوجین را در مرحله اول دستورات خود قرار داده است ، این تقسیم را حتمی و الزامی نفرموده است . اگر زن و شوهری بر عکس کنند و مرد متصدی کارهای درون خانه شود و زن کارهای بیرون خانه را با رعایت عفت بر عهده گیرد، از نظر اسلام مانعی ندارد و عقد مزاجت آنها باطل نمی شود، همچنین نسبت به بیرون رفتن زن از خانه ، هر گاه شوهری عاقل باشد و زن خود را عفیف بیند و به او بگوید: در بیرون رفتن از خانه آزادی ، از نظر اسلام مانعی ندارد؛ بلکه باید چنین کند تا صفا و یکرنگی باقی بماند.

فرض کنید چند نفر رفیق به مسافرت می روند. آنها کارهای چند روز مسافرت خود را به دو گونه می توانند انجام دهند: اول آنکه در کمال خلوص و صفا، هر کس هر کاری که پیش آمد و معطل مانده بود، انجام دهد.

دوم اینکه از اول کارها را تقسیم کنند که يك نفر مثلا باید خرید کند، دیگری غذا بپزد، سومی ، ظرفها را بشوید و چهارمی مرکب را آماده کند و براند. اسلام به زن

و شوهر اختیار داده است که نسبت به کارهای خانه هر يك از این دو طریق را که بخواهند انتخاب کنند.

اسلام هیچگاه به شوهر نمی گوید: تو باید زن خود را در خانه محبوس کنی و به او اجازه ندهی ، از خانه بیرون رود. حال اگر زن یا شوهری از این آزادی و حکم متین اسلام ، سوء استفاده کند و مثلاً شوهر بگوید راضی نیستم به عروسی خواهرت بروی با وجود اینکه هیچ اشکالی هم در بین نباشد در آن صورت مقررات اسلام در ۱۴۰۰ سال قبل ، چاره این اشکال را نموده و ضامن اجرائی محکم و قاطع و فوری برایش معین کرده است ، یعنی به زن اجازه داده است که بگوید: به عروسی خواهرم نمی روم ، ولی از فردا نه وظیفه دارم غذا بپزم ، نه جارو کنم ، نه لباس بشویم ، نه نظافت کنم و نه بچه ات را شیر دهم . آنجاست که مرد خام و مغرور سیلی می خورد و فوراً می گوید: من شوخی کردم که گفتم به عروسی نرو!

خلاصه آنچه فقهاء عظام در رساله ها می نویسند که شوهر به زن اجازه ندهد از خانه بیرون رود یا زن می تواند، در خانه هیچ کاری انجام ندهد. قانون و دستوری است که حق و اختیاری به زن و شوهر می دهد و این گونه قوانین برای زمان اختلاف و نزاع است ، نه برای همیشه ، مانند قوانین جزائی و کیفری دادگستری یا قوانین حدود و قصاص و دیات که در رساله ها نوشته می شود، همگی برای زمان تخلف و جنایت است ، برای زمان درگیری و نزاع است و برای چاره جویی و حل اختلاف است ، نه به عنوان برنامه زندگی و وجوب شرعی ، فقهاء می گویند: « حق دارد، می تواند» نه آنکه واجب است و حتماً باید چنین کند.

به نظر اینجانب بعضی از مردان که به همسرشان اجازه نمی دهند، از خانه بیرون برود، به خاطر عقده حقارتی است که در وجود ایشان است. آن گونه مردان در خانواده پست و کم سواد بزرگ شده اند هیچگاه آقایی و بزرگواری ندیده اند، از اینرو به محض اینکه زن ضعیفی تحت اختیار آنها درآمد، می خواهند بر او تحکم و زورگویی کنند؛ لذا گاهی باد به غبغب می اندازند و می گویند بدون اجازه من حق نداری پایت را از در خانه بیرون گذاری، آنها حقارت خویش را با این سخن نشان می دهند.

مردانی دیگر، دل چرکین و بدگمانند و خیال می کنند، همه مردان هرزه و همه زنان سست و ضعیفند. و به زودی فریب می خورند؛ ولی در بیرون رفتن از خانه در دو صورت تقصیر با زن است.

اول: در جایی که شهر شلوغ است. در محل رفت و آمد زن، جوان یا جوانان هرزه ای هستند یا کوچه تاریک و خلوت است و زن جلف و سبک است وقار و سنگینی ندارد، در اینجا عقل هم می گوید: مرد حق دارد، زن خود را از بیرون رفتن جلوگیری کند یا خودش همراه او برود و خلاصه به نحوی او را کنترل کند.

دوم: زنی که بعد از ازدواج می خواهد مانند قبل از ازدواج آزاد باشد، هر روز به خانه پدر و مادر و فامیل خود برود، چنین زنی باید بداند که زمان کودکی گذشته و اکنون کدبانو شده است، او باید بعد از این مادر شود، او با همسری قرارداد بسته است که طبق مقررات اسلام زندگی کند، تمام مخارجش را شوهر تحمل کند و او هم وظائفی به عهده گرفته است که یکی از آنها جلب رضایت شوهر در بیرون رفتن از خانه است. حفظ مال شوهر و حتی

مال خودش در خانه محتاج به مراقبت و
تحفظ است و نمی شود هر روز به بهانه ای
از خانه بیرون رفت .
در هر حال ، تا زمانی که زن بدون
اجازه شوهر در خارج خانه است ، حق نفقه
ندارد .

۲۵- عن ابي عبدالله عن ابيه - قال :
تقاضى على و فاطمه الى رسول الله - ﷺ - فى
الخدمه ، فقضى على فاطمه - ﷺ - بخدمتها
ما دون الباب و قضى على على - ﷺ - بما
خلفه ، قال : فقالت فاطمه : فلا يعلم ما
دخلنى من السرور الا الله باكفائى رسول الله -
ﷺ - تحمل ارقاب الرجال .

امام صادق از پدرش امام باقر عليه السلام نقل
می فرماید که : علی و فاطمه درباره
خدمات خانه از رسول خدا ﷺ داوری
خواستند، پیغمبر قضاوت فرمود که خدمت
درون خانه بر عهده فاطمه باشد و خدمت
بیرون خانه بر عهده علی . فاطمه گفت :
جز خدا کسی نمی داند که چه سروری به من
دست داد، اینکه رسول خدا ﷺ دست به
گریبان شدن با مردان را از عهده من
برداشت . (۳۰)

از این روایت و روایات دیگری که به
این مضمون رسیده و در کتاب وسائل نقل
شده است ، دانسته می شود که کمک کردن به
شوهر بر زن واجب نیست ، بلکه مستحبی است
که خداوند مهربان ، آن همه ثواب به زن
می دهد .

۲۷- ایما امراه خرجت من بیتها بغیر
اذن زوجها فلا نفقه لها .
هر زنی که بدون اجازه شوهرش از خانه
خارج شود، حق نفقه ندارد . (۳۲)

۲۹- قل للمومنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم ذلک اعزکی لهم ان الله

خبیر بما یصنعون

به مردان مومن بگو دیدگان خویش را
بازگیرند و دامن خود نگه دارند که این
برای آنها پاکیزه تر است و خدا از آنچه
می کنند آگاه است (۳۴)

۳۱- عن ابي عبدالله عليه السلام ، قال : خير نسائكُم التي اذا خلت مع زوجها خلعت له درع الحياء و اذا لبست ، لبست معه درع الحياء .

امام صادق عليه السلام فرمود: بهترین زنان شما کسی است که چون با جفتش خلوت کند، پیراهن حیا برکند و چون بپوشد و همراه او شود، زره حیا بر تن کند. ^(۳۶)

تمیزی شوهر

موضوع نظافت از اهم مسائل اسلامی است و بیش از یک‌هزار و هشتصد آیه و روایت درباره آن وارد شده است ، و باید هم چنین باشد، زیرا کسانی که دین اسلام را از روی برهان و استدلال پذیرفته و با بررسی و کنجکاوی شخصی به آن رسیده اند، می دانند که اسلام هر يك از امور مربوط به زندگی انسان را به مقداری که اهمیت دارد، اهمیت داده است ، نه يك نقطه کمتر و نه يك نقطه بیشتر.

نظافت از ارکان زندگی انسان است ، که حیات و لذت بردن از حیات ، بستگی به آن دارد، نظافت در خانه و کوچه و بازار و خیابان و اداره و مغازه ضروری و اجتناب ناپذیر است ، نظافت با خوردن و نوشیدن و پوشیدن و حتی نفس کشیدن انسان ، ارتباط دارد، و چنین موضوع با اهمیتی را اسلام نمی تواند با گفتن چند کلمه کلی مانند «
النظافه من الايمان، وتنظفوا واغتسلوا» خاتمه دهد.

دین اسلام ، باید راه نظافت کردن مو و دندان و ناخن و ظرف و لباس و همه وسائل مورد احتیاج انسان را بیان کند و خوشبختانه این کار را هم کرده است . اکنون سخن ما درباره نظافت شوهری است که همسری دارد.

خداوند متعال در اصل خلقت ، زنان را زیبا پسند و نظافت دوست آفریده و علی بن ابیطالب علیه السلام فرموده است ، همت و کوشش زنان به زینت دادن زندگی دنیا متوجه است ، از این رو زنان در مورد نظافت محتاج به سفارش زیاد نیستند، ولی مردان به خاطر همت گماشتن به مبارزه زندگی و کسب

و حرفه و کار، کمتر به نظافت اهمیت می دهند و نیاز به سفارش دارند.

خواهر و برادری که از يك پدر و مادر هستند و در يك خانه بزرگ شده اند. برادر را می بینی که اگر دستش کثیف شود، تحملش بر باقی ماندن بر کثافت و نشستن دست ، بیشتر از خواهر است ، و خواهرش برای پاکیزه کردن دست و صورت و لباس و شیشه و ظرف ، صبر و حوصله بیشتری دارد.

روزی به خانه یکی از دوستان رفتم ، در اتاق پذیرایی نشسته بودم و هنوز صاحبخانه نزد من نیامده بود صدای گفتگویی می شنیدم ، وقتی صاحبخانه آمد، گفت : قدری که دیر آمدم برای این بود که لباس توی خانه را پوشیده بودم و می خواستم بیایم ، خانم اصرار داشت که لباس را عوض کن ، اینطور نزد مهمان نرو، و من می گفتم فلانی خودمانی است ، آخر مرا مجبور کرد تا لباسم را عوض کنم ، پیغمبر محترم اسلام ﷺ به شوهران مسامحه کار و بی قید می فرماید: مردانی از یهود نظافت را رعایت نکردند، در نتیجه زنانشان زنا می دادند، یعنی با مردان پاکیزه هر چند بیگانه همبستر می شدند.

۳۳- ان النساء همهن زينه الحياه الدنيا .

همت زنان به آراستن زندگی دنیا متوجه است . (۳۸)

۳۵- تنظفوا بكل ما استطعتم ، فان الله تعالى بنى الاسلام على النظافه ولن يدخل الجنه الا كل نظيف .

هر چه می توانید پاکیزه باشید، زیاده خداوند اسلام را بر پاکیزگی بنیان نهاده و جز مردم پاکیزه کسی به بهشت نمی رود . (۴۰)

۳۷- عن علی عليه السلام قال : تنظفوا بالماء من نتن الريح يتأذى به ، تعهدوا انفسكم ، فان الله يبغض من عباده القاذوره الذی يتأنف به من جلس اليه علی عليه السلام فرمود: بوی گند مردم آزار را به وسیله آب بزدائید و پاک کنید. از بدن خویش مراقبت کنید که خدا مبخوض دارد بنده پلیدی را که هر کس کنارش بنشیند، بینیش را بگیرد . (۴۲)

۳۹- و قال عليه السلام : اءيما امرأه تطيبت لغير زوجها لم تقبل منها صلاه حتى تغتسل من طيبها كغسلها من جنابتها .

امام صادق عليه السلام فرمود: هر زنی که برای غیر شوهرش خود را خوشبو کند، خداوند نماز او را قبول نکند تا زمانی که مثل اینکه غسل جنابت می کند، خود را از آن بوی خوش پاک گرداند . (۴۴)

۴۱- قال الصادق : ان الله تعالى يحب الجمال و التجمل و يكره البؤس و التباؤس . . .

امام صادق عليه السلام فرمود: خدای متعال ، زیبایی و خود آرایی را دوست می دارد و نیازمندی و اظهار نیازمندی را مبخوض می دارد . (۴۶)

در پایان درس ، اشعاری را از خوشدل
 تهران می آوریم تا بدانید که زشتی آرایش
 نمایی زن به بیگانگان ، منحصر به اسلام
 نیست ، بلکه يك فرهنگ ایرانی نیز هست .
 یکی بامدادان به فصل بهار جوانی به باغی فتادش گذار
 به شاخی گلی دید خوشرنگ و بو که از جان و دل گشت مشتاق او
 گلویش بیفشرد و کردش جدا ز گلهای دیگر به جور و جفا
 چو آن گل جدا شد ز شاخ درخت بیفتاد در دست آن تیره بخت
 بکرد از طریق تحسر نگاه به یاران و از دل برآورد آه
 بگفتا که ای خواهران عزیز برای شما هست این روز نیز
 گذارید آرایش خود کنار بگیریید در زیر برگی قرار
 نمایید خود را از این دم نهان که مانید ایمن ز غارتگران

کمک مرد به زن در کار خانه

شوهر باید گاهی در کارهای خانه به زنش کمک کند: در شستن فرش و لباسهای سنگین ، در پرده آویختن ، هنگام مهمان داشتن و کار زیاد، او هم باید با همسرش تشریک مساعی کند.

مرد باید بداند که اگر موضوع خلوص و صفا و یکرنگی و رفاقت نباشد، زن وظیفه ندارد - چنانکه در درس نهم گفتیم - هیچ کاری در خانه بکند، زن اگر بخواهد لجبازی کند، می تواند بگوید: غذا برای خودم می پزم و ظرف و لباس خودم را می شویم و خانه خودم را نظافت می کنم ، ولی چنان که گفتیم این سخنان از نظر اسلام در مرحله ثانوی است . در مرحله اول ، زن و شوهر باید مانند دو رفیق باشند که مدتی در اتاقی هستند یا به مسافرتی رفته اند. اینان کار پخت و پز و شستشو را با خلوص و صفا انجام می دهند. هر يك از آنها که ببیند کاری معطل مانده ، فوراً بر می خیزد و انجام می دهد و دیگری به فکر کاری دیگر می افتد که تاخیر نشود.

اگر کاری باشد که قامت بلند لازم دارد، رفیقی که قدش بلندتر است متصدی می شود اگر کار سنگینی باشد آنکه قویتر است انجام می دهد و کار ظریف را آنکه دست و انگشتانش لطیف تر است ، در عین حال اگر یکی از آنها از کار مخصوصش خسته شد، دیگری به کمکش می شتابد و نمی گوید: آن کار مخصوص رفیق من است و من باید کار خودم را بکنم .

خلوص و یکرنگی و صمیمیت میان زن و شوهر، بسی عمیقتر و طولانی تر و زیباتر از دوستی میان دو رفیق است . شوهر اگر فکر کند، کار کردن در خانه مخالف حرمت و

شخصیت اوست اشتباه کرده است .
امیرالمومنین علیه السلام که جانم به فدایش باد
در خانه کار می کرد. شوهر باید بدون
اینکه زن تقاضا کند، در کارهای سنگین به
او کمک کند، زیرا ممکن است ، زنی عاقل و
فعال و فداکار باشد و با خود فکر کند،
کارهای بیرون خانه هم که شوهرم انجام می
دهد، کار آسانی نیست . کاری نیست که من
بتوانم انجام دهم ، او هم خسته است .
مزاحمش نشوم ، ولی لذت زندگی در این است
که مرد بدون تقاضای زن ، گاهی به او کمک
کند و او را خدا قوتی دهد و تشکر کند و
گلی بگوید و گلی بشنود.

مرد باید در بغل کردن کودک به همسرش
کمک کند، خصوصا در بیرون خانه و هنگام
سوار شدن و پیاده شدن . بعضی از مردان
پر عاطفه را شنیده ام که کودک را تر و
خشک هم می کنند و هنگامی که کودک می
گرید و مادر در خوابست ، پستان مادر را
یا پستانک را به دهان کودک می گذارند.
درود خدا بر این مردان پر عاطفه و با
صفا باد.

زن و شوهری را دیدم که در بغل کردن
کودک در میان خیابان ، جر و بحث داشتند،
زن می خواست با آنکه خسته بود، کودک را
بغل کند و مرد می گفت در خیابان و کوچه
نگهداری کودک با مرد است . از خلاصه
مباحثات آنها فهمیدم که زن می خواهد
بگوید: بچه داری کار زن است چه در خانه
و چه در کوچه ، مرد را همان کارهای مشکل
زندگی بس است و مرد می خواست بگوید: من
به غیرتم نمی گنجد، که زن ضعیف که می
بایست حجاب خود را حفظ کند، کودک را هم
بغل کند.

من از مباحثه آنها لذت بردم و درود
فرستادم بر اسلام عزیزی که اینگونه
پیروان متعهدی تربیت می کند و فکر می

کردم اگر بحث آنها فیصله نیابد و هیچیک نتواند دیگری را قانع کند و این مرافعه را نزد حاکم شرع ببرند، آیا او چه خواهد گفت و اسلام برای این مشکل هم چاره ئی اندیشیده است؟ در آنجا موضوع حضانت به یادم آمد که روایات بسیاری دارد و فتوای مشهور فقها این است که، مادر برای نگهداری پسر تا دو سال و نگهداری دختر تا هفت سال اولویت دارد.

۴۳- دخل رسول الله ﷺ على علي فوجده هو و فاطمه عليها السلام يطحنان في الجاروش ، فقال التبي اءيكما اءعيى ؟ فقال علي : فاطمه يا رسول الله ، فقال لها: قومي يا بنيه ، فقامت و جلس النبي ﷺ موضعها مع علي عليها السلام) فواساه في طحن الحب .

رسول خدا ﷺ به خانه علي عليها السلام وارد شد. او و فاطمه را دید که با کمک یکدیگر با آسیاب دستی آرد می کنند. پیغمبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: برخیز دختر جان ، فاطمه برخاست و پیغمبر به جای او نشست و علی عليها السلام را در آرد کردن کمک نمود. (۴۸)

زینت (آرایش و پیرایش)

زینت به معنی خاصش که شامل عطر و رنگ نشود، در مذهب مقدس اسلام، مختص بانوان است و حتی برخی از اقسام آن برای مردان جایز نیست؛ چنانکه پوشیدن لباس ابریشم و زینتهای طلائی برای مردان حرام و برای زنان جایز، بلکه مستحب و راجح است. آرایش گری و زینت دوستی چنانکه گفته شد در نهاد و سرشت زن نهفته و با خمیره او عجین گشته است، دستورات اسلام هم مطابق نهاد و سرشت اولیه و پاک انسانست.

بازوان محکم مرد و انگشتان ظریف زن به زبان حال می گویند که اولی برای شکستن و کوبیدن و دومی برای نوزادش و مالیدن آفریده شده است. « از شیر حمله خوش بود و از غزال رم »

آفریننده زن و مرد و بازوان و انگشتان آنان که کاری مناسب خلقت، به آنها دستور داده است. مرد در بیرون خانه و مبارزه زندگی و زن کار درون خانه و بافندگی.

اسلام به زن می گوید: روا نیست زن شوهر دار لحظه ای بدون زینت باشد. او باید اگر چه گردن بندی باشد به خود آویزان کند و نیز روا نیست که انگشتانش ساده و سفید باشد، بلکه باید همواره رنگی از حنا و مانند آن روی ناخن داشته باشد و پیغمبر گرامی اسلام ﷺ - که جان همه زیبا پسندان جهان به فدایش باد - می فرماید: زنان بر عکس مردان ناخن خود را بلند بگذارند تا زیباتر باشد و برای مویش می فرماید: موی زیبا لباس الهی است، از آن به نیکوئی سرپرستی کنید، یعنی

شانه کنید، با آب و صابون بشوئید، گیسوها را از یکدیگر جدا کنید، روغن مالی کنید، با روغن بنفشه بهتر است، و امام صادق علیه السلام می فرماید: مرد نباید مانند زن هر روز مویش را و بدنش را روغن مالی کند تا درخشان و براق باشد، بلکه مردان فقط ماهی یکبار روغن مالی کنند و زنان اگر هر روز روغن بزنند بهتر است و سرمه کشیدن هم مستحب است. هزینه و مخارج زینت و آرایش زن به عهده شوهر است، مانند مخارج خوراک و لباس و مسکن او. در اینجا انسان به یاد سخنان امیرالمومنین علی علیه السلام می افتد که می فرماید: زن عقرب است، ولی گزندگی شیرینی دارد. زن برای زینت خود خرجی به گردن شوهر می گذارد، ولی خود شوهر هم از آن زینت بی نصیب نمی ماند. و همچنین مخارجی که برای خرید لباس نو و کفش و کلاه زیبا به گردن مرد می گذارد، مانند این است که او را با شیرینی گزیده است. یکی از دوستان دانشمند در توضیح این روایت می گفت: علی علیه السلام می فرماید: زن مانند زنبور عسل است که هم گزندگی دارد و هم شهد و شیرینی، گفتم: نه بلکه کلام حضرت لطیفتر و صحیحتر از بیان شماست. حضرت می فرماید: گزیدن زن به جای درد و سوزش، شیرینی و نوش دارد. ابن میثم شارح نهج البلاغه سخن حضرت را تشبیه کرده است به خاراندن بدنی که خارش دارد و در حال خاراندن انسان لذت می برد، به گمانم این هم تشبیه لطیفی نیست.

۴۵- قال الصادق عليه السلام : لا ينبغي للمراءه
 ان تعطل نفسها و لو ان تعلق في عنقها
 قلاده و لا ينبغي ان تدع يدها من الخضاب
 و لو ان تمسحها بالحناء مسحاً و ان كانت
 مسنه .

امام صادق عليه السلام فرمود: سزاوار نیست که
 زن هیچگاه بدن خود را بدون زینت گذارد.
 اگر چه با آویزان کردن گردن بندی باشد،
 و سزاوار نیست که زن بدون رنگ باشد، اگر
 چه با کمی حنا باشد و اگر چه آن زن پیر
 و کهنسال بوده باشد. (۵۰)

۴۷- قال ابو عبدالله عليه السلام الشعر الحسن من
 كسوه الله فاء كرموه ، و قال عليه السلام من
 اتخد شعرا فليحسن ولايته و الا فليجزه .

امام صادق عليه السلام فرمود: موی زیبا لباس
 الهی است احترامش کنید. و نیز فرمود: هر
 کس برای خود مو می گذارد باید به نیکوئی
 از آن سرپرستی کند و گرنه آنرا قطع
 نماید. (۵۲)

۴۹- عن ابي عبدالله عليه السلام : لا يدهن الرجل
 كل يوم ، يرى الرجل شعثا لا يرى متزلقا
 كانه امراءه .

امام صادق عليه السلام فرمود: مرد نباید هر
 روز به سر خود روغن بمالد. مرد باید
 آشفته مو دیده شود. مرد نباید مانند زن
 مو درخشان دیده شود. (۵۴)

آری زن و شوهر باید این گزیدن و گزیده
 شدن شیرین را در میان خود انجام دهند و
 از این جهت غریزه آنها سیر و لبریز باشد
 تا در مواجهه با مردان و زنان بیگانه
 احساس کمبود و نقصی ننمایند و به سوی
 آنان متوجه نشوند و به کار خود مشغول
 باشند.

مجالس عروسی و عزا

شوهران عاقل می دانند که زنان به عروسی رفتن علاقه مفراط دارند، شاید خداوند متعال ، این علاقه مفراط را در نهاد و سرشت آنان نهفته است . تا در این مجالس دختران فامیل را ببینند و برای پسران خود عروس انتخاب کنند دختران خود را همراه ببرند و برای آنها با پسند مادرانی که در مجلس حضور دارند، شوهر پیدا شود. زیبایی و نظافت و اظهار سلیقه و ترتیب و تنظیم مجلس را یاد بگیرند و نیز آداب معاشرت و رفت و آمد و گفت و شنود و سوال و جواب را بیاموزند. اینان به مجالس فامیلشان بروند تا آنان هم در مجالس ایشان شرکت کنند و میان مسلمین الفت و مودت و صفا و صمیمیت ایجاد شود. و نیز بدین وسیله صله رحم کنند و از عقوبت قطع رحم بر حذر باشند. مگر صله رحم تنها بر مردان واجب است ؟

آری در عروسی باید گناه و حرامی نباشد، میگساری و رقص مرد و زن و اختلاط آنان نباشد، چشم چرانی و عشوه گری و نگاه حرامی نباشد، و شوهر هم باید بدون جهت احتمال این امور را بهانه نکند و از اجازه دادن به زن برای رفتن به اینگونه مجالس جلوگیری ننماید.

شاید گاهی بر زنان با شخصیت و محترم نزد فامیل که دیگران از آنها شنوایی دارند، واجب باشد که در این گونه مجالس شرکت کنند و با طرز لباس پوشیدن اسلامی خود، حجاب اسلامی را به دیگران بیاموزند. یا با زبان خود آنها را نصیحت کنند یا اگر نصیحت سودمند نبود، با برخاستن از مجلس ، آنان را نهی از منکر نمایند.

بعد از همه اینها بانوان عاقل و متعهد می دانند که ، غالباً شوهران به اوضاع و احوال زمان ، از آنان آگاه ترند. اخلاق اسلامی یا غیر اسلامی صاحبان مجالس را آنها بهتر می دانند، زیرا در کوچه و بازار رفت و آمد بیشتری دارند، با مردم خرید و فروش و گفت و شنود بیشتری دارند، و به خاطر همین آشنایی است که خداوند متعال اجازه رفتن آنان را به این گونه مجالس در اختیار شوهران گذاشته است . زن مسلمان در رفتن به این گونه مجالس با شوهرش مشورت می نماید و از او اجازه می گیرد و شوهران مسلمان هم بدون جهت از رفتن زن به اینگونه مجالس ممانعت نمی کنند، زیرا می دانند که در آنصورت همسر و همبستر خود را تا چند روز پکر و افسرده و آماده مخالفت کرده اند.

۵۱- عن عبدالله الكاهلي قال : قلت لابي الحسن عليه السلام ان امرأتي و امرأه ابن مارد تخرجان في الماتم ، فاءنها هما ، فتقول لي امرأتي : ان كان حراما فانهنا عنه حتى نتركه ، و ان لم يكن حراما فلای شی تمنعناه فاذا مات لنا ميت لم يجئنا احد ، قال : فقال ابوالحسن عليه السلام عن الحقوق تساءلني ؟ كان ابي يبعث اءمي و ام فروه تقضيان حقوق اهل المدينة

عبدالله كاهلي گوید: به حضرت موسی بن جعفر عليه السلام عرض کردم : زن من با زن ابن مارد به تعزیه ای می روند و من آنها را منع می کنم . همسر من می گوید: اگر رفتن به این مجالس حرام است ، ما را نهی کن تا دیگر نرویم ؛ ولی اگر حرام نیست ، چرا ما را نهی می کنی ؟ اگر ما به این مجالس نرویم ، وقتی کسی از ما بمیرد ، هیچکس به خانه ما نخواهد آمد. حضرت فرمود: درباره حقوق مومنین بر یکدیگر از من سوال می کنی ؟ پدرم امام صادق عليه السلام مادر من و ام فروه (خواهرم یا جده مادریم) را می فرستاد تا در این گونه مجالس بروند و حقوق اهل مدینه را ادا کنند. ^(۵۶)

۵۳- قال ابو جعفر عليه السلام لكل شی طهور و طهور الفم السواك . امام باقر عليه السلام فرمود: هر چیزی وسیله پاک کردن دندان مسواک کردن است . ^(۵۸)

۵۶- عن ابي عبدالله عليه السلام : قال في السواك اثنتا عشرة خصله : هو من السنه و مطهره للغم و مجلاة للبصر و يرضى الرب و يذهب بالغم (بالغم)...

امام صادق عليه السلام فرمود: مسواک کردن دوازده فایده دارد... چشم را نورانی می کند اندوه (یا بلغم) را می زداید، حافظه را زیاد می کند دندانها را سفید و ثواب را زیاد می نماید، بوی دهن را می برد، لثه را محکم می کند و اشتهای غذا می آورد و فرشتگان را خوشحال می کند. (۶۰)

۵۸- و قال صلى الله عليه وآله تزوجوا الاءبكار فانهن اءطيب شى اءفواها... و قال صلى الله عليه وآله ... فانهن اءعذب اءفواها.

رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود: دختران باکره را به همسری بگیرید که دهانی پاکیزه دارند و در حدیث دیگر فرمود: دهانی بسیار گوارا و شیرین دارند (پس پاکیزگی دهان مطلوب پیغمبر است و زنان امتش باید در پاکیزه نگاه داشتن دهان خود کوشا باشند. (۶۲)

این روایت بوی پا و بوی زیر بغل را هم شامل می شود. زن مسلمان باید هر بوی بدی را به نوعی مناسب از خود دور کند.

آیا وجود زن شر است

روایتی در نهج البلاغه موجود است به این مضمون که : همه وجود زن شر است و از همه بدتر آنکه وجودش ضرورت دارد و زندگی مرد لابد و ناچار باید زن وجود داشته باشد.

روایت دیگری در کتاب « من لا یحضره الفقیه » است که امام صادق علیه السلام می فرماید: بیشتر خیر در وجود زنان است . هر دو روایت در ۲ کتاب معتبر حدیث موجود است و هیچیک هم قابل خدشه و انکار نیست .

اگر چه به صورت ظاهر و در نظر ابتدائی این دو روایت مخالف یکدیگر بلکه ، متناقض به نظر می رسد: یکی زن را شر می داند و دیگری خیر، ولی با دقت تامل در جهت و سیاق این دو روایت ، اشکال تناقض بر طرف می شود.

شر بودن زن در جهت کارهای مرد و مسیر زندگی اختصاصی اوست و خیر بودنش در جهت نظام کلی جهان و بقاء نسل بشر است .

مسیر مرد در زندگی دنیا یا کسب مال و ثروت است یا تحصیل علم و دانش و یا رسیدن به مقام و منصب . مردی که در راه کسب مال قدم برمی دارد، به زراعت و دامداری یا تجارت و صنعتگری یا کارگری و پیشه وری می پردازد و از این راه مالی کسب می کند تا برای زندگی خود، مصرف کند یا برای آینده خویش پس انداز نماید.

ولی وجود زن و دخالت او در این میان ، مانع و مزاحم است و شر، و باز دارنده و یا خرج کننده در آمد مرد است که آن هم مزاحمت و شری دیگر است .

همچنین برای مرد محصل و دانشجو که می خواهد از راه مطالعه و مباحثه و سخنرانی و تفکر و نوشتن ، علم و سوادى به دست آورد، وجود زن و دخالت او مانع و مزاحم است و بازدارنده او از مطالعه و تفکر.

همچنین نسبت به مردی که برای احراز مقام و منصبی کوشش و تلاش می کند، دخالت زن در کار او شر است و اخلاص گری ، زیرا زن می خواهد که شوهرش با تمام وجود متوجه او باشد و همسرش او را از هر مقام و منصبی بهتر بخواند. مردانی که مشغول ریاضت و خودسازی و مجاهدت با نفس

باشند، که شر بودن وجود زن برای آنها روشن است . (۶۴)

۶۱- عن یونس بن یعقوب عن سمع ابا عبدالله علیه السلام یقول : اکثر الخیر فی النساء . امام صادق علیه السلام فرمود: بیشتر خیر در وجود زنان است .

مرد مسلمان باید قبل از ازدواج تامل کند و بپذیرد که وظیفه سنگینی به دوش او گذاشته می شود .

دین او گاهی همسرش را « امانت خدا » معرفی می کند و گاهی مهمان صاحب اختیاری که باید احترامش نمود و از خطایش درگذشت و او را مانند استخوان کجی دانست که با وجود کجی و انحرافی که دارد در نظام کلی جهان راست و مستقیم است - چنانکه در درس سی و هفتم توضیح خواهیم داد - پس باید با او مهربانی و با او سازش نمود .

عنوان « امانت خدا » را اگر تحلیل کنیم ، به این نتیجه می رسیم که گویا پیغمبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ، دست بانویی را گرفته و در خانه دامادی آورده و به او گفته است : این امانتی است از جانب خدا که به دست تو می سپارم ، باید او را مطابق امانت خدایی اکرام و احترام کنی ، و اگر بدرفتاری کرد، باید با احترام طلاقش دهی ، چنانکه در درس طلاق خواهیم گفت و علی علیه السلام چون همسرش فاطمه علیها السلام را به خاک سپرد، فرمود: امانت خدا از دست من گرفته شد .

مردی که سعادت دنیا و آخرت بخواهد، به سخن پیغمبرش گوش می دهد. این سخن در گوش بی دین و غیر مسلمان فرو نمی رود، او لیاقت شنیدن این سخن را ندارد، ولی اگر مسلمان سخن پیغمبر و رهبران دینی خود را نشنود، سخن چه کسی را خواهد شنید؟ راستگوتر و داناتر و مهربانتر از پیغمبر و عترتش برای مسلمان چه کسی تواند بود؟

امام صادق علیه السلام می فرماید: هر که با
خانواده اش خوشرفتاری کند، خداوند عمرش
را زیاد کند.

۶۲- عن الصادق ، عن ابيه عليه السلام قال : من اتخذ امراه فليكرمها فانما امراه اءدكم لعبه فمن اتخذها فلا يضيعها .
 امام صادق از پدرش عليه السلام نقل می فرماید : هر کس زنی بگیرد باید احترامش کند . زن شما لعبت و دلبر است ، هر کس لعبتی به دست آورد ، نباید آن را ضایع سازد . (۶۷)
 دو جمله اخیر را علی عليه السلام ، از قرآن مجید اقتباس فرمود است که در آیه ۶ سوره طلاق و آیه ۲۳۲ سوره بقره و آیه ۱۹ سوره نساء آمده است .

۶۴- قال رسول الله صلى الله عليه وآله اخبرني اخی جبرئیل و لم یزل یوصینی بالنساء حتی ظننت ان لا یحل لزوجها ان یقول لها اف ... اءخذ تموهن علی امانات الله ...
 رسول خدا صلى الله عليه وآله فرمود : برادرم جبرئیل به من خبر می داد و همواره سفارش زنان را می نمود ، تا آنجا که من گمان کردم ، برای شوهر جایز نیست که به زنش اف بگوید ... شما زنان را به عنوان امانت خدائی گرفته اید ... (۶۹)
 ۶۶- فان المرآه ریحانه و لیست بقهرمانه .

زن مانند ریحان است نه قهرمان . (۷۱)
 ۶۸- قال الصادق عليه السلام : رحم الله عبدا احسن فیما بینه و بین زوجته فان الله تعالی قد ملکه ناصيتها و جعله القیم علیها .
 امام صادق عليه السلام فرمود : خدا بیامرزد مردی را که رابطه میان خود و همسرش را نیکو سازد . خداوند اختیار او را به دست مرد داده و وی را سرپرست او قرار داده است . (۷۲)

۷۰- عن ابي عبدالله عليه السلام قال : ... و من حسن بره باهله زاد الله فی عمره .

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس با خانواده اش نیکرفتار باشد، خداوند بر عمرش بیفزاید. ^(۷۰)

رسول خدا صلی الله علیه و آله - که جان اهل ادب به قربانش باد - تمام این فحشهای مرا با کمال ادب در یک جمله کوتاه علمی گنجانیده و به صورت سوالی بسیار لطیف و ظریف بیان فرموده است :

« چگونه همسرت را می زنی و سپس در آغوش می گیری ؟ »

ولی در روی کره زمین ابوالعجائب و باغ وحش احوالغرائب ، مردمی هستند یا بوده اند و زنان و شوهرانی زندگی می کنند یا می کرده اند که معنای سخن پیغمبر را نمی فهمند، آنها دهها سال با یکدیگر زندگی می کنند و دست به گردن یکدیگر می شوند، تنها برای تخلیه درون و رقص واژگون ، آنها حاضرند با مریض و محتضر هم برقصند، آنها با حیوانات هم نزدیکی می کنند. اسلام هم سعه صدر دارد و نمی خواهد هیچ آفریده و انسان دو پائی را از هدایت و رحمت خود مایوس کند. اسلام مانند دین یهود کنونی نیست که غیر از بنی اسرائیل را نپذیرد.

اسلام به این گونه مردان و زنان اگر خدای نکرده پیدا شوند دستور می دهد: اگر زن از تنها وظیفه او که تمکین است ، بدون عذر و علت سرباز زند، شوهر باید ابتدا او را موعظه کند که قرارداد ازدواج ما بر اساس مقرراتی بوده است که من مخارج خانه را تکفل کنم و تو هم در رقص حلال ما موافقت کنی ، چرا مخالفت می ورزی ؟ اگر زن لجبازی کرد و به سرپیچی خود ادامه داد، شوهر در شب های بعد باید از او اعراض کند و در بستر، پشت به او بخوابد. در اینجا گمان ندارم ، زنی از

کمترین درجه تعقل برخوردار باشد و باز هم مخالفت کند، مگر آنکه مرد دیگری پیدا کرده و به فکر طلاق گرفتن و بهانه تراشی باشد.

در هر حال اسلام دستور می دهد، در مرحله سوم، برای اینکه کار به شکایت و مرافعه نکشد و راز شوهر و زن نزد دیگران فاش نشود، شوهر حق دارد با پشت دست مثلا به ران و پشت پهلوی چنین زن نادانی بزند، شاید بیدار شود ولی این زدن چنانکه گفتیم باید تنها در این موقعیت باشد و به خاطر این هدف و بدون سیاه و کبود شدن بدن او تنها برای اظهار انزجار و تنفر شوهر و به عنوان آخرین علاج و چاره کردن لجاجت و سرپیچی زن از ادا وظیفه قانونیش طبق قراردادی که خود او امضا کرده است.

(به نظر نویسنده چون سیاق آیه شریفه راه علاج نشود و مخالفت زن را بیان می کند، چنانکه از موعظه و اعراض در بستر پیداست، پس اگر شوهر بداند که همان زدن خفیف هم، موجب تشدید مخالفت زن می گردد، نباید انجام دهد بلکه باید به راه دیگری متوسل شود).

مردی که ادبیات و اصول بسیار خواننده بود و درس عشق و احساس کمتر با همسرش اختلاف پیدا کرد و کار به حکمیت ریش سفیدان کشید، در آن مجلس زن گفته بود: شوهرم مرا زده است و شوهر به آیه اضربوهن استشهاد کرده بود، ولی زن قانع نگشته و طلاق واقع شده بود.

یکی از حکمین مرد مسلمان عاقلی بود که شاید سواد خواندن و نوشتن هم نداشت. روزی به اینجانب گفت: ما بی سوادها هنگام سرپیچی زن از همبستری، پولی به دستش می گذاریم یا کفش و جورابی به او وعده می دهیم و با رضایت و نشاط او

همبستر می شویم ؛ چرا آن مرد کتک می زد .
و می گفت این دستور اسلام است . به او
گفتم عمل شما مطابق دستور اسلام است و آن
مرد اشتباهی کرده بوده و برای رفع خجالت
خود در برابر شما عذری بدتر از گناه
آورده است .

در هر حال اگر شوهر در اثر زدن ،
خراشی به بدن زن وارد کند که خون نیاید ،
باید قیمت يك شتر را به زن بپردازد و
اگر خونی شود قیمت دو شتر و اگر سیلی به
صورت زن بزند ، در صورتی که رخسار زن
سیاه شود ، باید قیمت شش مثقال شرعی طلا
(مثقال بازاری) به زن بپردازد ، و اگر
کبود شود قیمت ۳ مثقال شرعی طلا و اگر
تنها سرخ شود ، قیمت يك مثقال و نیم شرعی
را باید بپردازد و حتی قبل از دیه گرفتن
، زن حق قصاص کردن دارد - چنانکه از قول
پیغمبر ﷺ خواهیم گفت -

به عقیده اینجانب هدیه دادن و دل زن
را نرم نمودن هم از مصادیق موعظه کردن
است که در درجه اول قرار دارد ، کدام زن
است که با گرفتن هدیه و یا شنیدن کلمات
محبت آمیز رام نشود و کار را به قهر و
کتک برساند و آنگاه ادب شود؟ او حتما
زنی است که بیماری روانی دارد و در میان
باغ وحش دنیا اینگونه انسان نماها هم
یافت می شوند .

با عالمی روستازاده که مردم روستای او
معروف به خشونت بودند ، درباره تادیب زن
و کلمه « اضر بوهن » بحث می کردم ، که
این زدن در چه حد است ؟ مرد عالم بدون
توجه به مدارك دیگر ، بلکه طبق طبیعت خشن
روستائیش گفت : باید به قدری بزند که زن
تسلیم شود . گفتم : مگر اسلام تنها برای
زنان و مردان و روستای شما نازل شده است
؟ کدام زن عاقلی ، بلکه کدام مرد عاقلی
چنین قضاوت را می پذیرد؟ و آیا اگر دین

و مذهبی باشد که احساسات و عواطف انسانها را نادیده بگیرد، صحت و قبولیش، زیر علامت سوال قرار نمی گیرد؟ مگر زنان عارف و عاقل جهان، اگر بخواهند مسلمان شوند، اسلام دست رد به سینه آنها می زند؟

خیر، چنین نیست، اسلام همگان را می پذیرد، برای همگان خوراک دارد، برنامه دارد، به مردان عارف، بلکه همه مردانی که از اندک شعوری برخوردار می باشند، سخن نغز و زیبای پیغمبر ﷺ را بیان می کند که « چگونه مرد زنش را می زند و سپس دست به گردن او می کند» و نیز روایات دیگری که ضمن دلیل این درس خواهیم نوشت، همگی دلالت بر زشتی و قبح این عمل، و دنائت و پستی مردی دارد که به خود اجازه می دهد، زنش را چون ضعیف و ناتوان است کتک بزند، مانند الاغی که با بره مظلومی در یکجا باشند و الاغ چون زورش از بره بیشتر است به او لگد می زند. بالاخره مرد عالم تصدیق کرد و پوزش خواست.

طبیعی است که هر انسانی می خواهد فکر و نظر خود را به طرف مقابلش بفهماند و بقبولاند، اگر طرف مقابل قبول نکرد، انسان عاقل، از راه منطق و برهان پیش می آید و فکر زیاد می کند تا بالاخره منطقی را که مناسب با افکار طرف باشد، پیدا کند و بیان نماید تا او را قانع کند؛ ولی اگر اهل منطق و برهان نباشد، به شیوه دشنام و زشت گوئی متوسل می شود، زیرا نه می تواند از عقیده خود دست بردارد و نه منطق و برهان می داند. اگر دشنام هم اثر نکرد به زور و کتک متوسل می شود، ولی شما خواننده محترم بدانید که دشنام و کتک حربه مردم نادان و بی منطق است، مانند روستائیان درس نخوانده و بی سوادی که در گذشته بودند و

غالبا بر سر تقسیم آب رودخانه ، دشنام را حربه خود می کردند و سپس بیل و کلنگ را برمی داشتند و به جان هم می افتادند. انشاء الله این عادت زشت که در قدیم مرسوم بوده اکنون از میان رفته است و در جمهوری اسلامی و از برکت باسواد شدن و مودب شدن مردم به تعلیمات مقدس اسلام ، راه منطق و برهان جایگزین کتک و دشنام گشته است .

علاوه بر همه آنچه گفتیم چنانچه در دلیل همین بحث خواهیم گفت پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زدن را به گرسنگی و برهنگی تفسیر می فرماید، نه با چوب زدن .

و باز شنیدم شخصی می گفته است : من چند زن گرفته ام و همگی مطیع من هستند و در زندگی ما هیچوقت جنگ و نزاع و سر و صدائی نیست . علتش اینست که ، من در همان روزهای اول يك سیلی محکم به هر زنی می زدم ، او دیگر حساب کار خودش را می کند و جرات سرکشی و نافرمانی ندارد .

من با این مردك بی ذوق و عاطفه سخنی ندارم . زیرا او میان معاشرت با همسر بانشاط و با سرور و معاشرت با همسری پژمرده و سوت و کور، فرق نمی گذارد، برای او بوسیدن چهره براق و گلی با چهره زرد و نیلی فرق ندارد .

شما خواننده محترم ، اگر چنین نادانی را دیدید، به او بگویید: تو چون نمی توانی از راه لطف و محبت با همسرانت زندگی کنی ، راه عصبانیت و خشونت پیش می گیری ، تو نمی دانی که آن سیلی بی جا :
اولا: قصاص و دیه دارد .

ثانیا: چنانکه پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: خداوند عادل در روز قیامت به مالك دوزخ فرماید که در میان آتش غضبش به او سیلی بزند .

ثالثاً: او باید بداند که اثر آن سیلی برای همیشه در روح همسرش باقی می ماند و همسرش اگر حساس باشد - که بیشتر زنان چنین هستند - از همان روزهای اول ضعف اعصاب می گیرد و او باید يك عمر با رنجوری و آه و ناله و بیخوابی همسرش مواجه باشد و آن مرد نادان و مغرور به جای اینکه پنجاه سال با همسری شاداب و سالم و بانشاط زندگی کند، سنواتی اندک با همسری بیمار و افسرده و بی نشاط زندگی خواهد کرد. شما خواننده محترم به او بگویید: اگر دامادت با دختر و خواهرت چنین کند، تو می پسندی ؟ او چون عاطفه ندارد، شاید بگوید: آری !

شما خواننده محترم ، هر چه می خواهی به او بگو، اما من درباره او سخن امیر مومنان علی علیه السلام را به یاد می آوردم که می فرماید: بعضی از مردم به قدری پست و بی مقدارند که لبهای انسان حتی این لیاقت را ندارند که انسانی لب به نکوهش و بد گوئیشان بگشاید.

این گونه افراد نباید این کتاب را مطالعه کنند، زیرا مایه فهم مطالب این کتاب که ماخذ اسلامی را بیان می کند، ذوق و عاطفه و تحقیق و تعهد است و آن مردک کور دل هیچیک را ندارد. به گمان اینجانب او نباید خود را مسلمان بخواند و از امت پیغمبری بداند که آن همه سفارش درباره دوست داشتن زنان ، احترام زنان ، سخت گیری نکردن بر زنان و تحمل کج خلقی زنان دارد و در آخرین لحظات زندگی هم ، آخرین سفارش او به امتش ، رعایت حال زنان بوده است .

این گونه افراد، لااقل نباید خود را با تقوی بدانند، زیرا چنانکه شیخ بهائی در کتاب « کشکول » نقل می کند: « شخصی درباره عروس کردن دختر خویش با امام

مجتبی علیه السلام مشورت کرد. حضرت فرمود: «
دخترت را به ازدواج مرد با تقوی درآور،
زیرا اگر او دخترت را دوست بدارد،
گرامیش خواهد داشت و اگر او را دوست
ندارد بر او ستم نخواهد کرد.»

و کلو و شربوا و لا تسرفوا انه لا یحب المرفین .

بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد. (۷۷)

۷۳- و قال النبی ﷺ انی اءتعجب ممن یضرب امراءته و هو بالضرب اءولی منها، لا تضربوا نساءکم بالخشب فان فیہ القصاص و لكن اضربوهن بالجوع و العری حتی تریحوا فی الدنیا و الاخره .

پیغمبر ﷺ فرمود: من در شگفتم از مردی که هسمرش را می زند، در صورتی که خودش به کتک خوردن سزاوارتر است . زنان را با چوب تادیب نکنید، بلکه با گرسنگی و برهنگی تادیب کنید تا در دنیا و آخرت راحت باشید. (۷۹)

۷۵- و هل خلفتم الا فی حثاله لا تلتقی بدمهم الشفتان استصغارا لقدرهم و ذهابا عن ذکرهم .

و فرمود: مگر نه اینست که شما در میان مردم پست و بی ارزشی باقی مانده اید که لبهای انسان برای مذمتشان به حرکت نمی آید، به خاطر بی مقداری آنها و اینکه برای همیشه یادشان فراموش باشد.

موضوع دیگر، آشپزی و طبخ غذاست که چون کار هر روز است و زن بیشتر در خانه است ، باید او به عهده بگیرد، حتی مردانی که شغلشان آشپزی است و غذاهای مطبوع و لذیذ برای دیگران درست می کنند، لذتش در اینست که : در منزل غذای دست پخت خانم خود را بخورند و به او تعلیم دهند و تمجید کنند و معایب طبخی خانم را گاهی با زبان خوش گوشزد کنند و گاهی چشم پوشی نمایند و گاهی هم تشکر کنند.

ولی اگر شوهر آشپز نباشد، خانمهای محترمه می دانند که غذای خوب پختن کار

ساده و آسانی نیست . بدون جهت نیست که امام صادق علیه السلام می فرماید: بهترین زنان آن است که غذایی پاکیزه تر بپزد. خانمها می دانند: برای تهیه غذای مطبوع باید، مواد اولیه خوب را در وقت مناسب تهیه کرد و در ظرف مناسب و جای مناسب نگهداری نمود و با ظروف و ادوات مناسب طبخ نمود و دستور طبخ را از متخصصان فن تعلیم گرفت یا کتابهای مربوطه را مطالعه کرد. در آموختن نباید مسامحه کرد و از یاد گرفتن نباید خجالت کشید.

۷۶- قال النبي ﷺ نعم الله المغزل للمراءه الصالحه .

پیغمبر ﷺ می فرمود: چه سرگرمی خوبی است ریسندگی برای زن شایسته . (۸۲)

۷۸- قال ابو عبدالله عليه السلام : خير نساءكم الطيبه الريح ، الطيبه الطبخ .

امام صادق عليه السلام فرمود: بهترین زنان شما (مسلمین) زنی است که خوشبو و خوش دستپخت باشد . (۸۴)

۸۰- ان هذا الدين متين فاء وغلوا فيه برفق و لا تکرهوا عباده الله الى عباده فتكونوا كالراكب المنبت الذي لا سفرا قطع و لا ظهرا ابقى .

این دین متین است ، با ملایمت در آن وارد شوید، عبادت خدا را به صورتی ناپسند به بندگان خدا عرضه نکنید تا مانند سواری باشید که در اثر تندی نه به مقصد رسیده و نه مرکبی باقی گذارده است . (۸۶)

۸۲- فلا تخضعن بالقول فيطمع الذي في قلبه مرض .

شما زنان نباید صدای خود را در گفتار نازک کنید تا مرد بیمار دل به طمع افتد . (۸۸)

وقتی زنان چادر یا عبای روپوشی را به خود پیچیدند، جوانان هرزه ای که در سر راه ایستاده اند، می فهمند که آنها زنان عفیف و پاکدامن می باشند، لذا ایشان را با شوخی کردن و متلک گفتن آزار نمی دهند .

۸۴- والقواعد من النساء اللاتي لا يرجون نكاحا فليس عليهن جناح اءن

يضعن يثابهن غير متبرجات بزينه و اءن يستغفن خير لهن .

و زنانی که از عادت و زائیدن وامانده اند و امید شوهر کردن ندارند، گناهی بر

آنها نیست که بدون نمایش زینت ، روپوش خویش نزد نامحرمان ، از تن برگیرند، ولی اگر خودداری کنند، برایشان بهتر است .
(۹۰)

پیدا است که این حدیث در مورد نهی از نگاه کردن زن به مرد است نه مرد به زن ، بعلاوه فقهاء عظام در این حدیث احتمال خصوصیت مورد می دهند و می گویند این حکم را نمی توان تعمیم داد، یعنی تنها به استناد به این حدیث نمی توانیم بگوییم : اگر زنی در برابر مرد کوری قرار گیرد و تصمیم جدی بگیرد که به آن مرد نگاه نکند، باز هم لازم باشد، از نزد او برخیزد و برود، بلکه در چنین موردی می توان گفت : زن اختیار دارد که یا آنجا بنشیند و به مرد نگاه نکند، یا از آنجا برخیزد و برود تا او را نبیند، مگر این که دلیل دیگری داشته باشیم که برخاستن را به طور کلی لازم بدانند.

۸۶- ولا یضربن باءرجلهن لیعلم ما یخفین زینتهن .

زنان پاهای خود را جوری به زمین نزنند که زینتهای نهانی ایشان دانسته شود. (۹۲)
۸۸- قال رسول الله ﷺ : اذا جلست المراهه مجلسا فقامت عنه فلا یجلس احد فی مجلسها حتی یبرد .

هر گاه زنی از جایی که نشسته برخیزد، مردی در آنجا ننشیند مگر زمانی که سرد شود. (۹۴)

۹۰- عن ابي عبدالله عليه السلام قال : كان رسول الله ﷺ یسلم علی النساء و یرددن علیه و كان امیرالمومنین عليه السلام یسلم علی النساء و كان یکره ان یسلم علی الشابه منهن ... رسول خدا ﷺ به زنها سلام می کرد و زنها جواب می دادند و امیرالمومنین عليه السلام به زنها سلام می کرد، ولی از سلام کردن به زن جوان کراهت داشت . (۹۶)

۹۲- عن عمران بن الحصين ، قال : كنت عند النبي ﷺ جالسا اذ اقبلت فاطمه ؑ و قد تغير وجهها من الجوع عمران گوید خدمت پیغمبر ﷺ نشسته بودم که فاطمه (س) وارد شد، در حالی که چهره اش از گرسنگی دگرگون بود. و در روایت دیگر جابر بن عبد الله انصاری چهره حضرت فاطمه را از گرسنگی زرد می بیند. (۹۸)

۹۴- فلما كان ليلة الزفاف اتي النبي ﷺ ببخلته الشهباء و ثني عليها قطيفه و قال لفاطمه : اركبي و امر سلمان ان يقودها.

حضرت فاطمه ؑ در شب عروسیش سوار بر استری بود و سلمان افسار آن را گرفته و می برد. (۱۰۰)

زنی به نام « حواء » در مدینه عطر فروشی می کرد و یکی از مشتریانش پیغمبر ﷺ بود. (۱۰۲)

از دلیلی که امام ؑ در آخر روایت فرمود، معلوم می شود که هر زن روستایی شامل این حکم نیست ، بلکه روستائی ای که قدرت فهم مسائل دین را نداشته باشد، چنانکه زن دیوانه هم چنین است .

مشورت با زن

روشن است که انسان عاقل می خواهد با عنصر متخصص مشورت کند: با مهندس در امر ساختمان ، با قابله در امر زایمان و با آشپز در امر غذا پختن ، به علاوه انسان درباره این امور مایل است کسی را پیدا کند، که در فن خود متخصص تر تجربه دیده تر و عاقلتر باشد، از این رو کلمه « ریش سفید و گیس سفید» را برای این اشخاص بکار می برند، یا کلمات « سرد و گرم چشیده ، پستی و بلندی دیده و پیراهن بیشتری پاره کرده » و امثال آن را.

دین مقدس اسلام ، درباره مشورت با زن عینا همین مطلب عقلی را بیان می کند. خداوند متعال زن را برای امور خانه داری و تربیت فرزند آفریده است ، تربیت فرزندی که همان ، عالمان و شاعران و عارفان و مجتهدان و سلحشوران و نوابغ زمان می شوند و همه اینها قسمتی از آغاز عمر خود را که آماده شکل گیری برای تخصصهای بعدی می شوند، در دامن مادران می گذرانند، ولی از خود بانو نباید انتظار داشت که همه تخصصها را داشته باشد تا به فرزند خود بیاموزد. فرزند قسمت عمده تخصصها را بعد از بلوغ و از مردان عالم و عارف و سلحشور و هنرمند می آموزد.

خداوند مرد را برای امور خارج خانه ، امور سخت و طاقت فرسا، مانند حرفه و صنعت ، جنگ و صلح ، کشتی و زورآزمایی ، کسب و پیشه ، و خلاصه برای مبارزه در برابر مشکلات زندگی آفریده است و از زمانی که انسان ، روی کره خاکی قدم نهاده است ، روش زندگی او این گونه بوده است ، البته موارد استثنائی هم وجود

داشته که اسلام روشن بین حتی موارد استثنا را هم در نظر گرفته است .
اسلام می گوید: در اموری که مربوط به زنان نیست ، با آنها مشورت نکنید، و در اموری که مختص به آنهاست ، با ایشان مشورت کنید، مانند امور مربوط به دخترانشان ، و نیز در امور مربوط به مردان هم با زنان مشورت نکنید، مگر با زنی که در امر مورد نظر عقل و تجربه کافی داشته باشد.
ای عاقلان و اندیشمندان وای عارفان و خردمندان جهان آیا در این جهان مکتبی و آئینی ، اندیشمندانه تر، منصفانه تر، واقع بینانه تر از اسلام یافته اید؟

۹۷- ائتمروا النساء فی بناتهن .

با زنانتان در امور مربوط به دخترانشان مشورت کنید. ^(۱۰۴)
 (علی علیه السلام در خطبه ۷۸ نهج البلاغه مقدار نقص عقل زن را نسبت به مرد معین نموده و با استشهاد به آیه قرآن که شهادت دو زن را مطابق يك مرد بیان کرده است ، عقل يك زن را نصف عقل يك مرد می داند، آن هم در امور مربوط به شهادت و مانند آن که مردان در آن امور تجربه بیشتری دارند. چنانکه در درس چهل و ششم بیان می کنیم .)

۹۹- ایاک و مشاوره النساء الا من جریت بکمال عقل .

از مشورت با زنان بپرهیز مگر با زنی که کمال عقل او آزمایش شده باشد.
 حال اگر زن و شوهری چنین دستورات ساعات بخش و رفاه انگیز و محبت آور اسلام را نشنیدند یا شنیدند و عمل نکردند و خواستند با دین خود، با خدای مهربان خود، با پیغمبر دلسوز خود، بلکه با سعادت و سرنوشت خود مخالفت و لجبازی کنند، اسلام موضوع حق و وظیفه را پیش می کشد. مثلا اگر مردی به همسرش بگوید: راضی نیستم به مجلس عزای پدرت هم بروی و زن نتواند این موضوع را تحمل کند او می تواند به شوهرش بگوید: من وظیفه ندارم در خانه هیچکاری بکنم . برو يك آشپز بیاور. يك نظافتگر، يك لباس شوی و يك بچه نگهدار تا آن وقت بفهمی که چهار نفر آنها به اندازه نصف من هم دلسوزی ندارند، یا اگر زنی بهانه بگیرد و بگوید نمی خواهم به مسافرتی که شغل تو هست بروی و با تو هم نمی آیم ، مرد می تواند

عكس العمل شرعى نشان دهد و از حقوقى كه دارد، استفاده كند مثلاً نفقه و لباس كمترى به او بدهد و با اين عمل زن را بيدار كند و به او بفهماند كه بين زن و شوهر نبايد عناد و لجبازى باشد. زيرا لجبازى كار را به ستيزه مى كشاند، چنانكه فردوسى گويد:

ستيزه به جايى رساند سخن كه ويران كند كاخهاى كهن

۱۰۰- و من آیاته اهن خلق لکم من اءنفسکم اءزواجاً لتسکنوا الیها و جعل

بینکم موده و رحمہ ان فی ذلک لآیات لقوم یتفکرون .

از جمله آیتهای خدا این است که برای شما از جنس خودتان همسران آفرید، تا به وجود آنها آرام گیرید و میان شما دوستی و مهربانی برقرار ساخت ، در این امر برای کسانی که اندیشه می کنند عبرتهاست
(۱۰۷)

از مزایای اسلام این است که همواره حامی مستضعفان است ، شخص قوی و نیرومند، خود می تواند حق خویش را بستاند، حمایت از او لازم نیست ، بلکه حمایت از او، ستم کردن بر مستضعفان است . اصولاً وجود قانون که ضرورتش را هر عاقلی درک می کند، برای حمایت مستضعفان است ، و این حمایت به معنی رساندن مستضعف را به حق خویش می باشد نه به معنی ستم کردن بر نیرومند و قدرت دادن به مستضعف تا او هم نیرومند و مستکبر شود .

الرجال قوامون ...

در هر اجتماعی که از دو یا چند انسان تشکیل می شود و می خواهند مدتی با یکدیگر زندگی کنند، یک رئیس و تصمیم گیرنده لازم است تا حکومت خان خانی و خودسرانه پیش نیاید و اختلاف سلیقه و درگیری و نزاع ، امور زندگی را مختل و معوق نسازد.

در نظام خانوادگی از نظر اسلام ، مرد رئیس است . زیرا قدرت بازوانش بیشتر است و مسئول تمام مخارج خانه می باشد، پس اگر زن و شوهری در مورد خرید یا اجاره منزل ، منزل کوچکتر یا بزرگتر، بالای شهر یا پائین شهر اختلاف نظر داشته باشند، از نظر اسلام ، رای و نظر مرد مقدم است و باید عملی شود، زیرا اوست که هزینه را می پردازد، مخارج را تحمل می کند. عقل سالم چنین قضاوت می کند، حقوق و قانون چنین دستور می دهد. همچنین اگر زن و شوهر در خرید قالی یا گلیم ، ظرف ملامین یا مسی ، مسافرت با قطار یا هواپیما، خرید استکان یا فنجان و ده ها و صدها امر دیگر مانند این امور، اختلاف پیدا کردند، نظر مرد مقدم است ، زیرا صندوق بدست اوست و حساب و دخل و خرج زندگی را او می داند.

البته نسبت به خرید لباس و کفش زن مرد از نباید از حد متعارف و معمول پائین تر آید، مثلا در زمان ما لباس کرباس پائین تر از حد معمول است و آن را برای کفن میت به کار می برند به برای لباس زن ، مگر آنکه زن و شوهری به خاطر علت و نظری خاص ، با لباس کرباس هم توافق کنند.

و نیز اگر دزدی یا دشمنی به خانواده حمله کند، تصمیم گیری و قیومت به دست

مرد است که نعره زند و از اموال خود دفاع کند. در اینجا زن نباید دخالت کند؛ زیرا که حنجره او جاذب است نه دافع و خانه و اموال هم بیشتر از آن مرد است. همچنین در تولید فرزند بیشتر اختیار بدست مرد است. این است معنی آیه شریفه :

الرجال قوامون علی النساء.

البته چنانکه در درس چهل و هشتم (اختلاف سلیقه) خواهیم گفت : با وجود آنکه اسلام حق تقدم را به مرد داده است ، ولی توصیه می کند، حتی الامکان مستحب است برای مرد که رضایت همسر خود را جلب کند، و در رابطه با او خدا را در نظر بیاورد. بعضی از مردان جاهل و مغرور، از آیه شریفه «الرجال قوامون علی النساء». سوء استفاده کرده ، بر زنان خود تحکم و زورگویی می کنند و تحکم خود را به قرآن مجید مستند می نمایند. چنانچه شوهران مغرور و بی خبر دیگری کتک زدن زنان را به قرآن کریم مستند می کنند و محبوس کردن زن را در خانه به اسلام نسبت می دهند. توضیح هر يك از اینها در جای خود گفته شد (به درس هشتم و هیجدهم مراجعه شود.)

۱۲۰- الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا

من اموالهم ؛ فالصالحات قانتات حافظات للغیب بما حفظ الله .

مردان بر زنان سر پرستی دارند، به خاطر برتری و فضیلتی که خدا بعضی از مردم را بر مردم دیگر می دهد و نیز به خاطر انفاقی که از مال خود می کنند پس زنان شایسته در زمان غیبت شوهر، مطیع اند و نگهدار به خاطر نگهداری خدا از ایشان . (۱۰۹)

مقصود از درجه افزون ، همان قیمومتی است که شوهران بر زنان دارند. دریافت زن مسلمان از آیه شریفه این است که : خداوند مهربان بعد از سرپرستی پدر و مادر، برای دختر سرپرست دیگری به نام شوهر تعیین می کند تا يك دختر در این جهان پهناور، بی انیس و یاور نباشد. شوهر اگر چه اسمش قیم است ولی در حقیقت مسؤ ول صیانت و متکفل مخارج زن خود می باشد. زن مسلمان قدر این نعمت الهی می شناسد، حجاب و عصمت خود را حفظ می کند و مایه شادی و دلگرمی شوهر خود می شود و خانه را کانون مهر و صفا و ترقی و تعالی می سازد.

و برداشت مرد مسلمان از آیه شریفه این است که : حال که خداوند مهربان بر او منت نهاده و او را سرپرست و قیم قرار داده است ، او هم باید از این منصب الهی سوء استفاده نکند، از زیر دست خود مانند يك « امانت خدا » نگهداری کند و به مسئولیت سنگین خود متعهد و وفادار باشد. امتحان خداوند از بندگان غالباً در همین موارد است که قدرت و اختیاری به آنها می دهد و راه استفاده درست از آن

قدرت را نشان می دهد، سپس آنان را آزاد می گذارد تا ببینند چه کسانی نفس را کنترل می کنند و چه کسانی ضعف نفس نشان می دهند و از آن قدرت سوء استفاده می کنند.

اما زنانی که نمی خواهند ضعیفتر بودنشان را باور کنند و تبلیغات موزیانه تساوی و همدوشی ریاکاران غربی را در گوش گرفته اند، نمی دانم می خواهند چه بگویند؟ می خواهند بگویند: اگر با مردی با شرایط مساوی کشتی بگیرند، مرد را به زمین می زنند یا مساوی می کنند؟ می خواهند بگویند در کارهای سخت زندگی مانند، خلبانی، دریانوردی، و بکار بردن اسلحه جنگی مانند مردانند؟ اگر قبول دارند که در این امور از مردان ناتوانترند، پس چرا ناراحت می شوند که اسلام به مردان بگوید: چون زنان ضعیفند و شما قوی، ما شما را قیم و سرپرست و رئیس و تصمیم گیرنده قرار دادیم و به شما می گوئیم چون زنان زیر دست شما هستند، آنها را « امانت خدا » بدانید و جانب آنها را رعایت کنید.

تکبر و بخل و ترس زن

خداوند متعال ، زن و مرد را تنها در انسانیت و جدایی از جماد و نبات و حیوان ، یکسان آفریده است ، ولی غرائز و عواطف و احساسات ایشان را مختلف نموده و مطابق میدان فعالیت و خط مشی طبیعی و مسیر خاص زندگی هر يك از آنها قرار داده است . به همین جهت ، برای هر يك از آن دو ، وظیفه خاصی معین نموده و تکلیف معینی از آنها خواسته است .

اختلاف روحیات و معنویات زن و مرد از لحاظ ارزش و مقدار به حدی است که برخی از صفاتی که برای مردان ، مذموم و ناپسند است ، همان صفت به طور مشخص برای زنان ، محمود و پسندیده است .

یکی از این صفات ، تکبر و غرور و خود بزرگ بینی در برابر دیگران است که برای مردان نکوهیده و برای زنان پسندیده است . زن باید در برابر غیر شوهرش با غرور و خود بزرگ بینی مشاهده شود ، نه رام و منقاد ، تا جوانان هرزه در او طمع نکنند . حالت کبر زن ، همان زره پوشی اوست که در درس نهم گفته شد ، بلکه در آنجا باید علاوه بر تکبر ، از زن حالت سرپیچی و امتناع و سرکشی مشاهده شود .

پیغمبر ﷺ می فرماید: « زن شایسته مانند غراب اعصم کلاغ يك پا سفید) است که کسی نمی تواند بر او دست یابد .»

اما تکبر و خود بزرگ بینی زن حتما باید در برابر غیر شوهرش باشد ، زیرا احادیث و روایات بسیاری داریم که تواضع و فروتنی زن در برابر شوهرش را تثبیت می کند و این صفت را از بهترین صفات زن معرفی می نماید .

در روایتی که از امیرالمومنین علیه السلام نقل خواهیم نمود، دو صفت دیگر هم در ردیف تکبر آمده است: اول ترس، دوم بخل. این دو صفت هم از صفات زشت مردان است و در موارد معینی جزء صفات نیک زنان. بخل زن خوبست برای اینکه مال شوهر را حفظ کند و ترس او خوبست تا برای افتادن در دام شیادان هرزه آمادگی نداشته باشد. این ۳ صفت را خداوند متعال به مقتضای حکمت خویش در سرشت زن نهاده است. تذکر امیرالمومنین علیه السلام به جویندگان راه سعادت، برای اینست که آنان هم زنان را بر ادامه و تاکید همین صفات تربیت کنند و از ایشان فروتنی در برابر بیگانگان و سخا و تهور را انتظار نداشته باشند که بر خلاف سرشت آنهاست و فاسد کننده سرنوشتشان. زن اگر بخیل نباشد، میوه و شیرینی و خوردنیهای خانه را به زودی تقسیم می کند و وقتی مهمانی می آید، چیزی پس انداز ندارد. او باید بخیل باشد و شوهر هم باید از بخل او خرسند باشد؛ همچنین اگر زنی از تنها بودن در خانه می ترسد دلیل خوبی اوست، شوهر نباید او را تنها گذارد.

و خلاصه زن دارای سرمایه ای گرانقدر و نفیس است به عنوان عفت و عورت که از نظر اسلام هویت و شخصیت زن و امتیاز او بر مرد، بستگی به آن دارد، بنابراین حفظ و صیانت این سرمایه بر زن از اوجب واجبات است. همین سرمایه ای که از نظر مکاتب دیگر شاید هیچ ارزشی نداشته باشد و حتی ضد ارزش باشد. سرمایه ای که اگر در طریق خدا پسندش مصرف شود، اجتماعی سالم به وجود می آورد و اگر منحرف شود، اجتماع به فساد و بی بند و باری کشیده می شود.

حفظ و صیانت این سرمایه به دو طریق ممکن است :

اول : از راه مبارزه با کسی که در مقام دستبرد و تجاوز است .

دوم : از راه پیشگیری و به معرض نمایش گذاشتن و نشان ندادن آن . پیداست که چون طرف مقابل زن ، مرد است و قدرت و نیروی بازوی مرد بیشتر از زن می باشد ، راه اول میسر نیست و تنها راه حفظ سرمایه برای زن ، به طریق دوم منحصر می شود . این قضاوت عقل و مقتضای فطرت است و اسلام هم به زن دستور می دهد حجاب داشته باشد ، بیشتر در خانه باشد ، از هر پیش آمد مشکوکی بترسد ، در برابر نامحرم خود را ناتوان و فروتن نشان ندهد چنانکه در مقام دفاع از حقوق خویش ، باید مقاوم و مبارز باشد . و همه اینها برای حفظ و صیانت سرمایه و شخصیت او بلکه برای حفظ سرمایه و شخصیت اجتماع است .

- ۱۰۴- و قال ﷺ خيار خصال النساء ، شرار خصال الرجال : الزهو ^(۱۱۱)
- ۱۰۵- كنا عند النبي ﷺ فقال : ان خير نسائك الولود الودود، العفيفه العزيزه في اهلها، الذليله مع بعلمها .
پیغمبر ﷺ فرمود: بهترین زنان شما زنی است که بسیار زاینده ، مهربان ، پاکدامن ، در میان خانواده اش گرانقدر و نسبت به شوهرش خاضع و فروتن باشد. ^(۱۱۲)
- ۱۰۷- كان رسول الله ﷺ اذا اراد الحرب دعا نساءه فاستشارهن ثم خالفهن .
زمانی که رسول خدا ﷺ اراده جنگی می نمود، همسرانش را جمع می کرد و با آنها مشورت می فرمود و سپس بر خلاف گفته و رای آنها عمل می کرد. ^(۱۱۰)
- ۱۰۹- قال النبي ﷺ : ناكح الكف ملعون .
پیغمبر ﷺ فرمود: کسی که با دستش استمناء کند ملعون است . ^(۱۱۲)
- ۱۱۱- يا علي كفر بالله العظيم من هذه الامه عشره ... و ناكح البهيمة .
پیغمبر ﷺ فرمود: ای علی ده طایفه از این امت به خدای بزرگ کافر گشتند: ... کسی که با چارپایی آمیزش کند. ^(۱۱۹) زنان مانند لواط مردان است ، هر دو زنی که این کار را کردند، بکشید آنها را، بکشید آنها را. ^(۱۲۱)

غریزه زن

از نظر اسلام ، بهترین زن مسلمان ، زنی است که غریزه جنسیتش در برابر شوهر، زنده و بیدار باشد و در برابر بیگانگان خفته و آرمیده ، شوهرش همواره او را آماده و خواهان بیند و دیگران او را متنفر و در حصار: حصاری غیر قابل نفوذ و دژی مستحکم تر از فولاد.

از نظر اسلام برای زن مستحب است که همواره دارای زینت باشد، و خود را آماده نشان دهد، برای شوهرش جاذبه داشته باشد، نه دافعه .

در درس یازدهم گفتیم : عطر زدن و روغن مالی (کرم) و موی و بدن شفاف و براق داشتن ، اگر برای مرد ماهی یک مرتبه خوبست ، برای زن هر روز مطلوبست تا مردم جهان بدانند، اسلام با زیبایی و زینت مخالفت ندارد، اسلام با فطرت و سرشت زن که زیبایی دوستی او است مخالف نیست . اسلام با واقعیت ها مبارزه نمی کند و خلاصه اسلام همان چیزی را گفته است که همگان می دانند و عمل می کنند و بر زبان نمی آورند.

زن اگر سعادت می خواهد، اگر لذت و صفای زندگی می خواهد، باید بداند که از پدر و مادر خود بریده و با شوهری دائمی تر از آنان ، وصل کرده است . بعد از این خود او باید مادر شود و مادر بزرگ اگر سعادت فرزندان و نوادگان و عروس و داماد برقرار کند و او را تنها غمخوار و دلسوز خود بداند.

همچنین شوهر که رئیس خانواده است ، باید فکر و هوش و حواسش ، اطراف همسر و خانه و فرزندانش باشد، از چشم چرانی و هوسبازی پرهیزد، عفت چشم و دامن داشته

باشد چنانکه قرآن کریم به هر دوی آنها عفت چشم و دامن را سفارش می کند موضوع زنان متعدد و رعایت عدالت ، در شرایط دیگری است که اگر فرصتی باشد در جلد دوم همین کتاب خواهیم گفت :

خلاصه اگر بگوییم ، فشرده و محصول این کتاب و تمام مآخذ اسلامی نسبت به طرز رفتار و شوون زندگی زن و شوهر، باید همین چند سطر باشد، مبالغه نکرده ام . دختر و پسر از زمانی که همسر یکدیگر می شوند تا پایان زندگی خود باید، فکری جز سازگاری بایکدیگر و تامین سعادت یکدیگر و جلب رضایت یکدیگر نداشته باشند، چشمشان نبیند مگر این هدف ، گوششان نشنود، مگر این سخن ، زبانشان نگوید مگر این بیان ، فکرشان ، حرکت نکند مگر در این راه ، اعضاء و جوارحشان نجنبند مگر در این مسیر، و از هر حرکتی که بر خلاف این جهت باشد، باید پرهیزند.

۱۱۴- جاءت امراءه الى رسول الله ﷺ فقالت : يا رسول الله - ما حق الزوج على المراءه ؟ فقال اكثر من ذلك . قالت فخيرني عن شى منه ، قال : ... عليها ان تتطيب باءطيب طيبها و تلبس اءحسن ثيابها و تزين باءحسن زينتها و تعرض نفسها عليه غدوه و عشيه

زنى خدمت پيغمبر ﷺ آمد و عرض كرد : اى رسول خدا ، حق شوهر بر زن چيست ؟ فرمود : زياد است . عرض كرد : اندكى را به من بگوئيد . فرمود : ... زن بايد خود را به بهترين بوهاى خوش معطر كند و بهترين لباسش را بپوشد و خود را به بهترين زينتى كه دارد بيارايد ، و هر صبح و شام خود را به شوهرش عرضه كند .

بر اثر غريزه جنسى كه خداوند متعال در وجود دو جنس مخالف به ودیعت نهاده است ، دختر و پسر ، پس از بلوغ يك نوع گرايش و تجاذبى ميان خود احساس مى كنند كه پسر دوستدار خواستگارى است و دختر خواهان قبول ، ولى قبولى شرافتمندانه و تواءم با مناعت و بزرگواری . دختر و پسر وقتى يكديگر را مى بينند ، اين تجاذب و كشمكش ، ناخود آگاه ميان آنها به كار مى افتد ، ولى تا زمانى كه زن و شوهر نشده اند ، موانع عقلى و شرعى و اخلاقى و اجتماعى را بر سر راه خود مى بينند لذا دماغ سوخته و دل تفتيده از يكديگر جدا مى شوند . سفره رنگين را با شكم گرسنه ترك مى گویند و در انتظار فرصت مى نشینند ، ولى زمانى كه عقد مزاجت بستند و زن و شوهر شدند ، تمام موانع بر طرف مى شود . زمان تخليه عقده ها فرا مى رسد و تجاذب و كشمكش به پيوند و اتصال مى انجامد . در اين زمان ،

پیغمبر عزیز اسلام - که جان همه ظریف پسندان و نغز خواهان جهان به قربانش باد - می خواهد به این تجاذب و اتصال روح و صفا بخشد، جلوه و رونق دهد، نور و درخشندگی عطا کند و آمیزش حلال آنها را از يك عمل خشك و بی روح ، خارج سازد، لذا این دستورات جالب و شیرین را به خانم محترم می دهد. و این همان چیزی است که هر مرد و زنی می خواهد و عمل می کند و بر زبان نمی آورد.

۱۱۵- سمعت جابر بن عبد الله يقول : كنا عند النبي ﷺ فقال ان خير نساءكم... المتبرجه مه زوجها الحصان على غيره التي تسمع قوله و تطيع اءمره و اذا خلابها بذلت له ما يريد منها و لم تبذل كتبذل الرجل... .

پیغمبر ﷺ فرمود: بهترین زنان شما، زنی است که... زینت و آرایش خود را برای شوهرش اظهار کند و از غیر شوهرش بپوشاند، سخن شوهرش را بشنود و امرش را اطاعت کند و چون شوهر با او خلوت کند. هر چه خواهد به او ببخشد، ولی خود را مانند مرد بی حشمت نکند. (۱۲۳)

۱۱۷- قال اميرالمومنين عليه السلام : الفتن ثلاثه : حب النساء و هو سيف الشيطان... فمن اءحب النساء لم ينتفع بعيشه . اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: موجبات فتنه سه چیز است : اول ، دوست داشتن زنان که آن شمشیر شیطان است (و با آن به جنگ مومن می رود، اگر سست ایمان باشد، در برابر زن پایش می لغزد و به حرام می افتد)... هر کس زنان را دوست بدارد، از زندگیش بهره نبرد (زیرا در اثر افراط در شهوترانی چشمش کم نور، کمرش خمیده ، اعصابش لرزان و عمرش کوتاه می گردد. (۱۲۰)

۱۱۹- قال رسول الله ﷺ : ما اصاب من دنيا
كم الا النساء والطيب .
رسول خدا ﷺ فرمود: از دنیای شما
بهره نمی برم دوست نمی دارم مگر زنان و
بوی خوش را. (۱۲۲)

۱۲۱- عن ابي عبدالله عليه السلام قال : من اخلاق
الانبياء حب النساء .
امام صادق عليه السلام فرمود: از اخلاق
پیغمبران ، دوست داشتن زنان است . (۱۲۹)

درك مشكلات همسر

هر يك از زن و شوهر حوزه فعالی مخصوصی دارد و مسیر معینی را می پیماید. در حوزه هر يك از آنها مشكلات و سختیها و موانع خاصی وجود دارد که در حوزه فعالیت دیگری نیست ، از این رو درك مشكلات هر يك برای دیگری ، بسیار مشکل و درك کاملش محال است ، زیرا محال است که مرد تغییر جنسیت دهد و زن شود یا زن تغییر جنسیت دهد و مرد گردد. ولی چون این دو موجود ، به حکم اجبار غریزی و نیاز اجتماعی و اقتصادی ، کنار هم قرار گرفته و زندگی مشترکی تشکیل داده و زیر يك سقف نشسته و روی يك بالش سر می گذارند، مشكلات هر يك از آنها با دیگری ارتباط پیدا می کند و باید آن دیگری در مشكلات همسرش فکر کند و بیندیشد و عجلانه قضاوت نکند.

: Қўқғ

۱- زن و شوهری می خواهند با یکدیگر از خانه بیرون روند، دو کودک دارند که زن باید آنها را آماده کند یا به کسی بسپارد، در اینجا کار مرد فقط لباس پوشیدن و جوراب پاکردن و کلاه یا عمامه به سر گذاشتن است ولی زن اولاً لباس پوشیدن خودش با توجه به مراعات حجابی که خدا بر او لازم کرده است، وقت بیشتری لازم دارد و ثانیاً آماده کردن کودکان چند برابر بزرگترها وقت لازم دارد، در اینجا شوهر نباید به همسرش بگوید، چرا اینقدر معطل می کنی و عصبانی شود، او باید مشکل همسر خود را درک نماید و احیاناً به او کمک کند.

۲- مردی در بازار با مردم دعوا کرده و سپس برای خرید نان و گوشت به صف ایستاده و در هوای گرم راه رفته و خسته و کوفته به خانه آمده است. خانم می گوید: زرد چوبه نداریم. مرد می گوید: حال ندارم، خسته ام، یکبار غذای بی زرد چوبه می خوریم، بانوی عاقل باید فکر کند: شوهرم که همیشه سر حال و بانشاط بود و امروز اظهار کسالت و خستگی می کند، لابد ناراحتی دارد، نباید اصرار کنم، یا خودش بخرد یا از همسایه بگیرد و یا صرف نظر کند.

۳- بانویی به واسطه ضعف اعصاب یا گریه کودک، شب را تا صبح نخوابیده و گیج و بی حال است، شوهر عاقل نباید، صبح زود بیدار شدن و صبحانه درست کردن را از او انتظار داشته باشد، باید به او اجازه دهد، قدری استراحت کند، بلکه اگر وقت دارد، خودش صبحانه مقوی و لذیذی برای همسرش آماده کند.

۴- زن مطالبه پول یا خرید جنسی می کند و شوهر می گوید پول ندارم ، زن نباید بگوید من پول لازم دارم « ندارم » را نمی فهمم و اصرار و پافشاری کند تا درگیری و نزاعی برپا شود، باید مشکل شوهر را درک کند و چند روز صبر نماید.

نظیر این مثالها که گفتیم در زندگی زن و شوهر زیاد پیدا می شود که زنان و شوهران عاقل ، خودشان تشخیص می دهند و می فهمند و محتاج به توضیح نیست ، اینجانب فقط توصیه می کنم خوانندگان محترم ، در این موضوع دقت بیشتری بفرمایند و به راستی به فکر درک مشکل همسر خود باشند

دلیل

۱۲۳- عن علی عليه السلام فی حدیث الاءربعماء ه ، قال : اذا اءراد اءحکم اءن یاءتی زوجته فلا یعجلها فان للنساء حوائج .

علی عليه السلام فرمود: هر گاه یکی از شما بخواهد با زنش نزدیکی کند، نباید او را به شتاب اندازد، زیرا زنان هم کارها و نیازهایی مخصوص به خود دارند. ^(۱۲۳)

۱۲۵- قال ابوالحسن الرضا عليه السلام ینبغی للرجل اءن یوسع علی عیاله لئلا یتمنوا موته .

امام رضا عليه السلام فرمود: مرد را سزاوار است که بر عیالش توسعه دهد تا آرزوی مرگ او را نکنند. ^(۱۲۳)

تشکر

زن و شوهر باید گاهی از یکدیگر به زبان تشکر کنند و محبت و عاطفه قلبی خود را اظهار نمایند، برای گرم نگهداشتن تنور عشق و صفا، انجام وظیفه و محبت قلبی به تنهایی کافی نیست. اظهار محبت و تشکر مخصوصا نسبت به زن که عواطف ظریفتر و احساسات رقیقتری دارد تاثیر روانی عمیقی در روح شنونده باقی می گذارد. رسول خدا ﷺ می فرماید: « مردی که به زنش بگوید: من تو را دوست دارم ، تاثیر این سخن برای همیشه در روح او باقی می ماند» یعنی زن از شنیدن این جمله به وجد و شعف می آید، پر و بال پیدا می کند، سر شوق می آید، وظیفه اش را با دلگرمی انجام می دهد و مشکلات زندگی را با چهره باز تحمل می کند، همچنین وقتی که شوهرش به او بگوید: دست شما درد نکند. غذای لذیذی پخته اید، آفرین بر شما، امروز مهمانداری خوبی کردید.

شوهرانی هستند که زنان خود را دوست می دارند و از خانه داری آنها راضی می باشند، ولی هیچگاه دوستی خود را اظهار نمی کنند و تشکری بر زبان نمی آورند. اینها یا فکر می کنند: تشکر و اظهار محبت ، شخصیت آنها را پایین می آورد یا زن خودش را لوس می کند، ولی باید بدانند که این فکر بر خلاف دستور اسلام است ، اگر علت عدم تشکر اولی باشد، مرد در اشتباه است و اگر دومی درست باشد، زن در اشتباه است و در هر حال شوهر باید وظیفه خود را انجام دهد.

بعضی دیگر از شوهران فکر می کنند که با پول دادن زیاد و کفش و جوراب خریدن

بسیار، می توانند همسر خود را راضی نگه دارند، لذا از تشکر و اظهار محبت زبانی به هر علتی که هست کوتاهی می ورزند. اینگونه شوهران هم در اشتباهند و نمی دانند که گاهی گفتن يك کلمه « متشکرم » بیشتر از یکدست لباس خریدن در روح زن تاثیر می گذارد، و غریزه حب جاه و خود دوستی او را اشباع می کند، غریزه ای که اگر گرسنه بماند و تامین نشود عکس العمل نشان می دهد.

همچنین زن باید گاهی از شوهرش تشکر کند، زحمات فراوان و عرق ریزیهای او را به زبان آورد و قدرشناسی نماید. گفتن این کلمات در روح شنونده اثر نیک می گذارد. غفلت نباید کرد، کوچک نباید شمرد، تشکر و قدردانی و همچنین سلام و بدرقه و خداحافظی و نظافت را که در درس های گذشته گفتیم ، ربطی به دارایی و نداری ، زندگی مرفه و غیر مرفه ندارد، بلکه انجام دادن آداب دینی برکت می آورد، رفاه و سعادت می آورد، قبول ندارید، امتحان کنید.

و باز در اینجا باید اضافه کنم که اگر یکی از زوجین ، از دیگری تشکر کرد، آن دیگری نباید خود را گم کند و کم ظرفیتی نشان دهد و بادی به غبغب اندازد و سخنی بر خلاف بزرگواری خود بگوید، یا فکر کند که تشکر همسر، نشانه ضعف و ناتوانی اوست

اصولا در میان همین تشکرها و جواب تشکرها، احوالپرسیها، تعارفها» دعوت گرفتن ها و پاسخ دادن ها، مقدار ادب و بی ادبی دو طرف معلوم می شود. مقدار بزرگواری و پستی آنها معلوم می شود. مقدار صبر و بی صبری آنها معلوم می شود و بالاخره مقدار انسانیت و تعهد آنها به اسلام معلوم می شود.

فرض کنیم شوهر مهمانی آورده و زن پذیرایی خوبی کرده است. اگر این زن و شوهر مسلمان و متعهد باشند، مثلاً این گونه تشکر و پاسخ گویی دارند:

شوهر: از شما تشکر می کنم که پذیرایی خوبی کردید، دست شما درد نکند.

زن: وظیفه خودم را انجام دادم.

شوهر: این پذیرایی خارج از وظیفه بود، به حساب لطف و عنایت شما می گذارم.

زن: شما لطف کردید که مهمانی را که هدیه خداست به خانه ما آوردید.

شوهر: هدیه خدا برای هر دو نفر ما بود. ولی پخت و پز شما، محبت اضافه ئی بود که قابل تقدیر است.

زن: زن هم از کارهای عادی یکنواخت خانه سیر می شود، گاهی تفننی می خواهد. تلاش و تقلای بیشتری می طلبد.

شوهر: ولی غذای بسیار لذیذی پخته بودید، این دیگر نشانه محبت و سلیقه و عاطفه شما بود.

زن: شما لوازم و مواد خام خوبی تهیه کرده بودید.

شوهر: زن اگر سلیقه نداشته باشد و به فکر یاد گرفتن از دیگران نباشد. مواد خوب را هم خراب می کند.

زن: دیده خوش بین دارید، بالاخره شما گاهی مهمان بیاورید.

شوهر: می ترسم شما را به زحمت اندازم.

زن: مگر شما در بیرون خانه زحمت نمی کشید؟ شما خود فهمیده و دانائید، توانائی و مقدار کار مرا حساب می کنید.

۱۲۸- عن ابي عبدالله عليه السلام قال: مکتوب فی التواراه: اشکر من انعم علیک و انعم علی من شکرک، فانه لا زوال للنعماء اذا شکرک و لا بقاء لها اذا کفرت.

امام صادق علیه السلام فرمود: در تورات نوشته است که : سپاسگزاری کن از کسی که به تو احسان نمود و احساس کن به کسی که از تو سپاسگزاری نمود، زیرا احسان ، اگر سپاسش گزاری ، پایدار شود. و اگر ناسپاسش کنی دوام نیابد. (۱۳۷)

۱۳۰- قال الصادق علیه السلام : لعن الله قاطعی سبل المعروف . قيل و ما قاطعو سبل المعروف ؟ قال : الرجل یصنع الیه المعروف فیکفره فیمتنع صاحبه من ان یصنع ذلك الی غیره .

امام صادق علیه السلام فرمود: خدا لعنت کند راهزنان نیکی را. گفتند راهزنان نیکی چه کسانی هستند؟ فرمود: کسی که شخصی به او احسانی می کند و او سپاسگزاری نمی نماید، در نتیجه احساس کننده از احسان به دیگران امتناع می ورزد.

۱۳۱- قال الصادق علیه السلام : اذا اءحبت رجلا فاخبره بذلك فانه اءثبت للموده بینکما .
امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه کسی را دوست داشتی ، دوستی خود را به او اعلام کن ، زیرا این عمل الفت و مودت را بین شما دو تن پایدارتر و مستحکم تر می کند. (۱۴۰)

گوش دادن به سخن

دیانت مقدس اسلام که منشاءش وحی آسمانی و قانونگزارش خداوند سبحانی است، تمام احتیاجات فردی و اجتماعی انسان را به بهترین صورت بیان کرده و به اصطلاح ما «از سیر تا پیازش را بر شمرده» و برای راهنمایی ما فرستاده است، اسلام دستور می دهد: اگر کسی به سخن گفتن مشغول است، شما به سخن او گوش دهید. صبر کنید تا حرفش تمام شود، آنگاه در مقام پاسخ برآیید. کسی که در میان سخن دیگری وارد شود و سخن او را نیمه تمام گذارد، به فرمایش رسول خدا چنان است که خراشی به چهره او وارد کرده باشد چه زیباست این کلام مانند تمام کلمات و فرمایشات پیغمبر و ائمه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین زیرا سخن نمایانگر شخصیت انسان است، و هر کسی با سخن گفتنش، ماهیت وجودی و شخصیت واقعی خود را اظهار می کند، بنابراین سخن چهره و رخسار گوینده است که ماهیت او را می نمایاند. پس کسی که در میان سخن دیگری وارد شود و نگذارد سخن او تمام شود، چهره شخصیت او را خراش داده و لکه دار کرده است هر کسی باید فکر کند: چنانکه خود او نمی خواهد دیگران در میان سخن او وارد شوند و سخن او را ناتمام گذارند، او هم نباید نسبت به دیگران چنین کند. این دستور برای همه مسلمین هست زن و شوهر هم از آن مستثنی نیستند. هنگامی که مرد سخن می گوید، خانم عاقل و با شخصیت صبر می کند تا سخن شوهرش تمام شود. به سخن او گوش می دهد. فکر می کند، سپس جوابی مناسب عرضه می دارد. اگر سخن شوهرش درست بود و انتقادی بر کار خانم بود، می پذیرد و اگر شوهرش اشتباه کرده

بود، با زبان نرم و ملایم همسر خود را از
اشتباه بیرون می آورد، همچنین هنگامی که
زن سخن می گوید، مرد باید گوش دهد تا
سخن خانم تمام شود، آنگاه پاسخ گوید.

۱۳۳- قال رسول الله ﷺ من عرض لآخيه المسلم في حديثه فكاء نما خدش وجهه .
رسول خدا ﷺ فرمود: کسی که در میان سخن برادر مسلمانش وارد شود، چنان است که چهره او را خراشیده باشد. (۱۴۲)

۱۳۵- هن لباس لكم وانتم لباس هن .

زنان لباس شما هستند و شما لباس زنان هستید. (۱۴۴)

... انظر اين تضع نفسك و من تشرکه فی مالك و تطلعه علی دينك و سرك .
امام صادق عليه السلام به مردی که می خواست ازدواج کند، فرمود: بنگر که شخصیت خود را در چه موضعی می نهی و چه کسی را شريك اموات می کنی ، و از دین خود و راز خود آگاهش می سازی (یعنی مواظب باش زنی انتخاب کنی که راز نگهدار و عیب پوش باشد). (۱۴۶)

۱۳۸- و قال عليه السلام : لا دين لخداع .
و نیز فرمود: خدعه کار، دین ندارد. (۱۴۸)
(شخص حکیم ، هدف و مقصود خود را با درایت و برهان و استدلال تامین می کند نه با خدعه و مکر).

ترشروی

اسلام به شوهر دستور می دهد که هیچگاه با زن خویش ، با ترشروئی و اخم برخورد نکند، یعنی باید همواره گشاده رو، خوش چهره و خندان لب ، باشد. او اگر از مردم کوچه و بازار و فامیل و همسایه ناراحت شده است ، نباید تلافی آنرا بر سر همسرش در آورد، همسرش که گناهی نکرده است . درست است شخصی که ناراحتی درونی دارد، قهرا اخم می کند و چهره در هم می کشد، ولی این عمل ، کار مردم خام و غیر مهذب است . مرد عاقل فکر می کند که : « مرا شخصی در بازار ناراحت کرده است ، چرا باید این ناراحتی را به خانه منتقل کنم ، زن و فرزندم که گناهی نکرده اند که بافسرده نشان دادن خود، ایشان را ناراحت کنم .»

گنه کرد در بلخ آهنگری به شوستر زدند گردن مسگری !!

با این عمل نه دردی را چاره کرده ام و نه دشمنی را سرکوب نموده ام ، بلکه به تشدید ناراحتی و درد خود افزوده ام و بی گناهی را هم دردمند و رنجور کرده ام . دستور اسلام این است که شخص مسلمان ، غم خود را در دل نگاه دارد و چهره بازش را به برادران و خواهرانش ، تحویل دهد. اگر دستور اسلام ، درباره برخورد مسلمین عادی و بیگانه چنین باشد، نسبت به زن و شوهری که در يك خانه زندگی می کنند و بر يك بالش سر می گذارند چه خواهد بود؟ قطعاً در آنجا تاکید بیشتری است که هیچگاه ترشروئی و تندی و جبهه گیری نباشد. قطعاً آیه شریفه ای که می فرماید: « اهل ایمان بر کافران سخت گیرند و در میان خود مهربانند» بالاترین مصداقش

مهربانی زن و شوهر با یکدیگر است . خوشا به حال شوهری که در مدت چهل سال زندگی با همسرش ، یکبار هم ترشرویی و تندی نکرده و خون شریف خود و همسرش را بیهوده کثیف ننموده است .
خوشا به حال زن و شوهری که شوهرش نقل می کرد:

روزی به خانه رفتم و دیدم همسرم عصبانی است و بدون جهت به من تندی می کند، تعجب کردم . بعد از مدتی ، چهره اش باز شد و با ملایمت گفت : فلانی تو می دانی که من تو را دوست دارم ، به زندگیم علاقه دارم . امروز در هوای سرد، لباس شسته بودم و چند بار روی زمین افتاده بود و بچه ها هم مرا اذیت کرده بودند، که عصبانی بودم و با شما تندی کردم ، بعد از این بدان که عصبانیت و تندی من همیشه همین طور است جدی نیست ، از شما ناراحت نیستم هرگز خیال نکنی شما را نمی خواهم .

شوهر گفت من هم به او گفتم : پس بدان که من هم گاهی اوقاتم تلخ می شود و به شما تندی می کنم ، در صورتی که شما را دوست دارم . به فرزند و خانه ام علاقه دارم ، ولی مردم کوچه و بازار مرا ناراحت می کنند. با حالت عصبانیت و اوقات تلخی وارد خانه می شوم . ممکن است تا وقتی که خودم را کنترل کنم ساعتی طول بکشد و در آن یکساعت از من تندی و ترشروئی ببینی . بدان که تندی و ترشروئی من متوجه شما نیست . تندی مرا جدی نگیر و سخن امروز مرا بیادم بیاور. از آن زمان تا کنون بیش از ۱۵ سال است که میان ما نزاعی پیش نیامده است .

نویسنده گوید: خوبست این چنین همسران ؛ بلکه هر زن و شوهر مسلمانی ، روی یک تابلو با خط درشت بنویسند « جدی نیست »

و هر دو امضا کنند و هر وقت یکی از آنها
عصبانی شد، دیگری دستش را بگیرد و آن
تابلو و امضا را به او نشان دهد.

۱۴۰- قال النبی ﷺ: حق المراءه علی زوجها ان یسد جوعتها یستر عورتها و لا یقبح لها وجهها.

پیغمبر ﷺ فرمود: حق زن بر شوهرش این است که او را گرسنه نگذارد و بدنش را بپوشاند و هیچگاه با او ترشروی نکند (۱۵۰).

۱۴۲- محمد رسول الله والذین معه اءشداء علی الکفار، رحماء بینهم

محمد رسول خداست و مردمی که همراه او هستند، سخت گیرنده بر کافران و در میان خود رحیم و مهربانند. (۱۵۲)

۱۴۴- قال رسول الله ﷺ: اءربع یمتن القلب: الذنب علی الذنب و کثره مناقشه النساء...

رسول خدا ﷺ فرمود: چهار چیز است که دل را می میراند: گناه روی گناه و زیاد سربه سر گذاشتن با زنان... (۱۵۴)

۱۴۶- قال رسول الله ﷺ: النساء عی و عوره فاستروا العورات بالبیوت و استروا العی بالسکوت.

رسول خدا ﷺ فرمود: زنان عورتند و بیهوده گفتار، چون عورتند در خانه ها پنهانشان کنید و گفتار بیهوده آنان را با سکوت خود چاره کنید.

شما مردان که همه اسرار جهان را نمی دانید، شما که از آینده خبر ندارید، شما مقداری از ظاهر جسم و صفات و اخلاق زن را می بینید، شما خبر ندارید؛ شاید خدا در وجود همان زن که اکنون مورد رضایت شما نیست، خیرات و برکاتی به ودیعت گذاشته باشد که در آینده بر شما معلوم گردد، بنابراین نسنجیده قضاوت نکنید، و تنها نزد قاضی نروید، هر چیز و هر کسی را که

به نظر شما بد آمد، بد مگویید، بدانید که خدا بهتر از شما می داند، قدری صبر کنید، که صبر کلید پیروزی است . (با توضیح نویسنده)

مردانی که به فرموده خدای خود اعتماد دارند، گوش می کنند و شکیبایی می ورزند و کسانی که در این وعده خدا، شك و تردیدی دارند، خوبست سرگذشت زنان و شوهرانی را که در ابتدای زندگی ناسازگار بوده ، سپس به تدریج در اثر صبر و حوصله سازگار شده و زندگی سعادت‌مندی پیدا کرده اند، مطالعه کنند. بعضی از شوهران ، زنان خود را تا کنار محضر طلاق برده اند، سپس به خاطر پیش آمد و حادثه ای کوچک ، یا فکری که به نظر آنها رسیده است ، برگشته اند و دوباره به زندگی کردن با یکدیگر پرداخته اند. اکنون سی سال و بیشتر، از زندگی آنها گذشته ، عروس و داماد پیدا کرده اند و با صفا و محبت زندگی می کنند و از کردار گذشته خود پشیمانند. دیگران باید از سر گذشت آنها عبرت گیرند، سخن خالق مهربان خود را بشنوند، بدون جهت خون خود را کثیف نکنند و زندگی شیرین و گوارا را تلخ و ناگوار نسازند (در بحث طلاق توضیح بیشتری خواهیم داد.)

نویسنده در این مقام نمی خواهد زنان را بر شوهر آزاری تشویق کند، بلکه می خواهد به شوهران بگوید: اگر خداوند متعال به خاطر مصالحی طلاق را در دست شما گذاشته است ، این چنین سفارشها و رهنمودها هم به شما داده است و به زنان می خواهم بگویم : قدر خدای خویش بشناسند و از این لطف و مرحمت ، سوء استفاده نکنند. به خانه و زندگی و شوهر خویش ، علاقه نشان دهند و سفارشهای دیگر خدای

متعال را هم که گفتیم و می‌گوییم در گوش
گیرند.

۱۴۷- و عاشروهن بالمعروف ، فان کرهتموهن فعسی ان تکرهوا شیئا و یجعل

الله فیہ خیرا کثیرا .

با زنان به خوبی و خوشی زندگی کنید، اگر از آنان ناراضی بودید (بدانید که) بسا می شود که از چیزی کراهت دارید، ولی خدا در وجود همان چیز خیر بسیاری نهاده است . (۱۰۷)

۱۴۹- و قال صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اءیما امراءه آذت زوجها بلسانها لم یقبل الله منه صرفا و لا عدلا و لا حسنه من عمها حتی ترضیه و ان صامت نهارها و قامت لیلها...

پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هر زنی که شوهرش را با زبانش بیازارد، خداوند هیچ توبه و کفاره ئی را از او نمی پذیرد و هیچ کار نیکش را قبول نمی کند تا وقتی که شوهرش را راضی کند... (۱۰۹)

۱۵۱- عن الصادق عَلَيْهِ السَّلَام قال : ساءلت اءم سلمه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عن فضل النساء فی خدمه اءزواجهن ، فقال : اءیما امراءه رفعت من بیت زوجها شیئا من موضع ترید به صلاحا الا نظر الله الیها و من نظر الله الیه لم یعذبه . امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: ام سلمه از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره ثواب خدمت کردن زن به شوهرش سوال کرد، حضرت فرمود: هر زنی که در خانه شوهرش ، چیزی را از جایی بردارد و به جای دیگر گذارد و قصدش اصلاح و درستکاری باشد. خداوند به او نظر نماید، و هر کس مورد نظر خدا قرار گیرد، خدا عذابش نمی کند. (۱۱۱)

۱۵۳- قال الباقر عَلَيْهِ السَّلَام : ... تهادوا فان الهدیه تسل السخائم و تجلی ضغائن العدو و الاحقاد .

امام باقر علیه السلام فرمود: برای یکدیگر هدیه برید، که هدیه بردن ، کینه ها را از دلها بیرون برد و انتقام و دشمنی و کینه توزیها را بر طرف سازد. ^(۱۶۳) آری در امر توالد و تناسل انسان ، در گلستان پهناور جهان ، کشاورز حقیقی خداوند سبحان است . زن کشتزار و بذر افشان و هر دو مزدور و کارگر آفریدگار رحمان .

دانشمندان اسلامی از آیه شریفه استفاده می کنند که نزدیکی از راه عقب یا حرام است یا کراهت دارد،، زیرا آنجا کشتزار نیست ، یعنی تولید نسل نمی شود، ولی نزدیکی از راه جلو به هر گونه و شکلی که خود زن و شوهر بخواهند مجاز است و مانعی ندارد.

۱۵۵- و یساءلونک عن المحیض قل هو اءذی فاعزلوا النساء فی المحیض ولا

تقربوهن حتی یطهرن فاذا تطهرن فاءتوهن من حیث اءمرکم الله .

تو را از حیض می پرسند، بگو آن رنج و آزاری است ، پس در حال حیض از زنان دوری کنید و با ایشان نزدیکی ننمایید تا پاک شوند و چون پاکیزه شدند، از آنجا که خدا فرمانتان داده درآیید. ^(۱۶۰)

۱۵۷- ساءلنا اءبوعبدالله علیه السلام اءی شیء اءلذ؟ فقلنا: غیر شیء فقال هو: اءلذ الاءشیاء مباضعه النساء .

امام صادق علیه السلام را اصحابش پرسید: لذیذترین کارها چیست ؟ هر کسی چیزی گفت : سپس خودش فرمود: لذیذترین کارها همبستر شدن با زنان است . ^(۱۶۲)

۱۵۹- راءى رسول الله امراءه فاءعجبته فدخل الی ام سلمه و كان یومها فاءصاب منها و خرج الی الناس و راءسه یقطر، فقال اءیها الناس ، انما انظر من الشیطان فمن وجد من ذلك شیئا فلیاءت اءهله .

امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زنی را دید که حضرتش را به اعجاب آورد. پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فوراً نزد ام سلمه رفت که نوبت او بود و با او نزدیکی نمود، سپس نزد مردم آمد، در حالی که قطرات آب غسل از سرش می چکید و فرمود: ای مردم، نگاه کردن کار شیطانی است، هر کس از شیطان در وجود خود اثری بیابد، باید با همسر خود همبستر شود. (۱۶۹)

۱۶۱- عن ام سلمه قالت : لما زوج رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم علیا فاطمه و اءطعم للزفاف دعاهما فاءخذ علیا بيمينه و فاطمه بشماله و جمعهما الی صدره فقبل بین اءعینهما... و جلس عند رؤؤسنا و اءدخل رجلیه فیما بیننا... (۱۷۱)

۱۶۲- عن اءبي عبدالله علیه السلام قال : من جمع من النساء ما لا ینکح فزنا منهن شیء فالاثم علیه .

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که زنان متعددی بگیرد و نتواند با همه آنها همبستر شود، اگر یکی از آنها زنا کند، گناهش به گردن مرد است. (۱۷۳)

3εHYFOQz qŭ öOε vA y ũhŭ 3̄ qŭŭε vA)

(□!)

۱۶۴- و قال عليه السلام ثلاثه من الجفاء: ... و
مواقعه الرجل اهله قبل الملاعبه .
پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: سه چیز از خشکی و
خشونت محسوب می شود... سوم آنکه مردی با
زنش نزدیکی کند و قبلا با او بازی نکند و
به او ور نرود. (۱۷۰)

۱۶۶- عن ابي عبدالله عليه السلام قال : اءتت
امراءه الى رسول الله صلی الله علیه و آله فقالت : ما حق
الزوج على المراءه ؟ قال ان تجيبه الى
حاجته و ان كانت على قتب .

امام صادق عليه السلام فرمود: زنی نزد رسول
خدا صلی الله علیه و آله آمد و سوال کرد: حق شوهر بر زن
چیست فرمود: زن باید نیاز (غریزی) شوهرش
را برآورد، هر چند آن زن بر مرکبی سوار
باشد. (۱۷۷)

۱۶۸- ساءلت ابا عبدالله عليه السلام عن الرجل
يكون معه اهله في سفر لا يجد الماء ياءتي
اهله ... ان اباذر ساءله عن هذا، فقال
ايت اهلك توجر...

راوی گوید: از امام صادق عليه السلام درباره
مردی پرسیدم که با همسرش به سفر رفته
است و اگر نزدیکی کند آب برای غسل کردن
ندارد فرمود: اگر غریزه بر او فشار
آورد، حلال است (که نزدیکی کند و سپس
برای نماز تیمم نماید) سپس به حضرت عرض
کردم : از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که
آن حضرت به ابوذر فرموده است : با همسرت
نزدیک کن تا خدا به تو پاداش دهد. ابوذر
تعجب کرده و گفته است : با زخم نزدیکی
کنم و خدا به من پاداش دهد؟! پیغمبر
صلی الله علیه و آله فرموده است : آری ، همچنانکه اگر
زنا کنی خدا عذابت می کند (چون با همسر
حلالیت نزدیکی کنی پاداشت می دهد) سپس

امام صادق علیه السلام فرمود: هم چنین اگر غریزه به او فشار آورد و او از ترس گرفتار شدن به حرام با همسر حلال خود نزدیکی کند، خدا پاداشش می دهد. (۱۷۹)

۱۷۰- فی وصیه النبی لعلی علیهما و آلهما السلام یا علی لا تجامع امرأتک فی اءول الشهر و وسطه و آخره ... و فیہ النهی عن الجماع بعد الظهر و عن التکلم عند الجماع .

در وصیتی که پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم به دامادش علی علیه السلام نموده ، می فرماید: در اول ماه و وسط ماه و آخر ماه با زنت نزدیکی مکن ، و هنگام نزدیکی سخن مگو و به فرج زن نگاه مکن و به فکر شهوت زنی دیگر یا خواهر زنت مباش و تو و همسرت خود را با یک دستمال پاک نکنید، در شب عید فطر و قربان نزدیکی مکن و همچنین زیر درخت میوه دار و در برابر خورشید بدون پرده نزدیکی مکن و نیز بین اذان و اقامه امام و در شب نیمه شعبان و پشت بام و شبی که می خواهی فردا به سفر روی ، نزدیکی مکن (۱۸۱) .

۱۷۲- و قال علیه السلام من اراد البقاء و لابقاء فلیقل غشیان النساء .
و فرمود کسی که عمر بیشتری می خواهد باید با زنان کمتر آمیزش کند. (۱۸۳)

بارداری

وقتی زن حامله می شود، شوهر باید او را احترام بیشتری کند، علاوه بر احترامی که در درس هفدهم گفته شد؛ زیرا خداوند متعال او را احترام کرده است. خداوند متعال برای زن حامله ثواب «مجاهد فی سبیل الله» معین کرده و وعده آمرزش گناهان به او داده است.

هنگامی که زن باردار می شود، رسالت الهی خویش را پذیرا گشته و امانت سنگین خدا بر دوش او گذاشته می شود آماده بیدار خوابیها، تر و خشک کردن ها و ناله شنیدن ها می گردد.

زن باردار گوهر نفیسی را در کانون سینه دارد که اشرف کائنات و برترین موجودات است و در ثمینی را در صندوقچه رحم می پروراند که خدایش تاج کرامت بر سر نهاده و به واسطه خلقت او به خود تبریک گفته و خویشستن را «احسن الخالقین» نامیده است.

اگر علم و صنعت و تمدن و مهر و صفای جهان، از برکت وجود انسان است، زن باردار، يك فرد از این انسانها را در گنجینه سینه خود جایگزین کرده و آماده تحویل نموده است.

زن باردار آماده می شود تا خانه خاموش و ساکت را به صدا و نوا درآورد. مهرها و عاطفه های خفته را بیدار کند، لبان بسته و چهره های درهم کشیده را باز و خندان کند و کلبه افسرده و پژمرده را به جنب و جوش و تلاش و خروش در آورد. و زندگی سوت و کور و بی فروغ و بی نور را رونق و جلا بخشد.

در خانه ای که جنگ و جدل برپاست
 و جـدل برپاست و جـدل برپاست
 هر جا که طفل هست
 بهشت آنجاست
 آن فرقه ای که بی
 آن فرقه ای که بی
 زن و فرزندند
 خرسندندند؟
 (نوای اصفهانی)

زن باردار می خواهد نتیجه عقد و عروسی
 و جهیزیه و دعوتها و مهمانی ها را آماده
 کند. ثمره زحمات و بیدار خوابیها و عرق
 ریزیهای مرد را تحویلش دهد و بهره همه
 کسبها و صنعتها و تلاشهای او را کف دستش
 گذارد، تا با يك بوسه که از گونه و گردن
 نور چشمش می گیرد، تمام خستگی هایش
 مرتفع گردد.

و خلاصه زن باردار آماده می شود که
 کودکی به دنیا آورد، تا شاعر و عارف
 شود، پهلوان و سلحشور باشد، عالم و
 دانشمند گردد، نویسنده و متفکر شود،
 کارگر یا صنعتگر شود، یا از همه بهتر
 کانونی برای زاییدن و به دنیا آوردن همه
 اینها باشد، محبوب پیغمبر خدا باشد.
 کودکی خوش زبان و شیرین حرکات، به نان
 « دختر» باشد و خلاصه رسول خدا و رهبر
 اسلام ﷺ انتظار دارد که دختران امتش
 مرواریدهایی در صدف باشند و پسرانشان
 مردانگی واقعی را هدف.

پس اگر مردی را که به زن باردار خود
 تندی و ترشرویی کند، بی عاطفه و بی
 احساس بنامم، مبالغه نیست. اگر بگویم
 او انسانیت و شعور ندارد، مبالغه نیست،
 اگر بگویم بویی از معارف اسلام نبرده و
 نسیم ایمان به مشامش نرسیده است مبالغه
 نیست. اکنون ببینیم خدای رحمان و خالق
 مهربان، به زن باردار به چه دیده ئی می
 نگرد و چگونه پاداشی به او می دهد؟

۱۷۴- قال رسول الله ﷺ يا ام سلمه ! ان المراه اذا حملت كان لها من الاجر كمن جاهد بنفسه و ماله في سبيل الله عزوجل ، فاذا وضعت ، قيل لها: قد غفرلك ذنبك فاستاءنفي العمل ، فاذا اءرضعت فلها بكل رضعه تحرير رقبه من ولد اسماعيل .

رسول خدا ﷺ به زوجه اش ام سلمه فرمود: زمانی که زن باردار شود، اجر و پاداش کسی را دارد که با جان و مالش در راه خدا جهاد می کند، و زمانی که فرزندش را بزاید، به او گفته می شود، خدا گناه تو را آمرزید (گذشته ها گذشت) کار و عمل از سر بگیر و زمانی که کودکش را شیر می دهد، خداوند متعال ، برای هر شیر دانی ، ثواب آزاد کردن بنده ای از فرزندان اسماعیل پیغمبر را به او می دهد. (۱۸۰)

قبل از ازدواج موضوع را با نامزدش در میان گذارد تا ازدواج آنها با توافق کامل باشد و بعدا اختلاف پیش نیاید، در آن صورت اگر با نداشتن فرزند هم توافق کردند، ازدواجشان باطل نیست ، و باز چنانچه ضمن دلیل خواهیم گفت ، جلوگیری مرد از باردار شدن شش صنف از زنان جایز بلکه راجح است .

به نظر فقهاء دیگر که شوهر را صاحب اختیار در اصل ایجاد و تعداد فرزند می دانند، (زیرا هم تکفل مخارج فرزند به عهده او می باشد و هم هدف از ازدواج تکثیر نسل است) جلب رضایت زن لازم نیست . اکنون به ذکر و بیان مدارك شرعی می پردازیم .

۱۷۵- قال علی علیه السلام : لا تجعلن اءكثر شغلك بءهلك و ولدك ، فان يكن اءهلك و ولدك اءولياء الله ، فان الله لا يضيع اءولياءه ، و ان يكونوا اءعداء الله فما همك و شغلك بءعداء الله .

اميرالمؤمنين علیه السلام فرمود: بیشتر اشتغالت را به خانواده و فرزندان مصرف مدار، که اگر آنها دوستان خدا باشند، خداوند دوستان خود را تباه نسازد و اگر دشمن خدا باشند، چرا باید همت تو مصرف دشمن خدا شود. ^(۱۸۷)

۱۷۷- وروی اءن من مات بلا خلف فکان لم یکن فی الناس و من مات و له خلف فکاءنه لم یمت .

روایت شده است که شخصی که بدون فرزند بمیرد چنان است که در میان مردم نبوده و کسی که بمیرد و جانشینی داشته باشد چنان است که هرگز نمرده است. ^(۱۸۹) ۱۷۹- قال النبی صلی الله علیه و آله : التمسوا الرزق بالنکاح .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: به وسیله ازدواج از خدا روزی بخواهید. ^(۱۹۱)

۱۸۱- و ساءل محمد بن مسلم اءبا جعفر علیه السلام عن العزل قال الماء للرجل ، یصرفه حیث یشاء .

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام درباره جلوگیری (نریختن منی در رحم زن هنگام آمیزش) پرسید حضرت فرمود: آب از آن مرد است ، هر کجا بخواهد می ریزد. ^(۱۹۳)

۱۸۳- عن اءبی بصیر، عن اءبی عبدالله علیه السلام ، قال : قلت له : ما تقول فی العزل ؟ فقال : کان علی علیه السلام لا یعزل و اءما اءنا فاءعزل .

ابوبصیر گوید: از امام صادق علیه السلام راجع به جلوگیری پرسیدم فرمود: علی علیه السلام

جلوگیری نمی کرد. ولی من جلوگیری می کنم

توضیح : شاید همسر حضرت صادق علیه السلام یکی از زنانی بوده است که در روایت ۱۸۲ ذکر شد و یا می گوییم : وقتی جلوگیری جایز شد، هر کس هر گونه بخواهد و صلاح بدانند عمل می کند.

۱۸۴- روی عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم ان العزل الواءد الخفی .

پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: جلوگیری ، زنده در گور کردن پنهانی است (چنانکه اعراب جاهلیت فرزندان خود را آشکارا زنده به گور می کردند). (۱۹۰)

۱۸۶- قال تزوجت بالمدينة فقال لي ابو عبدالله عليه السلام : كيف راءيت ؟ فقلت ما راءي رجال من خير في امراءه الا و قد راءيته فيها، و لكن خانتني ، فقال ، و ما هو؟ قلت : ولدت جارية . فقال لعلك كرهتها...
مردی از اصحاب امام صادق علیه السلام گوید: من در مدینه ازدواج کردم ، امام علیه السلام درباره ازدواج پرسید، گفتم : هر خیری که مردی از زنش ببیند، من از همسرم دیده ام ، لیکن او به من خیانتی کرده است . فرمود: چه خیانتی ؟ گفتم دختر زاییده است : فرمود: مثل اینکه از دختر بدت می آید. خدای عزوجل می فرماید: شما نمی دانید کدام يك از دختران یا پسران سودش به شما نزدیکتر است (شما فکر می کنید دختر زیان دارد ولی خدا از شما بهتر می داند). (۱۹۷)

۱۸۸- قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نعم الولد البنات : ملطفات ، مجهزات ، مونسات ، مباركات ، مفلیات .

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چه فرزندان خوبی هستند، دختران : با لطافت ، آماده به خدمت ، مونس ، با برکت و نظافتگر. (۱۹۹)

۱۹۰- و قال عليه السلام اياك اءن تسيى الظن ،
فان سوء الظن يفسد العباده و يعظم
الوزر.

و فرمود: مبادا گمان خود را بد کنی که
گمان بد عبادت را فاسد می کند و بار
گناه را سنگین می نماید. ^(۲۰۱)

۱۹۲- و قال عليه السلام : سوء الظن یردى مصاحبه
و ینجى مجانبه .

و فرمود: کسی که گمان بد برد، خود را
هلاک می کند و آن که از بد گمانی بپرهیزد
نجات می یابد. ^(۲۰۳)

کسی که مرد امینی را خائن بداند،
کیفرش این است که به مرد خائنی خوش
گمان می شود و او را امین می پندارد یا
اموری را که واقع نمی شود، او گمان می
برد که واقع خواهد شد.

سود زیان متقابل

زن و شوهر باید بدانند که بعد از اجرای صیغه عقد، آنها زندگی مشترک تشکیل داده اند و در همه شئون حیاتی زیر یک سقف قرار گرفته اند، پس هر گونه سود و زیانی که به یکی از آنها برسد، به دیگری هم رسیده است، چه آن سود و زیان از طرفی یکی از آن دو باشد یا از سوی بیگانه و شخص ثالثی.

اگر زنی کاری بکند و سخنی بگوید که شوهرش خوشحال شود و به نشاط آید و در نتیجه با سرور و نشاط در پی کسب و کار رود، به یقین آن روز در آمد بیشتر یا اعتبار بیشتری کسب خواهد کرد و این درآمد و اعتبار، به خانه بر می گردد و نصفش به همان خانم می رسد، همچنین اگر خانمی شوهرش را عصبانی کند و شوهر با حواس پرت از خانه بیرون رود، یقیناً در آن روز درآمد کمتری خواهد داشت و بلکه زیان مالی و جانی هم به او خواهد رسید و این زیان به خانه برمی گردد و نصفش نصیب زن می شود.

همچنین مرد اگر سخن گرم و محبت آمیزی بگوید و همسرش را شاد و با نشاط کند، آن همسر کارهای خانه را با دلگرمی و شوق انجام می دهد. لباس را تمیزتر می شوید و غذا را لذیذتر می پزد و نصف آن لذت، نصیب شوهر می گردد که آن غذا را می خورد و آن لباس را بر تن خود با همسرش می بیند و اگر شوهر نادانی کند و زنش را با زبان تلخ برنجاند و دلسرد کند، زن افسرده و غمگین می شود، در کارهای خانه حواسش پرت است غذا را شور می کند می سوزاند، ممکن است ظرفی از دستش بیفتد و بشکند و از همه بدتر آنکه به تدریج

رنجور و بیمار می شود، ضعف اعصاب می گیرد و وبالش به گردن شوهر می افتد. و نیز هیچک از زن و شوهر نباید چنان نشان دهد که خود را بر دیگری مقدم می دارد و بیشتر احترام می طلبد، مثلاً مرد نباید میوه ای را که به خانه می آورد، بزرگتر و بهترش را برای خود بردارد و زن نباید بشقاب چربتر و بیشتر را پیش خود گذارد، یا یکی از آنها بدون اینکه اجازه بگیرد، همواره در صدر خانه و بهترین جا بنشیند. اینها امور کوچکی است که عواقب وخیم و بزرگی در پی دارد، طرف مقابلی که این تبعیضات را می بیند، گاهی چیزی نمی گوید، ولی در دلش نگه می دارد و اگر کینه توز باشد، برای همیشه در دلش باقی می ماند و از زندگی با چنان همسری دلسرد می شود که البته نباید چنین باشد، هر یک از زن و شوهر باید نشان دهد که واقعا همسرش را دوست می دارد و او را نصف وجود خود می داند.

قزفہ

۱۹۴- هن لباس لکم واءنتم لباس هن .

زنان به منزله لباسی برای شمايند و
شما به منزله لباسی برای آنها. (۲۰۵)

هر کسی را به خانه مبر

مرد مسلمان باید نسبت به مردان نامحرمی که در خانه اش رفت و آمد می کنند، حساس و با احتیاط باشد تا مبادا زن و دخترش در دام افتند. مرد مسلمان نسبت به کسانی که در خانه او رفت و آمد می کنند، مانند خویشان نامحرم و کارگران و مهمانان نباید نسبت به همه آنها خوش بین و مطمئن باشد، بلکه باید نگاه آنها را نسبت به خانه و خانواده اش زیر نظر بگیرد و حساس باشد تا مبادا پیش آمدهای ناگواری که از این راه برای خانواده ها رخ داده و در روزنامه ها خوانده ایم و یا شنیده ایم ، پیش آید و کار از دست رفته باشد. « علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد.»

اگر بگویید این که بد بینی نسبت به همه مردمان است ، ناخن زدن به نگاه مردم و نشست و برخاست مردم است !! می گوئیم چه باید کرد که اسلام به عفت و سلامت خانواده اهتمام بسیار دارد، چنانکه در درس نهم گفتیم : سلامت خانواده یکی از ارکان پنجگانه دعوت انبیاست ، به علاوه اسلام می گوید: در این مورد حساس و با احتیاط باش ، نه آنکه به کسی توهین کن یا بدون آنکه چیزی از کسی ببینی ، گوشه و کنایه ای بزنی یا اگر از کسی کمال اطمینان را داری و می دانی که او خود زن و دختر دارد و مسلمان و متعهد است ، باز هم که نسبت به او حساس و بدبین باش . چقدر زیبا می فرماید امیرالمؤمنین علیه السلام که نسبت به حفظ خانواده ات همان گونه که در بیرون رفتن آنها از خانه

مراقبت داری ، در وارد شدن مردان
نامطمئن (۲۰۷)

ناسزاگویی

گویند در زمان گذشته و مکانهای دور از آبادی ، زنان و شوهرانی بوده اند که به یکدیگر فحش و ناسزا می داده اند، و زبان شریفی را که خداوند متعال ، با ظرافتی حیرت آور و اعجاب انگیز، ساخته و تحویل انسان داده است ، به کلمات زشت و ناهنجار آلوده می کرده اند.

خداوند متعال ، کیفر آلوده کردن این موجود مظلوم و شریف را در بعضی موارد، هشتاد تازیانه قرار داده است که فقهای عظام شرح آن را در بحث « حد قذف » بیان کرده اند، مثلا اگر شوهری - العیاذ بالله - به زنش بگوید: تو (ج ن ده) هستی یا باید یکدیگر را لعان کنند و برای همیشه از یکدیگر جدا شوند و یا باید شوهر ۸۰ تازیانه بخورد.

چگونه زن و مرد مسلمان ، که با زبانشان « الله اکبر» و شهادتین می گویند، به خود اجازه می دهند که همان زبان را به کلماتی که گوش از شنیدن آن تنفر دارد، آلوده سازند، یا چگونه می توان باور کرد، زن و شوهری که یکدیگر را در آغوش می گیرند به یکدیگر کلماتی بگویند که از تازیانه سخت تر و دردناکتر است .

در جنگ صفین شامیان به لشکر امیرالمؤمنین علیه السلام دشنام می دادند و آنان هم تلافی می کردند. خبر به روح مناعت و شرف و جوهر تقوی و فضیلت : علی بن ابیطالب ، علیه الاف التحیه و الثناء رسید. لشکریانش را گرد آورد و به آنها فرمود: « دشنام و ناسزاگویی در نظر من زشت و ناپسند است شما به جای ناسزاگویی ، حقیقت حال و واقعیت اعمال و کردار آنها را بیان کنید.»

ناسزاگویی اگر برای دو بیگانه يك زشتی دارد، برای شوهر و زن ، ده زشتی دارد، زیرا آنها می خواهند همواره با صفا و محبت با یکدیگر زندگی کنند. آنها بزرگ خانواده هستند و فرزندانشان طرز سخن گفتن را از آنها می آموزند، زن و شوهر اگر گاهی با یکدیگر کدورت و اختلافی پیدا می کنند، در کلمات تندی که میان آنها رد و بدل می شود، باید مواظب باشند که سخنی از دهنی پریده نشود که بعدا موجب خجالت و شرمساری گردد که این مطلب را هم مولای متقیان صلوات الله علیه که جان همه پاک روحان و پاک زبانان به قربانش باد برای شیعیانش به یادگار گذاشته است .

وای بر حال هر عیب گوی هرزه زبان . (۲۰۹)
 ۱۹۸- عن ابي الحسن موسى عليه السلام في رجلين يتسابان ، قال : البادي منهما اءظلم و وزره و وزير صاحبه عليه ، مالم يعتذر الى المظلوم .

امام کاظم عليه السلام فرمود: دو نفری که به یکدیگر دشنام می دهند آغاز کننده آنها ظالمت تر است و گناه دیگری هم به گردن اوست تا زمانی که از مظلوم عذر خواهی نکند (یعنی کسی که اول دشنام داده باید از دیگری عذر بخواهد) (۲۱۱)

۲۰۰- قال علی عليه السلام : انى اءكره لكم اءن تكونوا سبابين ولکنکم لو وصفتم اءعمالهم و ذکرتم حالهم ، کان اءصوب فى القول و اءبلغ فى العذر.

علی عليه السلام (در جنگ صفین به اصحابش) فرمود: من خوش ندارم که شما دشنامگر باشید. شما اگر کردار آنها را وصف کنید و حال و رفتارشان را بیان کنید به راستگویی نزدیکتر و برای عذر آوردن بلیغتر است . (۲۱۳)

۲۰۲- قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم من قذف امراءته بالزنا، خرج من حسناته كما تخرج الحيه من جلدها و كتب له بكل شعره على بدنه الف خطيئه .

رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: کسی که همسرش را به زنا نسبت دهد، از حسناتش خارج شود چنانکه مار پوست می اندازد. و به شماره هر مویی که در بدنش باشد، برای او هزار گناه نوشته شود. (۲۱۰)

۲۰۴- عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم اءنه قال : استوصوا بالنساء خيرا . (۲۱۲)

۲۰۵- بعث الی اءبوالحسن موسی علیه السلام ...
الی اءن قال علیه السلام الله اءالله فی النساء و ما
ملکت اءیمانکم فان آخر ما تکلم به نبیکم
اءن قال اوصیکم بالضعیفین : النساء و ما
ملکت اءیمانکم .

حضرت موسی بن جعفر از وصیتهای
امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می فرماید: خدا
راء، خدا راء، درباره زنان و بردگان که
آخرین سخن پیغمبرتان این بود که : سفارش
دو موجود ضعیف را به شما می نمایم :
زنان و بردگان . (۲۱۹)

(روایات دیگری در این باره ، در
درسهای ششم و دوازدهم و هفدهم و بیستم و
بیست و هشتم ذکر شد.)

۲۰۷- قال علی علیه السلام : لا تطیعوهن فی
المعروف حتی لا یطمعن فی المنکر.
علی علیه السلام فرمود: در کار نیک اطاعت زنان
نکنید، تا در کار زشت طمع نکنند. (۲۲۱)

اهانت

خداوند متعال توهین و آزار مومن را اعلام جنگ با خود به حساب آورده است ، آری خداوند متعال ، مومن را دوست خود می داند و غیرتش اجازه نمی دهد که از دوست خود دفاع نکند. هر گونه آزاری نسبت به مومن اعلام جنگ با خداست ، و آزار با زبان که به وسیله سخن گفتن و مسخره کردن انجام می شود، بدترین آزار است .

مرد و زن مسلمان که با یکدیگر ازدواج کرده اند، دو مومنی هستند که همیشه با یکدیگر ارتباط دارند، آنان باید در سخن گفتن با یکدیگر کاملاً مواظب باشند که مبادا جمله ای از دهن یکی از آنها صادر شود که موجب آزار دیگری گردد. سرزنش و تهمت و دشنام و شماتت موجب آزار و اهانت می شود و هر يك از این گناهان ، در کتب احادیثی بابی جداگانه دارد و کیفری جداگانه برایش ذکر شده است .

اهانت زن و شوهر به یکدیگر علاوه بر آنکه کیفر الهی و عقوبت اخروی دارد، موجب می شود که فرزندان که در خانه هستند و سخن پدر و مادر خود را می شنوند، از آنها یاد بگیرند و ایشان هم وقتی بزرگ شدند و ازدواج کردند، با همسر خود آن گونه رفتار کنند و همان کلمات زشت را به همسر خود بگویند و باز فرزندان آنها هم یاد بگیرند و با این حساب جامعه اسلامی به خشونت و فحاشی معرفی گردد.

پدرانی که می خواهند فرزندانشان احترام آنها را نگه دارند، باید خود ایشان ، احترام مادر و کدبانوی خانواده را نگه دارند تا آنها هم یاد بگیرند، هم از مادر احترام کنند و هم از پدر،

همچنین اگر زنی می بیند که فرزندان احترام او را نمی دارند، باید بداند که گاهی علت این است که خود زن احترام شوهر را نگه نمی دارد و در برابر فرزندان به پدر آنها کلماتی تند و زشت می گوید. گاهی پدر حاضر است کلمات تندی از همسرش در خلوت بشنود ولی شنیدن همان کلمات را در پیش فرزندانش راضی نیست. زن مسلمان باید رعایت این نکات را بنماید و نیز زن و شوهر باید بدانند که فرزندان کوچک فرق رابطه زن و شوهر را با رابطه فرزندان و ابویین درك نمی کنند. پس نباید مادر مثلاً به دخترش بگوید من که به پدرت «تو» می گویم ، تو نباید بگویی .

۲۰۹- سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : قال
الله عزوجل : لياذن بحرب منى من اذى عبدى
المومن و لياذن من غضبى من اكرم عبدى
المومن ...

از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود:
خداوند عزوجل فرموده است : کسی که بنده
مومن مرا آزار دهد، باید مرا با خود در
جنگ بداند و کسی که بنده مومن مرا
احترام کند، باید که از غضب من ایمن
باشد. (۲۲۳)

گذشت و اغماض

اگر از نویسنده بپرسید: از میان تمام توصیه هایی که اسلام به زن و شوهر نمود، کدامیک در درجه اول قرار دارد و روی آن تاکید و سفارش شده است؟ عرض می کنم آن سفارش «گذشت و اغماض» است. گذشت و اغماض هر يك از زن و شوهر از لغزشها و كج خلیهای دیگری و چشم پوشی و نادیده گرفتن اشتباهات و خطاهای او.

اگر بپرسید تنها چیزی که اختلافات شش گانه زن و شوهر را که در درسهای آینده می گوئیم حل می کند کدام است؟ عرض می کنم «گذشت و اغماض» است.

اگر بفرمایید: آن عاملی که موجب می شود، زن و شوهر، عمری با صفا و محبت زندگی کنند کدام است؟ عرض می کنم اولاً گذشت و اغماض و سپس مراعات دستورات دیگر اسلام که از اول این کتاب تا اینجا شرح داده شد.

اگر بگویید: برای چیست که زن و شوهر، در ابتدای زندگی خود، همواره قهر و نزاع و کشمکش دارند و وقتی پیر و پخته شدند، با یکدیگر گرم و با صفا می شوند و بر گذشته عمر خود دریغ می خورند؟ عرض می کنم برای این است که در ابتدای جوانی غرور و خودخواهی دارند و «گذشت و اغماض» را فراموش می کنند، ولی در زمان پیری و کهنسالی، دانا می شوند و می فهمند: محال است زن مانند شوهر فکر کند یا شوهر مانند زن. می فهمند که هر کسی طرز فکری دارد. هر کسی برای خود روش و برنامه ئی معین کرده است و شخصیتی برای او منعقد گشته است که عدول از آن بسیار مشکل است. یکی بلند سخن می گوید و دیگری آهسته. یکی با دست غذا می خورد و دیگری با قاشق

. یکی بیشتر می خوابد و دیگری کمتر، یکی پر حرف است و دیگری کم حرف ، یکی تمیز است و دیگری تمیزتر، و هر يك از آنها صفات خود را در اثر وراثت یا تربیت یا تمرین به دست آورده و بر آن عادت کرده و خو گرفته است ، پس شوهر نباید انتظار داشته باشد که همسرش را با اجبار و اکراه به ترك عادتش وادار کند. در این گونه موارد یا زن و شوهر باید از یکدیگر جدا شوند و یا « گذشت و اغماض » را پیشه کنند و سازش و مدارا را پیش گیرند. و اگر تصمیم به جدایی بگیرند، باید بدانند که هر کجا که روند آسمان همین رنگ است . آنها در روی زمین همسرانی با صد در صد اتحاد سلیقه پیدا نمی کنند و شاید خدا چنین دو نفری خلق نکرده باشد.

۲۱۱- و قال عليه السلام اءلا اءلكم على خير
 اءلاق الدنيا و الاخره : تعفو عن ظلمك و
 تصل من قطعك ...

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: می خواهید شما را
 به بهترین اخلاق دنیا و آخرت راهنمایی
 کنم ؟ آن اخلاق این است که : درگذری از
 کسی که به تو ستم کرده و پیوند کنی با
 خویشاوندی که از تو بریده و بردباری کنی
 با کسی که درباره تو نادانی کرده است .
 (۲۲۰)

۲۱۳- و عن اءبی جعفر عليه السلام قال :
 الندامه على العفو اءفضل و اءيسر من
 الندامه على العقوبه .
 امام باقر عليه السلام فرمود: پشیمان شدن
 برگذشت بهتر است و (جبرانش) آسان تر است
 از پشیمان شدن بر عقوبت (که گاهی جبران
 ممکن نیست) (۲۲۷)

سواد آموزی زن

هر گاه شما از دانشمندی که تمام منابع و ماخذ اسلامی را بررسی کرده باشد، سوال کنید که : « درس خواندن زن از نظر اسلام چه حکمی در ادا؟ » به شما جواب می دهد که : من هیچ دلیلی پیدا نکرده ام که اسلام ، نسبت به آموختن علم ، میان زن و مرد از لحاظ وجوب و حرمت فرقی گذاشته باشد، و مثلا آموختن علمی را برای مردان واجب و برای زنان حرام کرده باشد.

لیکن از موضوع وجوب و حرمت و دلیل شرعی که بپذیریم و سوادآموزی زن را در محدوده موازین عقلی و اجتماعی بررسی کنیم ، باید بگوییم : زن باید بنگرد که او برای چه منظوری آفریده شده و چگونه مسیر و جهتی را در زندگی انتخاب می کند، آنگاه علمی را بیاموزد که برای مسیر زندگی و هدف نهایی او مناسب است .

دختر از زمانی که می تواند به مدرسه رود تا زمانی که شوهر می کند، وقت اندکی دارد و دامنه علوم هم بسی پهناور و وسیع است پس او باید از میان همه آنها، لازمتر و مفیدترش را انتخاب کند و بیاموزد. شخصی که دبیر شیمی بود، می گفت : با توجه به کتابهای زیادی که درباره شیمی نوشته شده است ، من اگر بخواهم تمام وقتم را تنها به ورق زدن این کتابها برگزار کنم ، عمرم کفاف نمی دهد.

پیدا است که زندگی عصر ما حتی در بیشتر روستاها در ارتباط با استفاده از روشنایی برق و رادیو و تلویزیون و یخچال و مانند آنست و زن برای آگاهی از طرز استفاده این لوازم و راه جلوگیری از خطرات و حوادث آنها، باید تا اندازه ای فیزیک و شیمی و ریاضی و علوم دیگر بداند

و این مقدار را در مدارس ابتدائی و راهنمایی به طور کلاسیک یا به طور متفرقه یا نحوی دیگر بیاموزد و باز اگر می خواهد مامایی یا دندانپزشکی و امثال آنرا بداند، باید درس بیشتری بخواند؛ بنابراین از علوم متداول زمان ما بسیاری از رشته های دانشکده های کشاورزی، پلی تکنیک، علم و صنعت، بلکه اقتصاد و حقوق و علوم، برای زنان بی فایده یا کم فایده است و علومی را که در بالا گفتیم، برای او لازمتر و مفیدتر است.

گمان می کنم اگر روزی زنان مسلمان ما، اسلامی فکر کنند و کلاسهایی برای خانه داری و شوهر داری و آشپزی و بچه داری تشکیل دهند، دانشجویان بسیاری پیدا کنند و بهترین دانش هم برای زن مسلمان همین ها است.

بحث دیگر در اینجا این است که: در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل می شود که آنحضرت می فرماید: « محبت علی علیه السلام را به زنان الهام کنید و سپس آنان را ساده و پاکدل باقی گذارید» یعنی سرشت خدادادی و فطرت پاک نخستین آنها را دست نخورده باقی گذارید و با علوم و فنون ساخته مغز و فکر بشر نیالائید. نمی گویم به آنها زشتی دروغ و جنایت و خیانت را نیاموزید، بلکه می گویم: حتی لغت « دروغ » و واژه « خیانت » را به آنها تعلیم مدهید. و آن موجود فرشته خوی را، به فرشته خویش باقی گذارید تا او نه خلاف حقیقت را بشناسد و نه توریه و دروغ مصلحت آمیز را، نه خیانت و جنایت را بداند و نه راه فرار از آن را و خلاصه نه منکر را شناسد و نه نهی از منکر را بر خود واجب بیند. خواهید گفت: از دنیا به آخرت رفتی و از آدمیان بریدی و به فرشتگان پیوستی؛

ولی چه کنم که خدا مرا و شما خواننده محترم و همه انسانها را طوری ساخته است که خوبیها را دوست داریم و از بدیها متنفریم ، از این رو گاهی عقده دل را می گشائیم و از سر مکنون خود سخن می گوییم .

ما انسانها گاهی دروغ می گوییم و جنایت و خیانت می کنیم و گناه خود را با دلیل شرعی و عقلی توجیه و تاویل می کنیم و به گردن دیگری می اندازیم ، ولی گاهی هم پشیمان می شویم و به همه اینها اقرار و اعتراف می نماییم ، این هم یکی از الطاف خداست که به انسان چنین وجدان روشن و حقیقت بینی عطا فرموده است و امام صادق علیه السلام و سایر پیشوایان ما - که جان روشندان و حقیقت گویان به قربانشان باد - می خواهند زنها و بلکه همه انسانها، به فطرت پاک و اصیل خود باقی بماند و در همین دنیا نمونه ای از بهشت برین الهی را ببینند و بعید نیست که این آرزوی مقدس روزی تحقق یابد و بعید نیست که روزی بیاید که کلمات « دروغ ، کشتن و خیانت » و مانند اینها در قاموسهای بشر پیدا نشود.

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: « سوره یوسف رابه زنان نیاموزید که در آن سوره فتنه هاست » زیرا در آن سوره بیان می شود که زلیخا فریفته جمال یوسف گشت و او را در اتاق در بسته ای برد و از او کام خواست و چون یوسف فرار کرد و شوهر زلیخا پشت در ظاهر شد، زلیخا نعل وارونه زد و گفت : ببین یوسف را که از من کام می خواهد. علی علیه السلام می خواهد، چنین بازیگری و نیرنگی به گوش زنان شیعه نرسد و در فکر و مغز آنها وارد نشود.

پیغمبر ﷺ می فرماید: « زنان را در بالا خانه سکونت ندهید» تا بر مردان و کارهای ایشان مشرف و ناظر نباشند بلکه در طبقه پایین به کار خود مشغول باشند و مردان هم ایشان را در میان خانه نبینند، زن اگر در بالاخانه باشد، یا باید همواره چادر بر سرش باشد و یا پرده ها را بپندازد و در تاریکی زندگی کند.

و باز پیغمبر ﷺ می فرماید: « به زنان کتابت و نوشتن نیاموزید» تا راه رابطه با مردان بیگانه برای آنها باز نشود.

ما نویسندگان و خوانندگان که علم و دانش آموختیه ایم ، روانشناسی و جهان بینی و جامعه شناسی خوانده ایم ، منطق و برهان و استدلال دانسته ایم و سفسطه و مغالطه یاد گرفته ایم ، می گوئیم : چرا پیغمبر اسلام ﷺ از آموختن علم و کتابت مانع می شود و جلو ترقی و پیشرفت را می گیرد. انسان باید هم منکر را بداند و هم نهی از منکر کند. هم سم مهلك را بشناسد و هم از آن دوری کند. اگر به زن بگوئیم : فلان سوره را نخوان او حریصتر می شود و...

همه اینها درست است ، ولی پاکدلی و پاکدامنی هم درست است ، پاکدلی و سلامت نفس هم حقیقتی است غیر قابل انکار و شایان تعلیم و تعلم ، و انسان با دل پاکش خوبی پاکدامنی را هم درك می کند. همانطور که بشر باید علم و کتابت و استدلال را بیاموزد، این مطلب را هم باید بیاموزد که « اگر» پاکدل و باصفا باقی بماند و دروغ و خیانت و دغل بازی را یاد نگیرد، همین دنیایش بهشت برین می شود. بلکه باید بگوئیم « اگر» ندارد. این مطلب يك واقعیت و حقیقت است و وجود

خارجی دارد. پیغمبر و علی و امام صادق (علیهم‌السلام) همین مطلب رامی خواهند بگویند.

بعضی از زنان در روستاهای دور از دانشگاهها و کتابخانه ها را می بینیم که خیانت و جنایت را اصلا نشنیده و آزمایش نکرده اند. شیادی و سالوسگری و دغل بازی را در مغز خود راه نداده اند. نیرنگها و بازیگریهای زلیخایی به گوششان نرسیده است. آنها دستورات ساده اسلام را از پدر و مادر یا از روحانی روستای خود شنیده اند. آنها شنیده اند که وقتی دختر عروس شد، باید خانه داری و شوهرداری و بچه داری کند، حجابش را حفظ کند و شوهر را خدای کوچک خود بداند. آنها هم چنین بوده و هستند. مادران آنان هم چنین زندگی کردند و به دخترانشان آموختند که دختر باید با چادر به خانه شوهر برود و با کفن بیرون آید. آنها پنجاه سال با شوهری زندگی کردند و با وجود نیاموختن علم روز و نخواندن روزنامه و مجله زن روز، شجاعتترین سلحشوران، باوفاترین شوهران، فعال ترین کارگران، خوش ذوق ترین شاعران، ظریفترین هنرمندان و برجسته ترین مبتکران را تربیت کردند و به اجتماع خود تحویل دادند. بروید و تاریخ زندگی مردان نابغه جهان و مادرانشان را مطالعه کنید. چنین زنانند که به فرموده رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) اکثریت اهل بهشت را تشکیل می دهند. آنها در تمام دوران زندگی خود، نه با رقص و مشروب عهدی داشتند، نه قرص ضد آبستنی را شناختند، نه با کلمه «کورتاژ» آشنا شدند، نه معنی رابطه نامشروع را فهمیدند، نه چشمکی زدند و گرفتند و نه متلکی شنیدند و یا اگر شنیدند معنیش را فهمیدند، تا چه رسد به

فهمیدن معانی « مساحقه ، قیادت ، مبادله همسر و ازدواج همجنس » و مانند اینها .
ما دانشگاه دیده های متمدن ، باید چند روزی مهمان چنان خانواده هایی باشیم و گلزار بی خار و بهشت برین زندگی خانوادگی آنان را ببینیم تا ناخود آگاه ، آهی سرد از دل پر درد برآریم و باور کنیم که بدون معلومات جهان بینی و جامعه شناسی هم می توان زندگی باصفایی داشت و به جای بیست سال زندگی توام با بیماری و جنگ اعصاب ، می توان شصت سال زندگی با نشاط و محبت و کامرانی داشت و باور کنیم که بی سوادان پاکدلی که فرهنگ ساده امام صادق علیه السلام را پذیرفتند و حتی لغت « همزیستی مسالمت آمیز » را نمی توانستند ادا کنند ، بهتر از کسانی زیستند که دانشگاهها و لابراتوارها ساختند ولی از مکتب امام صادق روگردان شدند .

- ۴- درس خواننده ها خانه داری و بچه داری بلد نیستند و انتظار دارند، کار خانه آنها را کلفت انجام دهد، ولی درس نخوانده ها اگر هم بلد نباشند، به انجام آن افتخار می کنند و آن قدر انجام می دهند تا آشنا و ورزیده شوند.
- ۵- درس خوانده ها بیشتر به فکر گردش رفتن و مسافرت و دید و بازدیدند و درس نخوانده ها به فکر اداره خانه و حفظ مال شوهر می باشند.
- ۶- درس نخوانده ها به عفت و پاکدامنی بیشتر اهمیت می دهند تا درس خوانده ها.
- ۷- درس خوانده ها پر توقع و اسراف کارند و درس نخوانده ها قانع و سازگار.
- ۸- درس خوانده ها کم طاقت و زود رنج و کم تحملند و درس نخوانده ها پر کار و پر طاقت و بردبار.

ٲ : ̈āz̈h ̈yeb ̈Ū

١- دختران درس نخوانده ، نظافت و بهداشت را کمتر از درس خوانده ها رعایت می کنند.

٢- درس خوانده ها آداب سخن گفتن و معاشرت را بهتر از درس نخوانده ها می دانند.

٣- درس خوانده ها بیدار نگه داشتن غریزه جنسی شوهر را با الفاظ نغز و حرکات شیرین خود، بهتر از درس نخوانده ها رعایت می کنند.

در اینجا برای نویسنده ، لزوم همراه بودن تربیت صحیح با آموزش و تعلم تداعی می شود. اینجانب فکر می کند: تحصیل علمی که در اسلام بر هر دو مرد و زن واجب گشته و کل کمال دانسته شده و عالم محبوب خدا و وارث انبیا و بهتر از هزار عابد معرفی گردیده و امام صادق علیه السلام می خواهد با تازیانه بر سر اصحاب عزیزش بزند بلکه می خواهد در گردابهای خطرناک شناور شوند تا علم و فقاہت بیاموزند و مجلس علم را نشستن روی پر ملأئکه می داند و مرگ عالم را موجب رخنه افتادن در بنای اسلام می شمارد و جاهل را هموزن خاشاک روی آب معرفی می کند و در قیامت او را دور از رحمت خدا و اعمالش را ناپاک می داند، ^(٢٢٩) او نمی تواند بفهمد: اسلام نسبت به او دلسوزتر از معلمانی است که آن مطالب را به او آموخته اند. او نمی تواند درک کند که تعلیمات اسلام برای بقاء شخصیت و مقام والای مادری او مفیدتر است از درسهای دیگر که برای نظم و نظافت ظاهر زندگی می خواند، بنابراین تنها چاره ای که به نظر می رسد، این است که پسری که می خواهد با دختر درس خوانده لیسانس و

دکتر ازدواج کند، باید نظیر این کتاب را در دستور اسلام نسبت به وظائف زن و شوهر به او بدهد تا مطالعه کند و سپس نظر او را نسبت به آن دستورات بپرسد. اگر توانست قبول کند با او ازدواج نماید. امیدوارم از برکت استقرار جمهوری اسلامی دختران ما در مدارس و دانشکده ها درسهایی را بخوانند که آنان را مسلمانی متعهد و پیرو حضرت زهرا و زینب کبری علیها السلام تربیت کند، تا دیگر نه شاهد آلودگیها و معایب بعضی از دختران درس خوانده امروز باشیم و نه شاهد عیوب و عقب افتادگی دختران درس نخوانده و به نظر نویسنده تحولی اساسی در دروس دبیرستان و دانشگاهی که آن را مناسبت با سرشت و فطرت و نیازهای زن بسازد باید صورت پذیرد.

۲۱۵- عن ابي عبدالله عليه السلام قال : اءلهموهن حب على عليه السلام و ذروهن بلها .
 امام صادق عليه السلام فرمود: به زنان محبت على عليه السلام را الهام کنید و آنان را ابله و پاکدل واگذارید. (۲۳۱)

۲۱۷- قال اميرالمؤمنين عليه السلام : لا تعلموا

نساءكم سورة يوسف ولا تقرؤهن اياها، فان فيها الفتن...

اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: سوره يوسف را به زنان خویش تعليم ندهيد و براي ايشان قرائت نكنيد كه در آن سوره فتنه هاست . (۲۳۳) : قلت ما البله ؟ قال : العاقل في الخير و الغافل عن الشر .

امام صادق عليه السلام از پدرانش ، از پیغمبر صلى الله عليه وآله وسلم نقل می کند که رسول خدا صلى الله عليه وآله وسلم فرمود: من داخل بهشت شدم و بیشتر اهل بهشت را ابله يافتم . راوی گوید از امام صادق عليه السلام پرسیدم ابله کیست ؟ فرمود: آنکه در کار خیر عاقل است و در کار شر غافل . (۲۳۰)
 همه اینها از برکت همان احساسات عمیق و عواطف رقیق این موجود شریف به نام « زن » می باشد.

۲۱۹- قال علی علیه السلام : ان النساء نواقص الايمان ، نواقص الحظوظ نواقص العقول ، فاءما نقصان ... عقولهن فشهاده امراءتين كشهاده الرجل الواحد...

علی علیه السلام فرمود: همانا زنان از لحاظ ایمان و بهره و عقل ناقصند... نقصان عقلشان این است که گواهی دادن دو زن برابر گواهی دادن يك مرد است... (۲۳۷)
۲۲۱- يعتبر عقل الرجل في ثلاث : في طول لحيته ...

و فرمود: عقل مرد به سه وسیله سنجیده می شود: در درازی محاسنش (هر چه ریش از يك قبضه بلندتر باشد، عقل صاحبش کمتر است.) (۲۳۹)

۲۲۳- ان ابا الحسن اشتری دارا واءمر مولی له اءن يتحول اليها و قال ان منزلک ضيق . فقال قد اءحدث هذه الدار ابي . فقال ابوالحسن علیه السلام : ان كان ابوك احمق ينبغى اءن تكون مثله !؟

حضرت رضا علیه السلام ، منزلی را خرید و به یکی از کارمندانش دستور داد تا به آن منزل رود و در آنجا ساکن شود و به او فرمود: منزلی که می نشینی کوچک و تنگ است ، او گفت : این منزل را پدرم بنا نهاده است . حضرت فرمود: اگر پدرت احمق بود، تو هم باید مثل او باشی . (۲۴۱)

۲۲۵- و قال علیه السلام من علامات الاحمق كثره تلونه .

و فرمود: از نشانه های حماقت ، زیادی تلون است (که انسان هر روز به شکلی در آید و خطی انتخاب کند.) (۲۴۳)

۲۲۷- و قال علیه السلام تعرف حماقه الرجل بالاءشرفى النعمه و كثره الذل فى المحنه .

و فرمود: حماقت مرد شناخته می شود به
مستی کردن در زمان نعمت و اظهار خواری و
ذلت نمودن در زمان سختی و گرفتاری . (۲۴۰)

۲۲۹- و قال عليه السلام لا يستخف بالعلم و
اهله الا اءحمق جاهل .
و فرمود: دانش و اهل دانش را کوچک
نشمار، مگر احمق نادان . (۲۴۷)

بنابراین کسانی که آیه قرآن یا حدیثی
را می شنوند که مضمونش با عقل و فهم
آنها موافقت ندارد، باید بگویند: ما نمی
فهمیم . ممکن است توجیه درستی داشته
باشد؛ نه آنکه انکار کنند و بگویند چنین
چیزی درست نیست و من آنرا رد می کنم .
اگر چنین بگویند، از نظر امیرالمؤمنین
که سخنگوی اسلام است - احمق می باشند
مانند کسانی که موضوع معاد را نفهمیده و
نسنجیده انکار می کنند یا کسانی که دو
قرن پیش ، اختراع مانند رادیو و
تلویزیون را انکار می کردند (برای توضیح
بیشتر به مقدمه ترجمه اصول کافی نویسنده
رجوع شود.)

از خوبانشان بر حذر باش

در خطبه ۷۸ نهج البلاغه آمده است که « از زنان پرهیزید و از خوبانشان برحذر باشید» در اینجا توجه به چند نکته لازم است :

۱- پرهیز کردن از زن بد، طبق قاعده است و عقل و وجدان هر انسانی حکم می کند که از انسان بد باید پرهیز نمود، چه زن باشد و چه مرد و اما بر حذر بودن از زنان خوب در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام ، به معنی اعتماد کامل نداشتن و بیدار و هشیار بودن و احتیاط را رعایت کردن و دست با عصا راه رفتن است ، نه به معنی دوری کردن و کنار زدن ایشان ، زیرا اولاً عبارت حضرت ، از نظر قواعد ادبی و طبق موازین لغت و معانی و بیان ، چنین اقتضا می کند (۲۴۹)

۲۳۲- والعصران الانسان لفي خسر، الا الذين آمنوا وعملوا الصالحات وتواصوا

بالحق وتواصوا بالصبر.

سوگند به زمان که انسان در خسران است ، مگر کسانی که ایمان آورند و عمل صالح کنند و یکدیگر را به حق و صبر سفارش نمایند. (۲۵۱)

خلاصه اینکه : اسلام چون دلسوز و مهربان است ، چون حقیقت گو و صریح اللهجه است ، چون مانند استعمارگران ، ریاکاری و نفاق ندارد، به زنان توصیه می کند: برای شوهر خود زینت کنند، نه برای دیگران . برای شوهر خود طنازی و عشوه گری کنند، نه برای دیگران . دل شوهر خود را به دست آورند، نه دل دیگران . به خانه و زندگی خود دل ببندند، و به جای دیگر چشم نداشته باشند. با شوهر خود، گرم و با صفا و با محبت باشند، تا دل شوهرشان

متوجه زن دیگر و جای دیگر نباشد. زن می تواند با زبان خوش و حرکات شیرین ، ریسمانی از محبت و عشق بر چشم و گوش و دست و پا و دل شوهر خود ببندد که او را یارای حرکت ، جز به سوی همسر و خانه خود نباشد. مگر اندکی از مرد نمایان شهوت پرست و هرزه و هوسباز سست تنبان که خداوند متعال یا به زودی مرگشان دهد و یا زن بیچاره را از خانه آنها نجات دهد. اگر کسی تمام مطالب اسلامی راجع به زن را مطالعه کند به این نتیجه می رسد که اسلام می خواهد بگوید: « زن در حالی که جاذبه دارد یا باید از خانه امن خود بیرون نیاید، یا اگر برای صله رحم و معالجه و گرفتن حق خویش و کارهای ضروری دیگر بیرون می آید، جذابیت خود را بپوشاند، به نحوی که لباس و وضع حرکاتش عادی باشد تا نگاه مردان به او، مانند نگاه مردان و کودکان و اشیاء دیگر باشد و راه رفتن زن هیچ نظری را جلب نکند.» همه اینها برای این است که زن منحصر را برای شوهر باشد و شوهر برای زن . وقتی شوهر تنها زن خود را آن هم با آرایش و زینت ببیند و زنان دیگر نظر او را جلب نکنند، زن خود را فرشته می داند و هوس و شهوتش به سوی دیگر تحریک نمی شود. این سیاست اسلام است و آن هم سیاست استعمارگران دیگر که می بینید و می خوانید:

آنها تمام مرواریدها را از صدف بیرون می ریزند تا تعدادی خوش آب و رنگش مشتری - یا مشتریها - پیدا کنند و بقیه بنجل و وازده و ته مانده محسوب شود. زنان عاقل و هوشمند جهان ! کدام يك از این دو سیاست بهتر است ؟ فکر کنید و پاسخ دهید.

اگر نگوئیم زنان در این جا گول مردان را خوردند، باید بگوئیم : برخی از آنها که از فرهنگ الهی ، به سوی فرهنگ استعماری رفتند، سود شخصی را بر سود نوع ترجیح دادند و مصلحت نوع را فدای مصلحت شخص کردند، زیرا يك زن مثلا فکر می کند: من که زیبایی و دلربایی بیشتری دارم ، در خیابان و اداره ظاهر می شوم تا شوهر متشخص تر و اعیان تری پیدا کنم ؛ ولی او فکر نکرده است که این روش اگر برای خود او مفید باشد برای نوع زن زیان آور و فلاکت بار است .

زیرا شوهرانی که چنان زنی ندارند. هنگامی که او را در خیابان و اداره ، بدون پرده ببینند، لااقل بعضی از آنها که هوسباز و شهوتران هستند، نسبت به همسر خود، بی مهر و کم علاقه می شوند و جوانانی هم که هنوز همسر نگرفته اند، در انتظار می نشینند تا مانند او را پیدا کنند. در این میان چه مفاسدی که پیدا می شود خدا می داند.

اسلام می خواهد وقتی مردی زنی را می بیند، به قدری حرکات و رفتار آن زن عادی باشد که بیننده را به فکر مقایسه و معادله با زن خود نیندازد، بلکه اصلا بیننده را متوجه خود نکند و فکر او را مشغول ندارد و حتی چند لحظه هم او را از مسیر فکری و زندگیش باز ندارد.

اگر بگوئیم : بزرگترین حيله و نیرنگی که در جهان بشریت رخ داد، همین حيله بود که مردان نسبت به زنان انجام دادند، مبالعه نگفته ام . اگر به استثنای معدودی از زنان مسلمان متعهد، صدها میلیون زن دیگر، این کلاه را نمی پذیرفتند و فرهنگ استعمار را قبول نمی کردند، جا داشت که در صحت انتساب ضعیف العقل بودن آنان شك و تردید کنیم ، ولی

اگر کسی بگوید: چرا لااقل زنان مسلمان از این قبیل ، نتوانستند حيله شرعى به كار برند و به شوهران خود بگویند: اسلام به ما اجازه نداده است كه پشت ميز بنشینم و پول در بیاورم ، شما باید مخارج خانواده را متكفل شوید، چه جوابی خواهند داد؟ (البته اداره رفتن مخالف شرع را می گوئیم) یا چه می شد اگر زنان غیر مسلمان به شوهرانشان می گفتند، از زمانی كه بچه در رحم ما جایگزین می شود تا زمانی كه وضع حمل می كنیم و سپس دو سالی كه شیر می دهیم و بعدا تا زمانی كه به مدرسه اش می فرستیم و زبان تعلیمش می دهیم و از خطرات و حوادث نگهداریش می كنیم ، به مقدار تمام زحماتی است كه شما مردان در تمام عمر در خارج خانه انجام می دهید، ما علاوه بر يك كودك ، كودكان متعددی می زاییم و تربیت می كنیم ، دیگر ما طاقت بیرون رفتن از خانه و درگیری با مردان را نداریم . این ظلم است و اجحاف كه شما مردان به ما روا می دارید. علاوه بر چنین زحمت طاقت فرسایی كه همه مردان از انجام آن عاجزند و ما به خوبی انجام می دهیم ، چرا زحمت دیگری به گردن ما می گذارید؟! برخی از مردان اسیر شهوت برای به دام انداختن زنان سفسطه و مغالطه دیگری می كنند. بلکه از سفسطه و مغالطه بالاتر، باید بگوئیم ، چشم بندی علمی می كنند. آنها می گویند: زنان اگر پوشیده و با حجاب در برابر مردان ظاهر شوند، مردان حریصتر می شوند و بیشتر به آنها متوجه می گردند و حس کنجكاوی آنها بیشتر تحريك می شود، ولی اگر بی پرده و باز چهره باشند، مردان از دیدنشان سیر می شوند و دیگر تحريك و شهوتی در میان نیست . این بیگانه پرستان شیاد، خود می دانند كه دروغ می گویند، غریزه جسنی در برابر

صحنه های هیجان انگیز، تیز می شود نه سیر، اینجا داستان زنبور است و انگور. زنبور تا نیش خود را به انگور فرو نبرد، سیر نمی شود. یا باید انگور را نبیند یا اگر دید، نحوه سیر شدنش معلوم است .

جان من و همه شما ریاکاران فدای پیغمبر صریح اللهجه ای باد که می گوید: چون چنین صحنه ای را دیدید، نزد همسر حلال خود بروید؛ سپس با دست پر و غسل کرده به کوچه و گذرگاه آیید و با خاطری آسوده ، مشغول کسب و کار باشید.

خداشناسان دیگری می گویند: انسان همواره در راه تکامل و ترقی می رود. به راهی می رود و از آن راه صدمه می بیند، دیگر به آن راه نمی رود، بنابراین هر قدمی که انسان برمی دارد، بهتر از قدم پیشین است و همیشه سال دوم زندگیش بهتر از سال اول و سال سومش بهتر از سال دوم است .

زنان پیش از انقلاب صنعتی ، محدود بودند و در خانه محصور، ولی از آن زمان دانستند که بهتر این است که از حصار و محدودیت بیرون آیند و همدوش مردان باشند و این عمل قدم گذاشتن در راه ترقی و تکامل است . دیگر نمی شود آنان را به عقب برگردانیم و در خانه محصور کنیم .

در پاسخ این شبهه باید بگویم اولاً این راه را خود زنان انتخاب نکردند، بلکه مردان جهانخوار شهوتران ، برای ارضاء غریزه جنسی خویش ، این کلاه را بر سر آنان گذاشتند و ثانیاً مقتضای دلیل آنها این است که انسان هر قدمش کاملتر و مترقی تر از قدم نخستین است ، در صورتی که چنین نیست . بسیاری از اوقات انسان تصریح می کند که (این که بدتر شد، خودم کردم که لعنت بر خودم باد) و همچنین توبه ها و پشیمانی ها و لب گزیدنها و

عذرخواهی ها، همگی در همین مسیر است . البته شاید تعجب کنید که انسان راه غلطی را ۱۵۰ سال ادامه دهد، ولی باید دانست که مقتضای دلیلی که از قول آنها گفتیم این است که انسان تا آخر عمرش همواره در وسط راه باشد، تکامل مطلق برای انسان ممکن نیست . فلسفه می گوید کامل مطلق یکی است و آن خداست ولی ما در اینجا با کسانی سخن می گوئیم که فرض کردیم مادی و ماتریالیست باشند.

ما از اینگونه خوانندگان تقاضا داریم که ادله عقلی و نقلی ما را در درسهای گذشته بخوانند و با ادله خود بررسی کنند و سپس منصفانه قضاوت نمایند.

کسانی هم می گویند « دنیای امروز مساله زن و غریزه را حل کرده و با برداشتن قیود و حدود اسلامی از گردن زن ، هیچگونه مشکلی در این راه باقی نگذاشته است . دختران و پسران در استخرها شنا می کنند و هیچ پدر و مادری نگران دخترش نیست و زنان با مردان در اطاقهای خلوت کار می کنند و هیچ شوهری نگران زنش نیست . این دغدغه ها و پریشانی هایی که در میان مسلمین مشاهده می شود، در جوامع غیر اسلامی ، اصلا مطرح نیست و زن و مرد، فارغ البال به فکر کار و زندگی خود مشغولند.»

متأسفانه این سخن گاهی از متظاهرين به اسلام هم شنیده می شود و در مقام تمجید و ستایش ، نه طعنه و سرزنش هم می گویند. آری ، اگر مقصود آنها از حل شدن این مشکل ، تنها نبودن دغدغه و اضطراب باشد، سخن درستی است .

ما تصدیق داریم ، مردانی که آن فرهنگ را پذیرفته اند، اگر همسرشان شبی به خانه نیاید، نگران نمی شوند. و اگر دخترشان يك هفته با پسرها به مسافرت

برود باکی ندارند، قرصهای جلوگیری علاج این دغدغه ها را کرده است. در عصر اتم باکره نبودن و با مردان رقصیدن و فرزند نامشروع زاییدن که قبح و زشتی ندارد. پس چه جای نگرانی و تشویق است؟!؟

با کسانی که نمی توانند بدون اجازه دیگران تفکر کنند، سخنی ندارم آنها واقعا از شخصیت خود تهی گشته و مقلدی تمام عیار شده اند. آنان نمی توانند فکر کنند که حل کردن مشکل غریزه مانند حل کردن مشکل اقتصاد است. چنانکه می گویند - که شاید درست هم نباشد - در کشورهای کمونیستی، دزدی و رباخواری و فقر و تکی وجود ندارد. اما مردم آن دیار، از حقیقت انسانیت که آزاد اندیشی و خلاقیت و عرفان و بلند پروازی از امتیازات اوست، تهی گشته و مجبورند چنان فکر کنند که روساء حزب آنها می خواهند.

در موضوع غریزه جنسی هم باید بگوییم: دنیای امروز اشکال دغدغه و اضطراب را حل نموده؛ اما انسانیت را از اصالت و عفت و نجابت و غیرت خود خالی کرده است. انسان در مکتب آنها محتوایی جز شکم و زیر شکم ندارد. برای عفت و غیرت و نجابت در مکتب آنها مفهوم و معنایی پیدا نمی شود و قاموسهای ایشان از این الفاظ مقدس به کلی تهی گشته است.

اگر به آنها بگویی: تاریخ بشریت، پاکدامنی جناب مریم و حضرت یوسف را ستوده و کردار زلیخا و مردان هرزه و آلوده دامن را نکوهش و تقبیح کرده است، لبخندی می زنند و سری تکان می دهند، به علامت اینکه امروز يك ميليارد زن به راه زلیخا می روند و همان اندازه مرد به دنبال آنان دوان هستند و شما از حسن و قبح کردار یوسف و زلیخای چهل قرن پیش

سخن می گویند. این است معنی از خود تهی گشتن و بدون اجازه دیگران فکر نکردن .

آری يك گلوله نخ پر گره به دست - به اصطلاح - روشنفکران شرق و غرب افتاد و آنها همه گره ها را بریدند و هزاران تکه نخ بی گره تحویل دادند و گفتند ما تمام اشکالات را حل کردیم و يك گره باقی نگذاشتیم . آنها حوصله نداشتند، مانند رجال دلسوز الهی ، سر نخ را پیدا کنند و تك تك گرهها را از یکدیگر بگشایند و گلوله نخ را با تمام هویتش تحویل دهند. باور کنید که انسانیت در نظر اینها به اندازه يك گلوله نخ هم ارزش ندارد و انسانهای بسیاری در کارخانه های آنها اسیر ساختن گلوله های نخ می باشند و هیچ اثر دیگری از خود بروز نمی دهند، بلکه نمی توانند و نباید بروز بدهند.

اما کسانی که می خواهند بدانند اسلام مشکل غریزه را چگونه ، قدم به قدم و مو به مو با باریك بینی و ظرافت حل کرده است لااقل احادیث همین کتاب را با دقت مطالعه کنند.

ازدواج موقت و چند همسری

سیاست اسلام نسبت به تجویز متعه (صیغه) و تعدد زوجات این است که هر گاه به خاطر پیش آمد جنگ یا علل و حوادث دیگری، عده زنان در شهر یا مملکتی بیش از مردان آن ناحیه باشد، زنان اضافی که بی شوهر مانده اند، به سوی فحشاء و ناموس فروشی کشیده نشوند؛ بلکه مزاجت آنان با مردان، با اجراء عقد و ثبت در دفتر و با نگه داشتن عده و معلوم بودن پدر طفل باشد. فرزند آنها حلال زاده باشد و ازدواجشان رسمی و شرعی (۲۰۳)

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: پیروی نکنید از آلوده نسبهای که همراه آب صاف خودتان گل و لای ایشان را نوشیدید و تندرستی خود را با بیماری آنان آمیخته کردید و در راه حق خود، روش باطلشان را داخل نمودید. (۲۰۰)

گیسوی زن دراز است و عقلش گردد. زن را جوان بگیر و جگر را گرم بخور.

ἰϋḥσTṽψ ἰϋ γ̄ ἠϣ̄ ṽεṽ QZΣFε ἰϋḥTṽψ ἰϋ
.ἠzã̄ ἰ, ἠzλI

اگر می خواهی همه دنیا از مطلبی با
خبر شوند، به زن بگو.
زن را چون بطری محکم نگهدار.
دختران که همه خوبند پس زنان بد از
کجا می آیند؟
زن زیبا بهشت چشم و دوزخ روح و برزخ
جیب است .
زن در پائیز عاقلتر از مرد در بهار
است .
زن هیچگاه از زن تمجید نمی کند.
آب در غربال بهتر می ماند تا راز در
دهان زن .

ٲٲٲٲٲ

بدنامی زن زایل شدنی نیست .
زن کچل به موهای دختر خاله اش می
نازد .
زن باید با مردی که او را دوست دارد ،
ازدواج کند ، نه با مردی که طرف عشق اوست
.

زن شری است مورد نیاز.
 مردی که زن می گیرد، مثل کسی است که
 میمون می پروراند. او باید مسئول
 خرابکاریش هم باشد.
 زن اسلحه ای به جز زبان ندارد.
 زن زشت درد دل است و زن زیبا دردسر.
 زن در ۱۰ سالگی فرشته ، در ۱۵ سالگی
 طاهره ، در چهل سالگی ابلیس و بعد از آن
 عفریته است .
 کسی که زن را دوست ندارد پستان خوک را
 مکیده است .
 سگ همیشه قابل اعتماد است و زن تا
 اولین فرصت .
 زن به رویت می خندد و گلویت را می
 برد.
 به زن بگو زیبایی تا از خوشی دیوانه
 اش کنی .
 زنی که بزک می کند تابلوی « به اجاره
 داده می شود» را نصب می کند.
 زنی هر اندازه به سر و وضع خود دقیق
 باشد، نسبت به خانه و زندگی بی قید است
 .
 اگر زن به اندازه خوبیش کوچک می بود،
 سراپایش با يك پوست نخود پوشیده می شد.
 نصیحت زن چیز مهمی نیست ، ولی کسی که
 آنرا نپذیرد دیوانه است .
 فکر زن و باد زمستانی اغلب متغیرند.
 دختر عقیف اگر پایش شکسته باشد، بهتر
 است تا برای تفریح از خانه دور ماند.
 زن و موسیقی تاریخ بردار نیست . (۲۰۷)
 از زن ریشدار و مرد بی ریش بر حذر باش

~ - üYzPüGFø

زن و گوسفند را باید زود به خانه آورد
(و گر نه نصیب گرگ می شوند.)
۱۷- پشتوها عقل زن زیر پای اوست .

زن خوب آنست که یا در خانه باشد یا در
گور.
مردان چون کوهند و زنان چون اهرم .

خانه بدون زن مثل چمن بدون شبنم است .
دود و چکه و زن غرغرو، مرد را از خانه
فرار می دهد.
محال است که سگ را از عوعو کردن و
خروس را از قوقولی قوقو کردن و زن را از
غرغر کردن بازداشت .

زن زشت و مال کم ، قلعه و حصار لازم
 ندارد .
 اگر مردی به زنش خیانت کند، از خانه
 به خیابان تف انداخته است و اگر زنی به
 شوهرش خیانت کند، از کوچه به خانه تف
 انداخته است .
 پسرت را در اتاق و زنت را در بستر
 نصیحت کن .
 چنانکه حباب می ترکد، زن راز افشا می
 کند .
 مرد گمان می کند که می داند ولی زن
 معتقد است که بهتر می داند .
 وقتی مردی دیوانه زنی می شود باید صبر
 کرد، خود آن زن او را عاقل می کند .
 وقتی زن با لبانش می گوید « نه » با
 چشمانش می گوید: « بله »
 زن از مصیبت دیگران خوشحال و از
 نعمتشان بدحال می شود .
 کاخ بزرگان را زن پر کرده و کلبه فقرا
 را بچه .

() ūY2eZUŪh

مرد خود ثابت و مستقل است ولی ثبات و استقلال زن به مرد است .

() ŷY2TŷFø̄eF

زن را هم مانند سگ می شود به يك تکه
استخوان اغوا کرد.

از آشپز خوب و زن جوان بر حذر باش .
زن صابون مرد است
زن زشت درمان واقعی عشق است
انتخاب زن و هندوانه مشکل است
بدون زن ، مرد موجودی خشن و نخراشیده
است
مردی از چوب به زنی از طلا می ارزد .
به زنی که دم از تقوی زند اعتماد مکن
•
زن و کشتی همیشه در معرض واژگون شدن
هستند .

űYzhT!łI

زن را از ده بگیر نه از خیابان .
در خانه ، نه شاخ بز لازم است و نه
ثروت زن .
مرد برای کار از خانه بیرون می رود و
زن برای اینکه او را تماشا کنند.

زن قلعه ایست که مرد زندانی آنست .
تمام شعور زن در خانه است ، اگر از آن
خارج شد فاقد ارزش می گردد. (۲۶۳)
اگر زن خوب بود، خدا هم یکی برای خودش
درست می کرد.
اسلحه زن اشك اوست .

اکنون به نکاتی چند اشاره می‌کنیم :

۱- برخی از این ضرب المثلها حقایقی است روشن که ملتی در اثر مطالعه و آزمایش چندین صد ساله به آن رسیده است ، آنها را نباید تنها به عنوان چاشنی و نمک کتاب به حساب آورد بلکه بعضی از آنها به راستی سحر بیان است و معجزه قلم . مانند مثل استونیها برای زن زیبا و دومین مثل کردها .

اگر در ماخذ اسلامی عین این مثل ها پیدا نشود، ولی همان معانی به صورت و لفظی دیگر بیان شده است ؛ مانند مثلهایی که درباره پرهیز از ازدواج با بیوه زن و پیره زن گفته اند که در اسلام به صورت تشویق به ازدواج با دوشیزه باکره بیان شده است .

۲- اندکی از این ضرب المثلها نه واقعیت دارد و نه حقیقت ، بلکه در اثر رفتار بد زنان معدودی آن جمله پیدا شده است . شاید هم مثل شایع نباشد .

۳- شاید بعضی بگویند: مثلهایی که زن را زشت و منفور جلوه می‌دهد، اکنون در اروپای متمدن به کار نمی‌رود. آن مثلها، در زمان پیش از انقلاب فرهنگی اروپا مرسوم بوده است . می‌گویم شاید چنین باشد، ولی حقیقت این است که این مثلها در اثر مطالعه هزاران سالی که انسان بر روی موجود « زن » کرده است پیدا شده و يك حقیقت طبیعی و تاریخی است ولی اکنون اگر به کار نرود به خاطر عارضه سالوسی امپریالیسم جهانخوار است که می‌خواهد در برابر زن چاپلوسی کند تا او را به دام لعنتی خود اندازد، چنانکه در درس قبل توضیح دادیم .

۴- بیشتر این ضرب المثلها، از نظر اسلام قابل تخصیص است، بلکه می توان گفت هیچیک از آنها کلیت مطلق ندارد چنانکه از مثلهای متناقض پیداست: روسها و نروژیها، زدن زن را توصیه می کنند و سوئدیها زدن زن را موجب تعطیل کار و گرسنگی کشیدن مرد می دانند.

۵- گویندگان این مثلها، غالباً حقیقت را دریافته اند، ولی بعضی از آنها در مقام عبارت و بیان، راه مبالغه و افراط پیموده اند، ولی اسلام در همه موارد - زن را چنانکه هست، بدون کم و زیاد معرفی نموده است. هیچگاه در اسلام زن بدتر از شیطان و همدیف آتش و طوفان معرفی نمی شود.

۶- ظرافت و لطافت ادبی را در بیشتر این مثلها نباید فراموش کرد و از همه آنها نمی توان معنای مطابقی را انتظار داشت مثل جمله « اگر زن خوب بود خدا یکی برای خودش انتخاب می کرد.»

۷- هیچیک از این ضرب المثلها که نمایانگر فرهنگ و طرز فکر ملتهاست در احترام زن به پای اسلام نمی رسد. کدامیک از این ضرب المثلها، شخصیت والای زن را مانند مفهوم والا و عمیق « خدا و امانت » را چنانکه مسلمان می فهمد، بفهمد؟ این آفریننده زن و مرد است که می گوید زن و شوهر لباس یکدیگرند.

۸- بدون استثنا از تمام ضرب المثلها، اصالت و تقدم مرد در زندگی زناشویی فهمیده می شود و طفیلی بودن و تاءخر و فرعی بودن زن. در تمام این ضرب المثلها یکی مانند «هن لباس لكم و انتم لباس هن» یافت نمی شود که تساوی و برابری این دو جنس را بفهماند. اسلام اگر تقدم مرد را بر زن مطرح می کند مانند (رجال قوامون علی النساء) است که

دلیل آنرا در درس بیست و چهارم بیان
کردیم .

۲۳۴- و تلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون .

این مثلها را برای مردم می زنیم شاید فکر کنند.

حکما و فلاسفه بزرگ بشر، برای تفهیم مطالب خویش زحمتهای کشیدند، قیاسها و برهانها ساختند و علمی جداگانه به نام « منطق » بنا نهادند. اینان سخن انبیا را « خطابه » خواندند و از قیاس و برهان خویش نازلترش دانستند، ولی در آخر قبول کردند که مانند بو علی سینا هم نتوانست صمیمی ترین شاگرد خویش (بهمنیار) را به آوردن جام آبی در هوای سرد وادار کند، در صورتی که انبیاء الهی طی قرون متمادی ، میلیاردها بشر نادان و درس نخوانده و هم فلاسفه و دانشمندان درس خوانده را به راه مستقیم واداشته و از کارهای زشت منع نموده اند.

يك مسلمان متعهد الفبا نخوانده رامی بینی که اگر کسی واقعا تمام دنیا را به او بدهد و بگوید: « این جام شراب حرام را بنوش » نمی نوشد، ولی دانشمند بزرگ و استاد اساتید پزشکی را می بینی که در این مقام می گویند: « کیفیت زندگی بر کمیتش ترجیح دارد» و می نوشد.

انبیا الهی نقطه حساس دل انسان را پیدا کرده و درست انگشت خود را روی همان نقطه می گذارند و این کار را هم به برکت وحی آسمانی و ارتباط با عالم غیب الهی انجام می دهند و خود باور دارند و صریحا اعتراف می کنند که : « ان اءتبع الا ما یوحی الی » ولی فلاسفه و اندیشمندان بشر، در این وادی کمیتشان لنگ است ، بلکه اصلا

کمیتی ندارند که لنگ باشد یا چابک و زرنگ .

انبیاء الهی هزاران سال است که میلیاردها بشر غارنشین و گوسفند چران و خرکچی را به ازدواج و همسری تشویق کرده و با تعلیمات ساده و همه کس فهم ، میان زن و شوهر، محبت و الفت ایجاد نموده و راههای انحرافی غریزه را به همان صورت زشتش به آنها نمایانده و در نتیجه خانواده هایی که پدر بزرگ و مادر بزرگش بیش از صد فرزند و نواده و نبیره خود را با کمال صحت جسم و سلامت نفس ، به چشم خود دیده اند، تربیت کرده اند.

ولی از زمانی که دانشمندان روانشناس و جامعه شناس پیدا شدند و قلم به دست گرفتند و زن و شوهر را نصیحت و راهنمایی دلسوزانه یا مغرضانه کردند، نظام خانواده ها متزلزل و گسیخته گشت : طلاقها زیاد شد، ازدواجها در سنین بالا و پس از خاموشی شعله شور و نشاط، انجام گرفت . اختلافها بر سر حجاب و بی حجابی زن ، اداری یا خانه دار بودن او، درس خواندن یا نخواندن دختران و مدل شرقی یا غربی را پذیرفتن پیش آمد و لقمه های نان به خون گلو آلوده گشت و ضعف اعصاب ، بیماری عمومی خانواده ها شد.

در این میان تنها خانواده ای نجات پیدا کرد و با عزت و شرف زندگی نمود که در پی دستورات بسیط و ساده انبیا بود و همانها را بازگو کرد و به کار بست و تنها دانشمند و نویسنده ای موفق گشت که اولاً در تعلیمات انبیا غور و تفحص نمود و سپس با بهره گیری از علوم اصول و فلسفه و روانشناسی و جامعه شناسی و منطقی که خوانده بود، دقایق و لطایف آن تعلیمات آسمانی را دریافت و به دیگران تحویل داد .

در میان افراد بشر، ابعاد سه گانه
مذبور، احیانا در طول یکدیگر قرار گرفته
و هر بعدی به دسته و صنفی خاص، مناسبت
یافته است: ذوق را گروه شعرا و عرفا هم
پسندیده اند و تحقیق را فلاسفه و حکما و
تعهد را درس نخواندگان و صافی دلان.
گاهی هم مردمی پیدا شده اند که همت عالی
تری نموده و از رهبران دینی خود پیروی
بیشتری کرده و تا حدی از دو بعد دیگر هم
سهمی گرفته اند و یا در همه ابعاد،
برجسته و نمونه گشته اند.

ادله این درس ، در بیان توضیح درس گفته شد، بلکه تمام آیات و احادیثی که در این کتاب بیان نمودیم ، از ادله این درس محسوب می شود. در اینجا یکی دیگر از احادیث مربوط به ذوق را از امیرالمؤمنین علیه السلام ذکر می کنیم :

۲۳۵- تزوجوا سمراء عیناء عجزاء مربوعه فان کرهتها فعلی مهرها.

علی علیه السلام فرمود: زنی را به همسری بگیر که گندم گون و چشم درشت و درشت کفل و میان قد باشد. اگر او را نخواستی مهرش به گردن من ^(۲۶۸) پیدا است که اگر چنین شرطی را نمی گذاشت ، هر مرد نالایقی که از همسرش ناراضی بود، او را می کشت و می گفت : دیدم که زنا می داد.

موضوع مهمی که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد این است که : شارع اسلام از طرفی کیفر زنا دادن زن شوهردار را سنگسار شدن معین فرموده است تا مسلمین بدانند که چون این عمل ، موجب خلط انساب و تزلزل خانواده می گردد، در نهایت قبح و زشتی است و چنین کیفر سختی دارد و از طرف دیگر، راه اثبات آنرا دیدن شاهد عادل قرار داده است ، تا اشاعه فحشا نشود و انجام این عمل به گوش کسی نرسد و مردم فکر کنند: اصلا ممکن نیست کسی خود را مسلمان بخواند و دست به چنین عمل ناشایستی زند.

این است حکم قطعی و مسلم اسلام نسبت به عمل زنا لیکن برخی از مسلمین را می بینیم که به محض اینکه دو نفر از اشخاص موثق و یا غیر موثق ، زن یا مرد را به زنا متهم می کنند. درباره او بد گمان می شوند و حکم سنگسار شدن در نظرشان مجسم

می گردد. در صورتی که دستور اکید اسلام این است که به چنان سخنی نباید گوش داد، بلکه گوینده آن سخن ، مجرم است و باید ۸۰ ضربه شلاق بخورد، حتی اگر پنجاه نفر و بیشتر بیایند و بگویند ما دیدیم که این مرد و زن نامحرم به اتاق خلوتی رفتند و درها را بستند و پرده ها را انداختند به اضافه دهها قرینه دیگر، پس « حتما زنا کرده اند» در صورتی که در میان آنها چهار نفر عادل نباشد که اصل عمل را دیده باشند، همگی آنها باید شلاق بخورند. و آن زن و مرد تعزیری کمتر از حد را سزاوار می شوند که البته گاهی به بیشتر از ۸۰ ضربه هم می رسد.

۲۳۶- والذین یرمون المحصنات ثم لم یاءتوا بأربعة شهداء فاجلدوهم ثمانین

جلده ولا تقبلوا لهم شهادة اءبدا واولئک هم الفاسقون .

کسانی که به زنان پاکدامن نسبت زنا دهند و چهار شاهد نیاورند، ایشان را هشتاد تازیانه بزنیید و دیگر هرگز شهادتی از آنها نپذیرید که آنها فاسقند. (۲۷۰)

۲۳۸- ساءلت اءبا عبدالله علیه السلام عن المراءه الفاجره یتزوجها الرجل المسلم قال : نعم و ما یمنعه و لكن اذا فعل فلیحصن بابہ مخافه الولد.

از امام صادق علیه السلام پرسیدم : زنی که زنا می دهد، مرد مسلمان می تواند با او ازدواج کند؟ فرمود: آری چه مانعی دارد؟ ولی اگر با او ازدواج کرد، باید در خانه خود را ببندد مبادا همسرش فرزند نامشروعی بیاورد.

(در اینجا هم بعضی از مردان شهوت پرست ، جمله اول امام صادق علیه السلام را می شنوند، ولی جمله دوم را فراموش می کنند. (۲۷۲)

۳۴۰- قال اءبو جعفر علیه السلام : صلہ الارحام تزکی الاءعمال و تنمی الاءموال و تدفع البلوی و تیسر الحساب و تنسی فی الاءجل . امام باقر علیه السلام فرمود: صلہ رحم ، اعمال را پاک و اموال را بابرکت و بلاها را دفع و حساب قیامت را آسان می کند و اجل را به تاءخیر می اندازد. (۲۷۴)

۲۴۲- قال علی علیه السلام : من اءشرف اءفعال الکریم غفلته عما یعلم ؛

علی علیه السلام فرمود: از جمله شریف ترین اعمال شخص کریم این است که از آنچه می داند و می فهمد (از بد رفتاری دیگران) تغافل کند (و خود را به نادانی زند. (۲۷۶)

سخن علی علیه السلام به قدری عمومیت دارد که عباراتی از قبیل : در هر جائی سخنی مناسب گفتن و از هر چیزی استفاده مناسب کردن و بلکه هر چیزی را چنانکه هست شناختن و در مغز خود، در جای مناسبش گذاشتن را شامل می شود.

۲۲۴- کلما حسنت نغمه الجاهل ازداد قبحا فیها.

نعمتی که جاهل دارد هر چند نیکو باشد، او به خاطر جهلش بر زشتی آن می افزاید (مانند گربه ای که گوشت را به خاک می مالد و می خورد. ^(۲۷۸))

مگر اینها نمی دانند که خودشان هم داماد مرد دیگری هستند یا نمی دانند که رفتار امام آنها با دامادش چگونه بوده است ؟

البته داماد هم باید، در برابر پدر زنی که از او احترام می کند، سعه صدر و بزرگواری نشان دهد، تنگ حوصله و کم ظرفیت نباشد، از احترام پدر زن مغرور نشود. خود بزرگ بین و مستکبر نگردد. و بداند که از نظر اسلام ، احترام به پدر زن و معلم ، مانند احترام به پدر خود انسان لازم است .

پدر زنی را دیدم که روزی به دامادش سخن امام چهارم را گفت و روزی هم يك داماد، در برابر پدر زن می گفت : زن من مثل زنهای دیگر نیست ، او فرشته است اگر يك روز نباشد زندگی من معطل است و باید پایم را به طرف قبله دراز کنم ، آری رابطه پدر زن و داماد از نظر اسلام باید چنین باشد.

۲۴۵- قال ابو عبد الله عليه السلام : كان علي بن الحسين عليه السلام اذا اءتاه ختنه علي ابنته اءوعلى اخته ، بسط له رداءه ، ثم اجلسه ، ثم يقول : مرحبا بمن كفى المؤمنه وستر العوره .

امام صادق عليه السلام فرمود: علي بن الحسين عليه السلام چنين بود كه هر گاه شوهر دختر يا شوهر خواهرش نزد او مى آمد، عبايش را پهن مى كرد و او را بر آن مى نشانيد، سپس مى فرمود: « مرحبا به كسى كه زحمت را برداشت و عورت را حفظ كرد. » (۲۸۰)

اختلاف مالی

زن و شوهر، هر گونه اختلافی با یکدیگر داشته باشند منشا و ریشه آن اختلاف غالباً شش امر است که یکی از آن امور، خارجی است یعنی از ناحیه دخالت دیگران حاصل می شود و پنج امر دیگر داخلی است، یعنی از سوی خود زن و شوهر است، ما این شش امر را در شش درس توضیح می دهیم و دستور اسلام را درباره علاج آن بیان می کنیم و از خداوند متعال برای مسلمین توفیق عمل می طلبیم :

اول : اختلاف مالی است ، چنانکه مثلاً مهریه زیادی برای زن معین شده باشد و شوهر پشیمان گشته و هر روز بهانه ای بگیرد و جر و بحث درست کند تا زن را راضی نماید که مهریه خود را به نحوی کم کند یا نگیرد.

چنین شوهری باید بداند که دستور اسلام این است که اگر مردی قصد ندادن مهریه زنش را داشته باشد، گناهش مانند زناکار و یا سارق است و اگر بالاخره نپردازد، مدیون زن باقی می ماند تا در قیامت به حسابش رسیدگی شود.

شوهر باید بداند: صریح دستور قرآن کریم است که اگر پوست گاوی پر از طلا هم مهریه زن قرار داده شود، باید بدون اندکی کاهش و تا آخرین دینار آن مهریه را بپردازد.

شوهر باید بداند که زن حاضر شده است ، به خاطر قولی که داده و یکبار کلمه بله را گفته است ، عمری با شوهر خود بسازد از پدر و مادر مهربان خود ببرد. و در خانه دیگر و با مردی دیگر و مشکلاتی بیشتر و افزون تر بسازد. حاضر شده است

که با چادر بیاید و با کفن بیرون رود، پس چرا مرد نباید سر قول خود بایستد و راجع به مهریه ای که قبول کرده و سندش را امضا نموده . پشیمان شود و بهانه بیاورد؟ چرا باید بدون جهت زندگی را بر خود و خانواده اش تلخ کند؟ مگر نه این است که هر عاقلی به او می گوید: می خواستی از اول فکر کنی و دفتر را امضا نکنی ؟ چرا حرفی می زنی که همه مردم تو را ملامت کنند؟ برای مرد ننگ و عیب است که زیر قول خود بزند و در برابر زنی که به قول خود وفادار است خود را پست نشان دهد، اگر واقعا مرد را مجبور کرده اند یا گولش زده اند و مهریه زیادی به گردنش گذاشته اند. او می تواند با زبان خوش و از راه قانونی وارد شود، که اگر نتیجه نمی باشد در این راه است . نه بهانه گیری و کارهای کودکانه انجام دادن .

مرد مسلمان باید توکل بر خدا کند و به کار و کسب و فعالیت پردازد و خدا را رازق و توانا بداند که خیلی بیشتر از مهریه همسرش به او برساند. باز اختلاف مالی ممکن است از طریق ثروتمند بودن پدر زن و ضعیف بودن داماد باشد، که غالبا هر جوانی در ابتدای دامادی چنین است . همان پدر زن هم ابتدا ثروتمند نبوده است . در این امور دستور عقل و شرع این است که : داماد مناعت طبع و عفت نفس به خرج دهد و چشم به مال پدر زن نداشته باشد. بر خدا توکل کند تا خدا هم او را به ثروت رساند و پدر زن هم وظیفه دارد که به دختر و دامادش تا می تواند کمک کند، علاوه بر اینکه حقوق واجبیه مالی خود را اگر استحقاق شرعی دارند می تواند به آنها بدهد، باید بداند که او بالاخره می میرد و ارثش به همین دختر می رسد، پس چه بهتر

که تا زنده است ، با دست خود بدهد تا دختر او هم با شوهرش بخورند و او را دعا کنند و او هم هر روز ناظر نزاع و درگیری دختر و دامادش نباشد.

بخش دیگر اختلاف مالی ، از راه خست مرد است در خرج کردن ، یعنی زن را سخنی دادن و در فشار مضیقه گذاشتن . این عمل از نظر اسلام زشت و نارواست ، چنانکه از نظر عقل و خردمندان هم ، دستور اسلام این است که شوهر باید به سیاست خدایی بنگرد ، و هر وقت خدا برای او روزی کمتری می رساند ، او هم خرج کند ، و هر وقت خدا به او توسعه می دهد و درآمد بیشتری بدست می آورد . او هم به خانواده اش بیشتر برسد خلاصه شوهر باید درآمدش را بدون ربا و تزویر در میان گذارد و با همسر و خانواده اش خرج کند.

دیگر از موارد اختلاف مالی که تقصیر زن است ، چشم و همچشمی او با زن همسایه و فامیل خود او یا فامیل شوهر می باشد . گاهی زن به خانه همسایه می رود . به مجلس مهمانی و عروسی می رود . لباسهای زنان و زندگی آنها را ، از لباس و زندگی خود بهتر و نفیس تر می بیند ، سپس به خانه می آید و برای شوهرش بهانه گیری می کند که لباس من و فرش و پرده ما چرا باید مانند آنها نباشد؟ قبل از هر پاسخی که شوهر بدهد ، باید بگویم : چنین زنی خام است ، جوان است ، دنبال هوی و هوس است ، مسلمانی متعهد و تمام عیار نیست . به فکر زندگی نیست ، او می گوید پیشوای من فاطمه زهرا سلام الله علیها است ، ولی سخنی می گوید که آن حضرت در تمام عمرش حتی یکبار هم به شوهرش نگفت . زن مسلمان باید قانع باشد و بداند همه مردم یکسان زندگی نمی کنند ، او باید بداند که فضیلت و شرافت زن به خانه داری و شوهر داری و

تربیت فرزندان صالح و شایسته است ، نه
مال و ثروت زیاد و لباسهای رنگارنگ .

۲۴۷- عن ابي عبد الله عليه السلام قال : من
 اءمهر مهرا، ثم لاينوى قضاوه ، كان
 بمنزله السارق .

امام صادق عليه السلام فرمود: هر کس برای
 همسرش مهری قرار دهد و قصد پرداخت آنرا
 نداشته باشد، مانند دزد است . (۲۸۲)

۲۴۹- و ان اءردتم استبدال زوج مكان
 زوج و آتيتم احديهن قنطارا (۲۸۴)

۲۵۰- لينفق ذوسعه و من قدر عليه رزقه فلينفق مما آتاه الله ، لا يكلف الله

نفسا الا ما آتاها سيجعل الله بعد عسر يسرا.

مردی که در زندگی وسعت رزق دارد، باید
 به مقدار وسعتش خرج کند و مردی که روزیش
 تنگ باشد، به مقداری که خدا به او داده
 است خرج کند. خدا هیچکس را بیش از آنچه
 به او داده تکلیف نمی کند و خدا پس از
 هر سختی آسایشی قرار می دهد. (۲۸۶) الله فهو
 اجود.

امام صادق عليه السلام فرمود: زمانی که خدای
 تبارك و تعالی به شما سخاوت نمود. شما
 هم سخاوت کنید، و چون باز گرفت ، شما هم
 باز گیرید. با خدا سخاوت فروشی نکنید
 (به خدا سخاوت یاد ندهید. مثلا قرض
 نکنید و برای خانواده خود خرج کنید،) که
 خدا از همگان سخاوتمندتر است . (۲۸۸)

۲۵۳- عن ابي عبد الله عليه السلام قال : ساءلته
 عن اتيان النساء في اءعجازهن قال هي
 لعبتك فلا تؤذها .

از امام صادق عليه السلام درباره نزدیکی با زن
 از راه عقب سوال شد. فرمود: همسرت عروسك
 و معشوق تو است . آزارش مده . (۲۹۰)

۲۵۵- قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ... كل لهو المومن
 باطل الا في ثلاث : في تاءديبه الفرس و

رمیه عن القوس و ملاعبته امرأته فانهن
حق .

پیغمبر ﷺ فرمود: هر کار لهوی برای
مومن نارواست . مگر سه عمل : تربیت اسب
تیراندازی و بازی کردن با همسر که این
سه عمل (با وجود لهو بودنش) حق است
(باطل و ناروا نیست) . (۲۹۲)

۲۵۷- قال الصادق علیه السلام ان احد کم لیاتی
اهله فتخرج من تحته ، فلو اصابت زنجیا
لتشبت به فاذا اءتی اءحدکم اهله فلیکن
بینهما ملاعبه فانه اءطیب للامر

امام صادق علیه السلام فرمود: مردی از شما نزد
همسرش می رود ولی زن از زیرش می گریزد:
در صورتی که همان زن اگر مردی از سیاه
پوستان زنگبار را بیابد به او می چسبد
(زیرا آنان زنان سفید پوست را دوست
دارند و هنگام نزدیکی ، بازی و شوخی
طبعی بسیار می کنند) پس میان تو و همسرت
باید بازی و شوخی باشد، تا امر نزدیکی
لذیتر و گواراتر شود . (۲۹۴)

اختلاف خودخواهی

اختلاف زن و شوهر گاهی بر اثر خودخواهی و غرور و تفوق طلبی است ، به طوری که هر يك می خواهد بر دیگری برتری داشته باشد. این مرض شدیدتر از دو مرض سابق است . در این مورد، شیطان قدرت بیشتری دارد. به طوری که ممکن است زن و شوهری را که در دو مرحله سابق نتوانسته است به دام اندازد، در این مرحله به دام اندازد، حتی بعضی از دانشمندان متعهدی که خود را تهذیب نموده و وسوسه شیطان را در دو مرحله سابق درك نموده و از آن جسته اند؛ در این مرحله قافیه را باخته و به دام افتاده اند. تا آنجا که روایت می گوید: کسانی که در راه خودسازی و تهذیب نفس وارد می شوند، آخرین صفت زشتی که از دل آنها بیرون می رود، خودخواهی و جاه طلبی است .

در هر حال گاهی مرد می خواهد بزرگی و تسلط خود را بر زن ثابت کند. همیشه توقع سلام کردن از همسرش را دارد. همیشه می خواهد حرف خود را به کرسی بنشانند. تنیدی می کند. تشر می زند. اگر کمی درس خوانده باشد، آیه شریفه « الرجال قوامون...» را بهانه می کند. اگر اطلاعات ناقص دینی داشته باشد، بدون اجازه بیرون نرفتن زن را از خانه پیش می کشد. مغالطه ها می کند و سفسطه ها می بافد و همسرش را افسرده و غمگین می کند و خودش را ناراحت و خشمگین نشان می دهد. در صورتی که روانشناس دقیق می فهمد، همه اینها بهانه است و علت عمده ، همان وسوسه شیطانی است که ناشی از غرور و خودخواهی اوست .

ما در گذشته آیه شریفه «الرجال قوامون...» را معنی کردیم (۲۹۶) پسران جوانی که زود ازدواج می کنند، در ابتدای زندگی این بهانه گیری ها را دارند، ولی به تدریج یا با نصیحت و اندرز بزرگان یا در اثر حوادث زندگی، مانند مریض شدن زن به واسطه بداخلاقی مرد و مختل شدن امور خانه یا در اثر به تنگ آمدن زن و چند روزی زندگی را رها کردن، این گونه جوانهای خام بر سر عقل می آیند و می فهمند که باید با همسر خویش مانند رفیق زندگی کنند. نفع و ضرر زن، نفع و ضرر شوهر است و هر دو در يك خانه زندگی می کنند. (۲۹۸)

۲۶۰- قال علی عليه السلام انك ان تكبرت وضعك الله .

امیرالمؤمنین عليه السلام فرمود: اگر تکبر کنی خدا تو را به زمین می زند. (۳۰۰)
 ۲۶۲- و قال عليه السلام من اءقبح الکبر تکبر الرجل علی ذوی رحمہ و اءبناء جنسہ .
 و فرمود: زشت ترین تکبر آن است که شخص با خویشان و همجنسانش تکبر کند. (۳۰۲)

۲۶۴- و قال عليه السلام لا یتکبر الا و ضیغ حامل و فرمود: تکبر نکند مگر شخص پست و گمنام (زیرا او می خواهد با گردن فرازی و خودپسندی برای خود، بزرگی و شهرت کاذب کسب کند. (۳۰۴)

۲۶۶- و قال عليه السلام لا یزکو مع الجهل مذهب .

و فرمود: هیچ راه و روشی با نادانی رشد نمی کند. (۳۰۶)

۲۶۸- و قال عليه السلام نعم الجهال کروضه علی مزبله .

و فرمود: نعمت برای مردم نادان مانند گلزار روی مزبله است. (۳۰۸)

اختلاف سطح فرهنگی و اخلاقی

این هم یکی از اسباب اختلاف و کدورت میان زن و شوهر است ، مقصود از « اختلاف سطح فرهنگی » این است که طرز تفکر و نحوه تربیت یکی از زن و شوهر بر خلاف دیگری باشد. مثل آنکه شوهر در خانواده ای بزرگ شده باشد و در اجتماعی تربیت یافته باشد که کلمات خشن و تند و زننده بسیار به کار می رفته و او هم به آن سخنان عادت کرده باشد، ولی زن در محیط و خانواده ای متین و مودب بزرگ شده باشد که در تمام مدت عمرش آن گونه سخنان به گوشش نخورده و فکر نمی کرده که ممکن است از دهن انسانی چنین سخنانی خارج شود.

یا زن در خانواده ای بزرگ شده است که مراعات نظافت و بهداشت را نمی کرده اند. همیشه کثیف و آلوده بوده اند. کمتر به حمام می رفته اند با گرد و خاک و مگس آشنائی بیشتری داشته اند، ولی شوهر خانواده اش ، مردمانی تمیز و نظیف و پاکیزه بوده اند. همیشه خانه و فرش و ظرف آنها شسته و براق بوده است .

پیدا است که همسری و همخوابگی چنین دو موجود متضادی مشکل و نامیمون است و همواره در آن خانه جر و بحث و داد و فریاد بلند است و مقدار اختلاف و درگیری آنها، بستگی به مقدار اختلاف سطح فرهنگی ایشان دارد:

گاهی اختلاف سطح فرهنگی به قدری شدید است که چاره بردار نیست ، مثل آنکه زن سبزی نشسته را لب نمی زند ولی شوهر به راحتی آنرا می خورد، یا آنکه زن در سخنان عادی ، کلماتی به کار می برد که شوهر از شنیدن آنها، موی براندامش راست می شود و بدنش به لرزه می افتد، یا در برابر امری که زن به سختی متاثر می شود

و می‌گیرید، شوهر کش نمی‌گذرد و قاه قاه می‌خندد. چنین ازدواجی خدا نکند اتفاق بیفتد؛ ولی اگر اتفاق افتاد، چاره‌ای جز زودتر جدا شدن از یکدیگر وجود ندارد، مگر آنکه به راستی یکی از آنها صبر ایوب و یا عقل و درایت آسیه همسر فرعون را داشته باشند تا بتواند با همسر ناجور و نابابش بسازد و تحمل کند، گاهی نصیحت کند و گاهی با استدلال و مثال آوردن و صحنه‌های مفید و موثر ایجاد کردن، از کثافت و رذالت همسر خود بکاهد و در باقیمانده هم، صبر و بردباری نشان دهد. البته اسلام این راه را بهتر از جدائی و طلاق می‌خواهد چنانکه دیدیم درسهای قبل به شوهران توصیه نمود که اگر همسر خود را نمی‌خواهید و تصمیم گرفته‌اید او را طلاق دهید، بدانید که ممکن است در وجود او خیری باشد که شما خبر ندارید و خدا بهتر از شما می‌داند.

صحبت یار ناموافق عذابی الیم است و رنجی جانکاه، ولی چنین یار ناموافقی اگر دوست و رفیق باشد، جدا شدن از او غالباً آسان است و بی‌دردسر، اما اگر یار ناموافق، همسر و همبستر باشد، گاهی عواقب تلخ و ناگوار جدایی و طلاق، بسی بیشتر و دردناکتر از جدا نشدن و صبر کردن و به فکر چاره بودن است.

- ۲۷۰- قال علی علیه السلام صحبه الاحمق عذاب الروح .
 علی علیه السلام فرمود: همنشینی با احمق عذاب روح است . (۳۱۰)
- ۲۷۲- و قال علیه السلام مصاحب الاشرار کراکب البحر ان سلم من الغرق لم یسلم من الفرق .
 و فرمود: کسی که با بدان همنشینی کند، مانند کسی است که در کشتی نشسته و در دریا حرکت کند. اگر از غرق شدن نجات یابد از ترس و دلهره نجات ندارد . (۳۱۲)
- ۲۷۴- و قال علیه السلام لیس العاقل من یعرف الخیر من الشر بل العاقل من یعرف خیر الشرین .
 و فرمود: عاقل آن نیست که خیر را از شر تمیز دهد، بلکه عاقل آن است که بهترین دو شر را بشناسد. (یعنی شری که زیان کمتری دارد انتخاب کند) (۳۱۴)
- ۲۷۶- قال علی علیه السلام : النمیمه شیمه المارق
 علی علیه السلام فرمود: سخن چینی خوی کسی است که از دین اسلام خارج باشد . (۳۱۶)
- ۲۷۸- و قال علیه السلام اکذب السعایه و النمیمه . باطله کانت اء و صحیحه بدگویی و نمایی را تکذیب کن . چه درست باشد و چه نادرست . (۳۱۸)
- ۲۸۰- و قال علیه السلام من صدق الواشی اءفسد الصدیق .
 و فرمود: کسی که سخن چین را تصدیق کند، دوست راستین خود را از دست می دهد . (۳۲۰)

طلاق

واقعیت این است که روابط زناشویی بیشتر مسلمین در زمان ما با دستورات اسلام، مخالفت دارد و بسیاری از موارد، در نقطه مقابل آنست.

اسلام برای رفع اختلاف زن و شوهر، دستور تعیین حکمین و رسیدگی آنها را می دهد، ولی عمل به این دستور در بین مسلمین کمتر دیده می شود.

اسلام برای پیش نیامدن اختلاف بین زن و شوهر، دستور سلام کردن و خداحافظی کردن و پیشباز و بدرقه رفتن و سوغات آوردن و عیدی خریدن و آن همه عوامل محبت انگیز دیگر می دهد، ولی مسلمین کمتر به آن عمل می کند.

یکی دیگر از اموری که رفتار مسلمین طبق دستور اسلام نیست، موضوع طلاق است. صریح آیه قرآنست که یا به خوبی و خوشی با زنتان زندگی کنید و یا به خوبی و خوشی او را طلاق دهید، یعنی وقتی دیدید که نمی توانید که با یکدیگر زندگی کنید، برای آخرین بار صورت یکدیگر را ببوسید و از هم جدا شوید. اما تا وقتی که کار به طلاق بکشد، از نظر اسلام فاصله و مقدمات بسیاری لازم است.

زن و شوهر باید بدانند که طلاق مبعوضترین و منفورترین کار حلال نزد خداست که فقط هنگام ضرورت و ناچاری باید واقع شود. شوهر نباید به مجرد بد آمدن از زنش به فکر طلاق افتد.

در درسهای پیش گفتیم که خداوند متعال می فرماید: تو نمی فهمی و من بهتر میدانم: حال که این زن قسمت شده است. با او بساز و صبر کن و احتمال بده که در آینده از جانب او خیری که گمان نداری به

تو برسد، از فرزندى که مى آورد، از يك کلمه مفيدى که از دهانش مى پرد، از طرف فاميل و خویشانش و دهها مورد ديگر که فقط خدا مى داند.

و نیز اگر با همسر خویش اختلاف دارید، بين خود و خدا فکر کنید و ببینید، آن اختلاف مالی یا غرورى یا غریزى ، یا چیز ديگر است و تا ممکن است ، علت را بیابید و راه چاره را پیدا کنید، تا به توافق برسید و اگر به توافق نرسیدید - و بدانید که هرگز دو انسان به توافق کامل نمى رسند - صبر و گذشت داشته باشید، و مثلا فرض کنید: مدتی با کسی در مسافرت هستید و ناچارید با او بسازید، به امید فرج باشید و موضوع حکمین را هم فراموش نکنید.

البته هر کسی با مقدماتی که پیش خود فکر کرده است و برای خود ساخته است ، به این نتیجه رسیده است که من ديگر با این همسر نمى توانم زندگى کنم ، ولى خداوند متعال هم تعیین حکمین را برای چنین موردی قرار داده است . فکرها و برداشتها یکسان نیست . پیرها و تجربه دیده ها چیزهایی مى فهمند که جوانان نمى فهمند. تا کنون هزار سال است که نصیحت نتیجه بخشیده و باز هم نتیجه مى بخشد.

شوهر جوان فکر مى کند که اگر زنى ديگر بگیرد، زندگى بهتری خواهد داشت ، ولى او نمى داند که نخستین اشکال ، سازش زن ديگر با فرزند اوست که از زن پیشین دارد این موضوع فطرى و طبیعى زنان است که فرزند هووى خود را دوست ندارند.

شوهران اجازه دهند، حکمین سرگذشتها و تجربه هایی را که دیده اند از مردانى که زن خود را طلاق داده اند برای آنها بازگو کنند.

خلاصه همان خداوندی که اختیار طلاق را بدست شوهر داده و او را در فکر و عمل آزاد گذاشته است ، موضوع حکمین را دستور می دهد. اگر چنین بود که هر شوهری بگوید: من با حسابهایی که کرده ام ، نمی توانم با این زن زندگی کنم و باید او را طلاق بدهم ؛ که خداوند دستور تعیین حکمین و مشورت با بزرگان را نمی داد.

معمولا زنها سازگارترند، مخصوصا زنان مسلمان ، آنها با وفاترند، آنها با عاطفه ترند، ولی اگر خدای ناخواسته زنی به فکر بیفتد که این شوهر به درد من نمی خورد و باید شوهر دیگری بگیرم ، باید بداند که :

« به هر کجا که رود آسمان همین رنگ است »

زن باید این کتاب و نظیر این کتاب را با دقت بخواند. شوهرداری را یاد بگیرد. درسهای اسلام را در امر شوهر داری از صدا زدن شوهر به نامهای خوب گرفته تا گاهی پیشباز و بدرفته و زینت کردن و زبان خوش داشتن و به سخنان شوهر گوش دادن و آنچه را تا به حال گفتیم ، انجام دهد. آنگاه یقین بداند که اگر شوهرش طبعاً خشن و بدخو باشد، نرم و ملایم خواهد شد و به راه خواهد آمد.

فراموش نمی کنم زن متین و با حوصله ای را که خیلی پیش در روستایی می دیدم شوهرش آشکارا مشروب می آشامید و در جلو دکانی با دهان کف کرده می افتاد. آنها در آن وقت ۳ فرزند داشتند. شنیدم ، آن زن بارها شوهرش را نصیحت می کرد که ای مرد خجالت بکش ، تو پدر سه فرزند شده ای به این اطفال معصوم رحم کن از این کار زشت دست بردار؛ ولی شوهر گوش نمی داد و باز هم می خورد و زهر مار می کرد شاید نزدیک ده سال آن زن صبر کرد، نصیحت کرد

و طلاق نگرفت تا شوهر توبه کرد و اکنون زندگی خوبی دارند و دارای عروس هم هستند و شوهر پیش آن زن و آن همه فداکاری و بردباریش سرافکنده و شرمسار است و ثناخوان و سپاسگزار.

زندگی فراز و نشیب دارد، غم و شادی دارد، ثروت و تنگدستی دارد، زن و شوهر عاقل باید با خوشرویی با همه این حوادث مواجه شوند و بدانند. که «در اثر صبر نوبت ظفر آید». در ناملايمات و سختیها، زود از جا به در نروند و بی تابی نشان ندهند که بی تابی نشانه ضعف انسان است. خلاصه بعد از همه این فکرها و صبرها و حوصله ها، اگر چاره ای نبود. و حکمین رای به طلاق دادند. باید زن و شوهر بدانند که صلاح آنها در جدایی است. با خوبی و خوشی از یکدیگر جدا شوند. شوهر تمام مهریه زن را بپردازد، علاوه بر مخارج زمان عده و حقوق دیگری که در شرع اسلام معین شده است، و او را با کمال رضایت رها کند.

۲۸۲- عن ابي عبدالله عليه السلام قال : ما من شىء مما اءحله الله اءبغض اليه من الطلاق و اءن الله عز و جل يبغض المطلاق الذواق .
 امام صادق عليه السلام فرمود: از آنچه خدا حلال کرده است ، چیزی نزد او منفورتر از طلاق نیست و خدای عزوجل مردی را که زیاد طلاق بدهد و قصد چشیدن زنان را داشته باشد .
 مبعوض می دارد .^(۳۲۲) بهترین وقت جماع زمانی است که مرد بعد از آن ، احساس کند بدنش از فضولات سبک گشته و روحش بهبود یافته و احساسش روشن و بیدار گشته است .^(۳۲۴)

دکتر جزایری گوید: راهبان و پارسایان در فصل بهار پنج انگشت (فلفل بیابانی) را زیر بدن خود فرش می کنند تا شهوت بر آنها غلبه نکند .^(۳۲۶)

احتلام

برای جلوگیری از احتلام ، باید معده و مثانه خالی باشد، جوان باید شبی چند بار، برای ادرار کردن بیدار شود و قدری آب سرد روی آلت بریزد و سر شب غذای سبکتری بخورد و نیز بستن کمر با پارچه یا شال مفید است .^(۳۲۸) روشهای قدیمی از این قرار است :

۱- خوردن دو گندم ریشه « نروک » سبب می شود که دیگر زن آبستن نشود و اگر شوهر هم بخورد عقیم می شود.

« نروک » گیاهی است که در یکی از کوههای کرمان که کنام پلنگ است می روید اسم عربی آن « دواء النمر » است . ریشه اش شبیه به سولنجان و بوته اش شبیه بوته خربزه است .^(۳۳۰) سفید یا سیاه بخورد.

۷- زن از روز پنجم عادت تا روز بیست و چهارم پس از عادت ، روزی يك عدد میخك بلع نماید .^(۳۳۲)

ὑγιῆς ἀεὶ ὑπῆρξεν

برای معالجه سنگ مثانه : دکتر جزایری ، دم کرده برگ درخت گلابی و سیب ، آب سبزی بولاغ اوتی با روغن زیتون ، آب خیار و چیزهای دیگر را توصیه می کند. ^(۳۳۴) و در کتاب « زن و شوهر از نظر اسلام » معالجات دیگری را هم نقل کرده است. ^(۳۳۶)

mzũe:Ǻ

می گویند اگر مردی منی خود را در آب
بریزد، در صورتی که جمع شود و در ته
قرار گیرد سالم است و اگر پراکنده شود و
روی آب آید، عقیم است و نسبت به زن می
گویند: قدری سیر در میان پنجه گذارد و
با خود بردارد و پس از ۷ ساعت آنرا
بیرون آورد سپس شخص دهن او را بو کند،
اگر بوی سیر دهد، عقیم نیست اگر بود
ندهد عقیم است .

~zãTÛ -ZY# zÛUÛəF

در روایات بسیاری دیده می شود که برای تقویت باه و تکثیر نسل ، خوراکیهای مخصوصی برای مردان توصیه شده است که علم پزشکی هم تا حدی آنرا تایید کرده است ، از این قرار:

۱- گوشت چرخ کرده با تخم مرغ (کوکوی گوشت .)

۲- تخم مرغ با پیاز

۳- شیر تازه با عسل

۴- کاسنی .

۵- دم شده برگ مریم گلی برای بانوان .

(۳۳۸)

3Ãhðũ± 22ÐƒF

بی نظمی یا قطع قاعدگی زنان ، بر اثر اختلال وضع عمومی بدن ، ناراحتیهای فکری روحی ، کم خونی ، سوء تغذیه و بیماریهای حاد و شدید پیدا می شود.

گاهی ممکن است خانمی در هوای سرد و نامساعد از خانه خارج شود و با لباس خیس و بدن یخ زده به منزل باز گردد و سپس قاعدگیش بند آید و نیز عصبانیتها و هیجان و اضطرابها، حتی شوق بسیار موجب قطع حیض زنان می شود.

پزشکان برای جریان و تنظیم قاعدگی زنان ، داروهایی مانند سیاه دانه ، گل کاجیره ، افسنتین ، گل بومادران جوشانده برگ انجیر، ترب پخته ، گل زعفران ، تخم تره و جوشانده پوست درخت فندق را توصیه می کند (۳۴۰)

ἰ: zŭeŵ̄ ὕωη ζŭŭŵŭeŵ̄ ἰhθzŵ̄ ŭŵaŭ̄ γ
 : ἕŭ̄ hzIa θŭhθŭ̄

در حدیث است که خوردن به ، جنین را باهوش و شجاع و خوش قیافه می کند و از نظر پزشکان ، خربزه و خرما و شیر و کندر و اسفناج و عدس و لوبیا و باقلا و بادام و فندق و هر ماده ای که آهن دارد برای زنان باردار مفید است .

دکتر جزایری گوید: خوردن شنبلیله خام یا پخته ، جنین را گیسو بلند و پرمو می کند و روغن زیتون رنگ شما را سرخ و سفید و کبد شما و کودکتان را اصلاح می کند و اشعه آفتاب در مشکی شدن مو تاثیر زیادی دارد و صاحب موی مشکی استقامتش در برابر امراض بیشتر از دیگران است خوردن مواد کلسیم دار، سبب می شود که دندان طفل به آسانی و بدون عارضه بیرون بیاید و مادر هم به کمر درد و یا پا درد و شکستن ناخن مبتلا نشود و خوردن پستان حیوانات موجب رشد پستان کودک می شود. (۳۴۲) برای جلوگیری از تهوع مفید است . خوردن انار و پوست لیمو هم جلو استفراغ را می گیرد. (۳۴۴)

тзѣҢ Блѣ

در روایات آمده است که فرزندی که نطفه اش در اول یا وسط یا آخر ماه منعقد شود، در معرض سقط است. دکتر جزایری گوید: فقدان ویتامین «آ» جنین را در رحم می کشد، از این رو به زنان باردار توصیه می شود: جوانه غلات، لوبیا، سبزی، کاهو روغن زیتون و کنجد و پسته شام و کتان و خشخاش بخورند (۳۴۶)

خاتمه و نتیجه

در این درس مطالبی را که از دروس گذشته برداشت ضمنی شده است و بیشتر آنها با مجموع تعالیم اسلام ارتباط دارد متذکر می شویم :

۱- دین مقدس اسلام ، مجموعه ایست شامل هزاران مساله عقلی ، اخلاقی ، سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی تربیتی ، و دهها بخش دیگر.

آنچه در این جا مورد نظر است ، ارتباط و اتصال معنوی این مسائل با یکدیگر است . مسائل اسلامی به طوری است که اقتصادش به سیاست مربوط است و اخلاقش به مسائل عقلی و اجتماعی و هر يك به دیگری و نیز در میان مسائل هر بخشی ، ارتباط و اتصال کامل مشهود است ؛ به نحوی که فهم کامل و قضاوت دقیق به کل اسلام ، ممکن نیست ، مگر برای کسی که تمام مسائل اسلامی را بدون استثنا مطالعه نموده و فهمیده باشد و چنان کسی را می توان « اسلام شناس » نامید.

شاید بگویید: هر کتاب و قانون نامه ای از نظر ارتباط چنین است - غیر از کتب لغت و فهارس و تاریخهای سنواتی و مجموعه های جنگی و کشکولی - ولی تاکید نویسنده نسبت به اسلام ، به خاطر این است که : اولاً خود قرآن این مطلب را تذکر می دهد و کسانی را که به بعضی از مسائل ایمان می آورند و به بعضی دیگر کافر می شوند نکوهش می کند و ثانیاً افراد زیادی را می بینیم که يك حدیث یا آیه ای از قرآن را مطرح می کنند و در اطرافش بحثهایی نموده و اشکالات را ارائه می دهند که تمام آن مباحث ، در آیه دیگر به طور

روشن بیان گردیده و آن اشکالات برطرف شده است .

همین کتاب کوتاه که بحثی درباره روابط همسری از نظر اسلام دارد، تا کسی تمام مطالب آن را نخوانده و به خاطر نسپارد، نباید قضاوت کند که مثلاً « اسلام ، نسبت به تادیب زن ، احترام زن ، مشورت با زن ، خیر بودن یا شر بودن او چنین نظری دارد مگر آنکه تمام کتاب را یا لااقل تمام درس مربوط را با ماخذ و مدارکش رسیدگی کرده باشد.

علماء اصول می گویند: در ماخذ اسلامی ، عام و خاص و مطلق و مقید و مجمل و مبین وجود دارد و مباحث ورود و حکومت و تزاخم و تعارض و ترجیح ، همگی از مباحث بسیار مفید و لازمی است که نه تنها در ماخذ اسلامی ، بلکه نسبت به هر اساسنامه و قانون نامه ای در هر دین و مکتبی جریان دارد و فهم دقیق آن قانون و مکتب ، جز با مطالعه تمام مواد و اجرای احکام عرفی و ادبی آن قواعد ممکن نیست .

آیا ممکن است به محض اینکه ، جمله « نواقص العقول یا المرأه شر کلها» را در نهج البلاغه دیدیم ، حکم کنیم که اسلام ، زن را ناقص العقل و تمام وجودش را شر می داند؟!!

به نظر نویسنده ، این موضوع ، باید با اهمیت تلقی شود، زیرا خود اینجانب کسانی را حتی از دانشمندان دیده است که چون این گونه احادیث را می شنوند، انکار می کنند و آنها را مخالف عقل و آیات قرآن می دانند، در صورتی که به مقدار بررسی ناقصی که نویسنده کرده است ، در درس ۱۶ و ۵۲ ملاحظه فرمودید که چگونه باملاحظه آیات و احادیث دیگر، موضوع ضعف عقل و شر بودن زن عاقلانه و موجه است .

۲- دین مقدس اسلام ، بر خلاف بسیاری از علوم متداول زمان و ادیان و مکاتب غیر اسلامی ، بیشتر مطالب جزئی و تحلیلی را بیان می کند و کمتر مطالب کلی و قانونی را .

از ارکان آئین زردشت می شنویم که جمله « گفتار نیک ، کردار نیک ، پندار نیک » شعار آنهاست ، ولی توضیح و تشریح این سه جمله که به نوشتن کتابها و مجموعه های قطوری احتیاج دارد، تا کنون مشاهده نشده است و باید بگوئیم : تنها تعلیمات اسلام است که در این باره موشکافی دقیق نموده و انصافاً حق مطلب را هم ادا کرده است .

در درس دوم اشاره کردیم که کتابهای روانشناسی در عصر ما آکنده و سرشار است از سفارش و تاکید بسیار، نسبت به احترام گذاشتن به کودک و حفظ شخصیت او؛ ولی بیشتر آنها به نحو میزبان کلی و قاعده اصولی بیان می شود و کمتر به تجزیه و تحلیل مسائل می پردازد، یعنی موارد جزئی و فروع عملی را بیان نمی کنند تا راهی روشن و آسان پیش پای خواننده بگذارند.

پیغمبر اسلام ﷺ درباره شخصیت دادن به کودک ، دستور می دهد: به او سلام کنید و خود به آن عمل می کند و همچنین جمله ای را که از امام سجاد علیه السلام در آنجا نقل کردیم ، همین روش تربیتی را تایید می کند. از مجموع این دستورات جزئی ، موضوع شخصیت دادن به طور کلی نتیجه می شود، به علاوه این روش ساده و آسان و همه کس فهم است و راهی است عملی و سهل الوصول .

۳- کسانی که هنوز این کتاب را نخوانده اند، می پرسند: شما در این کتاب جانب زن را مراعات کرده اید یا جانب مرد را؟ به نفع شوهر سخن گفته اید یا به نفع زن ؟

در پاسخ باید بگویم : نویسندگان این کتاب ، در هیچ مورد عقیده و نظر خود را بیان نکرده است ، بلکه چنانکه ملاحظه می کنید، بعد از هر درسی ، دلیل آن از آیه قرآن و احادیث معصومین علیهم السلام نقل شده است ، البته ممکن است - و حتما چنین است - که قلم نویسندگان در تعبیر و توضیح بعضی از مطالب به سوی مبالغه یا مسامحه گرایش یافته و گاهی برای آقا، لغاتی جالبتر و پربارتر آورده باشد و گاهی برای خانم . گاهی نسبت به زن از تعبیری شایسته کوتاهی کرده باشد و گاهی نسبت به شوهر. از خوانندگان محترم تقاضا دارد این تقصیر را به انشاء و قلم نویسندگان نسبت دهند، نه به عقیده و نظر او. زیرا نظر نویسندگان ، جز تشریح و توضیح آیات قرآن و احادیث ائمه معصومین - صلوات الله علیهم اجمعین - درباره روابط زناشوئی و نشان دادن چهره واقعی آنها از نظر اسلام چیز دیگری نبوده است .

ولی اگر بپرسید: از نظر اسلام ، زن عزیزتر و محبوبتر است و بیشتر مورد سفارش قرار گرفته است یا مرد؟ باید بگویم : تا آنجا که نویسندگان مطالعه کرده است ، زن بیشتر مورد سفارش قرار گرفته است . و این به خاطر سیاست کلی اسلام است و همواره در قوانینش جانب مستضعف را رعایت می کند و باید هم چنین باشد. این سخن معنی ندارد که اسلام به زن بگوید: شوهرت را کتک نزن ، او را احترام کن او امانت خداست در نزد تو، زیرا زن قدرت کتک زدن ندارد و طبعاً به شوهر خویش احترام می گزارد، ولی به شوهری که قدرت زدن دارد و سرپرست و رئیس خانواده است و ممکن است خودخواهی بر او غلبه کند، باید چنین سفارشی بشود تا راه نفوذ شیطان بر نفس او بسته گردد. از طرف دیگر چون بعضی

از زنان ، به جای زور و قدرت ، مکر و حيله دارند و نسبت به شوهر خود بي وفائی می کنند، اسلام به آنها می گوید: شوهرتان را از خود ناراضی نکنید و به شوهران می گوید: از آنها بر حذر باشید و با آنها دست به عصا و با احتیاط رفتار کنید، و در هیچیک از این دو مورد، اسلام خطابش را تعمیم نداده و جنس مرد را زورگو و جنس زن را مکار و بي وفا یا کم عقل و شرور ندانسته است ، بلکه این گونه برداشت ، نتیجه کج فهمی و بی ذوقی مردان و زنانی است که آن آیات روایات را می خوانند و در آن تامل و دقت نمی کنند و یا روایات دیگر را در کنارش نمی گذارند.

۴- موضوع مهمتر از همه این امور و مهمترین موضوع این کتاب و بلکه مهمترین موضوع در تعلیمات اسلامی غلبه کردن بر هوای نفس ، در امثال فرامین الهی و دستورات اسلامی است . انسان طبق فطرت پاک و سرشت تابناک خدادادیش ، درستی و صحت تمام مسائل این کتاب و سایر تعلیمات آسمانی را درک می کند، ولی اگر در مقام عمل نتواند بر نفس سرکش خویش مسلط گردد، به همه آنها ایراد و اعتراض می کند، شبهه و اشکال وارد می سازد و آنها را مخالف عقل و منطق می خواند. یا توجیه و تاویل می کند در صورتی که در حقیقت ، آن دستورات آسمانی ، تنها مخالف نفس و شهوت اوست و آن هم برای این است که او نتوانسته است بر نفس خود غلبه کند، بلکه هوای نفس و شیطان بر او غالب آمده و زشت را در نظر او زیبا و زیبا را زشت و منفور نمایش داده است .

کدام عاقل با انصافی می تواند بگوید: آنچه از تعلیمات مقدس اسلام ، در این ۷۰ درس بیان کردیم ، موجب الفت و صلح و صفای میان زن و شوهر نمی شود؟! کدام

انسان با شعوری می تواند بگوید: هنگامی که زن و شوهر اختلاف پیدا کردند، برای رفع اختلاف آنها راهی بهتر از آنچه اسلام بیان کرده وجود دارد؟ و خلاصه کدام با انصافی می تواند بگوید: برای خیرخواهی زن و شوهر، کسی داناتر و مهربانتر از آفریدگار آنها وجود دارد؟

برادران و خواهران! و زنان و شوهران مسلمان! به وسوس شیطانی گوش ندهید. کلاه خود را قاضی کنید و بار دیگر با تامل و دقت این کتاب و نظیر این کتابرا بخوانید. درود و رحمت خدا بر شما باد.

و الحمد لله رب العالمین

۱- حمیرا مصغر حمراء است و تصغیر افاده تطف و اظهار محبت می کند، مانند:
دیدم از دور بتی کاکلکش مشکینک دهنش تنگ و چون تنگ شکر شیرینک

۲- اصول کافی، ج ۲ ص ۶۴۳

۳- در اینجا مباحث اصولی و عقلی مفصلی میان فلاسفه و محدثین وجود دارد که برخی از آنها درج ۳ و ۴ بحار و پاورقی آن مشاهده می شود. یکی از ادله ما روایت ابان در دیه بریدن ۴ انگشت زن در مقایسه با بریدن ۳ انگشتش می باشد.

۴- سوره نساء آیه ۸۶

۵- سوره ابراهیم آیه ۲۳

۶- سوره نور آیه ۶۱

۷- بحار، ج ۷۶، ص ۳

۸- بحار، ج ۷۶، ص ۴

۹- بحار، ج ۷۶ ص ۱۰

۱۰- بحار، ج ۷۶، ص ۲

۱۱- بحار، ج ۷۶، ص ۱۱

۱۲- بحار، ج ۷۶، ص ۱۱

۱۳- بحار، ج ۷۶، ص ۱۰

۱۴- وسائل ج ۱۴ / ۱۷

۱۵- کافی، ج ۲ ص ۶۷۰

۱۶- نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷

۱۷- بحار، ج ۴۹، ص ۳۵

۱۸- بحار، ج ۴۹، ص ۳۵

۱۹- بحار، ج ۴۵، ص ۴۷

۲۰- وسائل، ج ۱۵، ص ۲۵۰

۲۱- تغییر صحنه، نظیر «قول به موجب» است که علمای ادب در بحث محسنات بدیعیه ذکر می کنند، مانند:

گفت خوابت هیچ میاید به چشم گفتم آری تا به بینم روی تو
گفت چون مجنون به زنجیرت کشند گفتم آری با خم گیسوی تو
گفت سختی گفتمش آری برای روز جنگ گفت خاری گفتمش از بهر چشم دشمنان

و نیز مانند آیه شریفه « **يقولون هو اذن قل اذن خير لكم.** »

- ۲۲- غرر و درر، شرح آقا جمال ج ۲ ص ۲۶۶
- ۲۳- غرر و درر ج ۲ ص ۲۹۸
- ۲۴- نهج البلاغه خطبه ۱۹۲
- ۲۵- غرر و درر ج ۴ ص ۳۲۹
- ۲۶- بحار، ج ۷۶ ص ۶۰
- ۲۷- بحار، ج ۷۵، ص ۱۴۰
- ۲۸- اصطلاحی که ما در احکام اولیه و ثانویه به کار برده ایم غیر از اصطلاح معروف بین فقهاء عظام است
- ۲۹- وسائل، ج ۱۴ ص ۱۲۳
- ۳۰- وسائل، ج ۱۴، ص ۱۲۳
- ۳۱- روضه المتقین، ج ۸، ص ۳۶۶
- ۳۲- قواعد ص ۶
- ۳۳- قرآن کریم سوره نور، آیه ۳۰.
- ۳۴- قرآن کریم سوره نور، ی ۳۱
- ۳۵- وسائل، ج ۱۴، ص ۱۵.
- ۳۶- بحار، ج ۱۰۳ ص ۲۳۷، وسائل ۹، ج ۱۴، ص ۱۵
- ۳۷- نهج البلاغه خطبه ۱۵۱
- ۳۸- نهج الفصاحه، ص ۷۲، رقم ۳۷۸
- ۳۹- نهج الفصاحه، ص ۷۲، رقم ۲۳۸
- ۴۰- وسائل، ج ۱۴، ص ۱۸۳
- ۴۱- وسائل، ج ۱، ص ۱۷۶
- ۴۲- وسائل ج ۱، ص ۱۴۴
- ۴۳- روضه المتقین، ج ۸ ص ۳۶۷
- ۴۴- وسائل، ج ۱ ص ۴۴۳
- ۴۵- بحار، ج ۷۶، ص ۱۴۱
- ۴۶- تفسیر کبیر، ۶/۱۰۱
- ۴۷- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۰
- ۴۸- مستدرک ج ۲ ص ۵۵۱
- ۴۹- وسائل ج ۱، ص ۴۱۰، ج ۱۴ ص ۱۶۳، روضه المتقین، ج ۸، ص ۳۶۵
- ۵۰- وسائل، ج ۱، ص ۴۳۵
- ۵۱- وسائل، ج ۱، ص ۴۳۲.
- ۵۲- وسائل، ج ۱۴، ص ۱۳۵
- ۵۳- وسائل، ج ۱ ص ۴۵۳
- ۵۴- نهج البلاغه، حکمت ۶۱
- ۵۵- وسائل، ج ۲، ص ۸۹۰
- ۵۶- وسائل، ج ۱، ص ۳۵۲

- ۵۷- وسائل ، ج ۱ ص ۳۴۹
- ۵۸- وسائل ، ج ۱، ص ۳۵۳
- ۵۹- وسائل ، ج ۱، ص ۳۴۷
- ۶۰- سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۲۴
- ۶۱- بحار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۶ و ص ۲۳۷
- ۶۲- وسائل ، ج ۱۴، ص ۱۵
- ۶۳- البته مرد نباید پس از آنکه با زنی ازدواج می کند، به ریاضت پردازد، این عمل در شرع اسلام ممنوع است . زن حقوقی بر شوهر دارد که ریاضت کشیدن او مخالف با اداء آن حقوق است .
- ۶۴- نهج البلاغه حکمت ۲۳۸
- ۶۵- روضه المتقین ج ۸، ص ۹۳
- ۶۶- بحار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۴
- ۶۷- مستدرک ، ج ۲، ص ۵۵۱
- ۶۸- مستدرک ، ج ۲، ص ۵۵۱
- ۶۹- بحار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۳
- ۷۰- نهج البلاغه ، مکتوب ۳۱
- ۷۱- وافى ج ۳ ص ۱۱۹
- ۷۲- وافى ج ۳ ص ۱۱۷
- ۷۳- وافى ج ۳ ص ۱۱۷
- ۷۴- بحار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۵
- ۷۵- طغیان قلم در این دو سطر به خاطر مقابله به مثل است یعنی مخاطب ما فقط کسی است که بانویی را کتک می زند.
- ۷۶- سوره اعراف ، آیه ۳۱
- ۷۷- وافى ج ۳، ص ۱۱۷
- ۷۸- بحار ۱۰۳ ص ۲۴۹ و مستدرک ج ۲ ص ۵۵۰
- ۷۹- نهج البلاغه ، مکتوب ۱۴
- ۸۰- نهج البلاغه ، خطبه ۱۲۷
- ۸۱- بحار، ج ۱۰۳، ص ۲۸۵
- ۸۲- وسائل ، ج ۱۴، ص ۱۲۷
- ۸۳- وسائل ، ج ۱۴، ص ۱۵
- ۸۴- نهج البلاغه ، مکتوب ۳۱
- ۸۵- وسائل ، ج ۱، ص ۸۳
- ۸۶- نهج البلاغه ، مکتوب ۳۱
- ۸۷- احزاب ، آیه ۳۲
- ۸۸- قرآن کریم ، احزاب ۵۹
- ۸۹- قرآن کریم ، سوره نور، ی ۲۰
- ۹۰- وسائل ، ج ۱۴ ص ۱۷۱
- ۹۱- سوره نور، ی ۳۱
- ۹۲- وسائل ، ج ۱۴ ص ۱۴۵
- ۹۳- وسائل ، ج ۱۴، ص ۱۸۵
- ۹۴- وسائل ، ج ۱۴، ص ۱۵۱
- ۹۵- وسائل ، ج ۱۴، ص ۱۷۳
- ۹۶- بحار، ج ۲۰، ص ۳۱۰

- ۹۷- بحار ۴۳، ص ۲۷، وسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۹
- ۹۸- وسائل ج ۱۴، ص ۱۴۶
- ۹۹- وسائل، ج ۱۴، ص ۶۲
- ۱۰۰- ترجمه این دو روایت نقل به معنی شده است .
- ۱۰۱- وسائل، ج ۱۴، ص ۷۵
- ۱۰۲- وسائل، ج ۱۴، ص ۱۴۹-۱۵۰
- ۱۰۳- نهج الفصاحه، ص ۲، حدیث ۷
- ۱۰۴- نهج البلاغه، مکتوب ۳۱
- ۱۰۵- بحار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۳
- ۱۰۶- سوره روم، ی ۲۱
- ۱۰۷- وسائل، ج ۱۴، ص ۱۲۴
- ۱۰۸- سوره نساء ۳۴
- ۱۰۹- قرآن کریم، بقره ۲۲۸
- ۱۱۰- کلمه « زهو» را در کتب لغت به معنی « فخر و عظمت و تکبر و اعجاب و به نفس گفته اند که در فارسی به کسی می گوئیم که به شرافت و ارزش خود آگاه است، مناعت و بزرگواری خود را نگه می دارد و در برابر متجاوزین مغرور است و سرکش .»
- ۱۱۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۳۴
- ۱۱۲- وسائل، ج ۱۴، ص ۱۴
- ۱۱۳- وسائل، ج ۱۴، ص ۲۲
- ۱۱۴- وسائل، ج ۱۴، ص ۱۲۹
- ۱۱۵- نهج البلاغه، حکمت ۲۵۲
- ۱۱۶- بحار، ج ۱۰۴، ص ۳۰
- ۱۱۷- بحار، ج ۱۰۴، ص ۳۰
- ۱۱۸- وسائل، ج ۸، ص ۲۰
- ۱۱۹- به معنی انجام عمل جنسی زنان با یکدیگر است .
- ۱۲۰- وسائل، ج ۱۸، ص ۴۲۵
- ۱۲۱- خصال، صدوق باب سته ص ۲۹۲
- ۱۲۲- وسائل، ج ۱۴، ص ۱۴
- ۱۲۳- وسائل، ج ۱۴، ص ۱۲، بحار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۵
- ۱۲۴- وسائل، ج ۱۴، ص ۱۲، بحار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۵
- ۱۲۵- وسائل، ج ۱۴، ص ۱۱
- ۱۲۶- وسائل، ج ۱۴، ص ۱۰
- ۱۲۷- وسائل، ج ۱۴، ص ۱۱
- ۱۲۸- وسائل، ج ۱۴، ص ۹
- ۱۲۹- بحار، ج ۱۰۳، ص ۲۱۹
- ۱۳۰- وسائل، ج ۱۴، ص ۸۳
- ۱۳۱- وافی، ج ۳، ص ۱۱۶
- ۱۳۲- وسائل، ج ۱۵، ص ۲۴۹
- ۱۳۳- وسائل، ج ۱۵، ص ۲۲۷
- ۱۳۴- ما این مکالمه را با لفظ قلم نوشتیم، زیرا قلم در دست داریم، ولی زن و شوهر همین معانی را

- باید با الفاظی هر چه خودمانی تر و لهجه ای هر چه محبت انگیزتر ادا کنند.
- ۱۳۵- وسائل ج ۱۴، ص ۱۰
- ۱۳۶- اصول کافی، ج ۲، ص ۹۴
- ۱۳۷- (اصول کافی، ج ۲، ص ۹۹)
- ۱۳۸- الواعظ ج ۶، ص ۳۲۹
- ۱۳۹- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۴۴
- ۱۴۰- بحار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۰، وسائل، ج ۱۴، ص ۱۸۴، ولی عبارت حدیث در این دو نسخه متفاوتست.
- ۱۴۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۶۰
- ۱۴۲- سوره نساء، ی ۳۴
- ۱۴۳- سوره بقره ۱۸۷
- ۱۴۴- وسائل، ج ۱۴ ص ۱۵، حدیث ۴
- ۱۴۵- وسائل ج ۱۴، ص ۱۴
- ۱۴۶- غرر و درر ج ۲، ص ۳۰۶
- ۱۴۷- غرر و درر ج ۶، ص ۳۹۳
- ۱۴۸- غرر و درر ج ۴، ص ۵۱
- ۱۴۹- بحار ج ۱۰۳، ص ۲۵۴
- ۱۵۰- اصول کافی ج ۲، ص ۲۲۶
- ۱۵۱- سوره فتح، ی ۲۹
- ۱۵۲- مستدرک ج ۲ ص ۵۵۱ و وسائل ۱۲۳-۱۴- عبارت ۲ نسخه مختلف است.
- ۱۵۳- وسائل ج ۱۴، ص ۱۴۳
- ۱۵۴- بحار ج ۱۰۳، ص ۲۵۳
- ۱۵۵- بحار ج ۱۰۳، ص ۲۵۲
- ۱۵۶- سوره نساء، ی ۱۹
- ۱۵۷- بحار ج ۱۰۳، ص ۲۳۹
- ۱۵۸- بحار ج ۱۰۳، ص ۲۲۴
- ۱۵۹- بحار ج ۱۰۳، ص ۲۴۷
- ۱۶۰- بحار ج ۳، ص ۲۵۱
- ۱۶۱- الواعظ ج ۳ ص ۳۲۳، وسائل ج ۸ ص ۳۳۷
- ۱۶۲- الواعظ ج ۷، ص ۳۱۴
- ۱۶۳- سوره بقره ۲۲۳
- ۱۶۴- سوره بقره، ی ۲۲۲
- ۱۶۵- فروع کافی، ج ۲ ص ۲ و وسائل ج ۱۴ ص ۱۰
- ۱۶۶- وسائل، ج ۱۴ ص ۱۰
- ۱۶۷- وسائل ج ۱۴ ص ۷۳، خصال ج ۲ ص ۷۰
- ۱۶۸- وسائل ج ۱۴، ص ۷۲
- ۱۶۹- وسائل، ج ۱۴ ص ۱۸۸
- ۱۷۰- در این روایت نسبت به بودن « اسماء » در زبان عروسی حضرت فاطمه اشکالی است که باید تحقیق تاریخی بیشتری شود.
- ۱۷۱- مرآت العقول ج ۳ ص ۵۱۷
- ۱۷۲- وسائل ج ۱۴، ص ۱۰۰ و ۱۸۱
- ۱۷۳- وسائل ج ۱۴ ص ۷۷

- ۱۷۴- سفینه ج ۲ ص ۴۶ ، وسائل ، ج ۱۴ ص ۸۳
- ۱۷۵- وافی ج ۳ ص ۱۱۵
- ۱۷۶- وسائل ج ۱۴ ص ۱۱۲
- ۱۷۷- بحار ج ۱۰۳ ، ص ۲۳۵
- ۱۷۸- وسائل ج ۱۴ ص ۷۶
- ۱۷۹- برای توضیح بیشتر به درس ۶۹ مراجعه شود .
(سفینه ج ۱ ص ۱۸۱)
- ۱۸۰- سفینه ج ۱ ص ۱۸۰
- ۱۸۱- سفینه ج ۱ ص ۱۸۰
- ۱۸۲- سفینه ج ۱ ص ۱۸۰
- ۱۸۳- سفینه ج ۱ ص ۱۸۰
- ۱۸۴- بحار، ج ۱۰۳ ، ص ۲۵۲
- ۱۸۵- کلمه « باید » در اینجا عنوان وجوب یا استحباب ندارد، بلکه ارشاد به حکم عقل است .
- ۱۸۶- نهج البلاغه ، حکمت ، ۳۵۲ .
- ۱۸۷- وسائل ، ج ۱۵ ، ص ۹۶
- ۱۸۸- وسائل ، ج ۱۵ ، ص ۹۵
- ۱۸۹- وسائل ، ج ۱۵ ، ص ۹۵
- ۱۹۰- نهج الفصاحه شماره ۴۸۱
- ۱۹۱- نهج الفصاحه شماره ۱۲۷۲
- ۱۹۲- روضه المتقین ، ج ۸ ص ۳۲۵
- ۱۹۳- روضه المتقین ، ج ۸ ، ص ۳۸۱
- ۱۹۴- روضه ج ۸ ، ص ۳۱۸
- ۱۹۵- سوره نحل ، ی ۵۸
- ۱۹۶- وسائل ، ج ۱۵ ، ص ۱۰۱
- ۱۹۷- وسائل ، ج ۱۵ ، ص ۱۰۱
- ۱۹۸- وسائل ، ج ۱۵ ، ص ۱۰۰
- ۱۹۹- غرر الحکم ، ج ۵ ، ص ۱۶۲
- ۲۰۰- غرر، ج ۲ ، ص ۳۰۸
- ۲۰۱- غرر، ج ۴ ، ص ۱۳۲
- ۲۰۲- غرر، ج ۴ ، ص ۱۴۵
- ۲۰۳- غرر، ج ۵ ص ۳۷۸
- ۲۰۴- سوره بقره ، ی ۱۸۶
- ۲۰۵- ده وجه تشبیهی که از آیه شریفه استفاده شده از این قرار است : ۱- لزوم و وجوب ازدواج مانند لزوم لباس ۲- پیوستگی و ارتباط نزدیک میان زن و شوهر چنانکه میان پوشاک و پوشنده است . ۳- سود و زیان متقابل ۳- انتظار و توقع مناسب ۵- عیب پوشی ۶- آزادی روابط و مناسبات و لزوم عدم مداخله دیگران ۷- همکاری و تشریک مساعی ۸- استقلال هر یک از زن و شوهر و لباس و صاحب لباس در امور غیر اشتراکی ۹- تقرب مخصوص و نزدیکی کامل به نحوی که زن و شوهر محرم اسرار یکدیگرند و لباس از متعلقات دیگر انسان به او نزدیکتر است ۱۰- لزوم دقت و

مراقبت در انتخاب و نگهداری همسر مانند لزوم دقت در انتخاب و حفظ لباس .

۲۰۶- کلمه « نامطمئن » در اینجا به معنی کسی است که هنوز نسبت به او ثابت نشده باشد، نه کسی که عدم اطمینان نسبت به او ثابت شده باشد، زیرا اگر چنان باشد، نباید اصلا او را به خانه راه داد. همچنین کلمه « غیر قابل اعتماد » که در ترجمه خواهیم گفت به همین معنی است .

۲۰۷- نهج البلاغه ، نامه ۳۱ .

۲۰۸- سوره همزه ، ی ۱

۲۰۹- اصول کافی ، ۲/۳۶۰

۲۱۰- اصول کافی ، ج ۲ ص ۳۶۰

۲۱۱- اختصاص ، ص ۳۴۰

۲۱۲- نهج البلاغه خطبه ۲۰۴

۲۱۳- نهج البلاغه حکمت ۲۶۸

۲۱۴- بحار ج ۱۰۳ ، ص ۲۴۸

۲۱۵- مستدرک ، ج ۲ ص ۵۵۱

۲۱۶- استوصوا بالنساء خیرا ، ای اطلبوا الوصیه والنصیحه لهم من انفسکم واطلبوا الوصیه من غیرکم بهن اواقبلوا وصیتی فیهن واعملوا بها وارفقوا بهن واحسنوا عشرتهن . والاول للطیبی والاخیر للقاضی . قال ابن حجر و هو اوجه الاوجه . (فیض القدیر، شرح الجامع الصغیر، ج ۱ ص ۵۰۳

۲۱۷- مستدرک ، ج ۲ ، ص ۵۵۱

۲۱۸- مستدرک ، ج ۲ ، ص ۵۵۱

۲۱۹- وسائل ، ج ۱۴ ، ص ۱۲۴

۲۲۰- نهج البلاغه ، خطبه ۷۸

۲۲۱- نهج البلاغه ، نامه ۳۱

۲۲۲- اصول کافی ، ج ۲ ، ص ۳۵۰

۲۲۳- اصول کافی ، ج ۲ ص ۳۵۱

۲۲۴- اصول کافی ، مترجم ج ۳ ص ۱۶۷

۲۲۵- اصول کافی مترجم ج ۳ ، ص ۱۶۸

۲۲۶- اصول کافی مترجم ج ۳ ، ص ۱۶۸

۲۲۷- اصول کافی مترجم ج ۳ ، ص ۱۷۱

۲۲۸- به احادیث ۷۲-۴۵ اصول کافی رجوع شود .

۲۲۹- فراموش نشود که این مواد درسی تا حدی که نیاز خانمها را در کارهای تخصصی شان برطرف سازد بسیار مطلوب است .

۲۳۰- وسائل ج ۱۴ ص ۱۲۷

۲۳۱- وسائل ج ۱۴ ، ص ۱۲۷

۲۳۲- وسائل ج ۱۴ ص ۱۲۷

۲۳۳- و رجل ابله : بین ابله و البلاهه ، و هوالذی غلب علیه سلامه الصدر و حسن الطن بالناس لانهم اغفلوا امر دیناهم ، فجهلوا حذق التصرف فیها و اقبلوا علی آخرتهم فشغلوا انفسهم بها فاستحقوا ان

يكونوا اكثر اهل الجنه ، فاما الابله و هوالذی كلا
عقل له فغير مردا فی الحدیث (لسان العرب ج ۱۵ ص
۴۷۷)

۲۳۴- وسائل ج ۷، ص ۳۱۱

۲۳۵- اگر خواننده محترمی بگوید: قلم نویسنده از
بیان وظایف خانوادگی به روضه خوانی کشید. می گویم
: درست است. این حکم عقل است که باید تناسب و
ارتباط معنوی بین مطالب کتاب مراعات شود، ولی سخن
در این است که انسان چنانکه عقل دارد، عاطفه و
احساس هم دارد: کسی که روزی داستان کوفه و سر
بریده و خولی و همسرش را شنیده یا خوانده باشد،
وقتی به موضوع عقل مرد و احساس زن می رسد،
ناخودآگاه و به حکم عاطفه و احساس سر قلمش به این
سو کشیده می شود یا بگویید همان وجود عاطفه و
احساس در نویسنده بهترین مناسبت است که به حکم
عقل قلم را به این سو متوجه می سازد. جمله «
احساس باید تابع عقل باشد» در مقام قانونگذاری و
کلی گویی درست است، ولی نمی دانم آیا دانشمندان
راهی روشن برای رسیدن به این مقصود بیان کرده
اند؟

۲۳۶- نهج البلاغه خطبه ۷۸

۲۳۷- نهج البلاغه نامه ۱۴

۲۳۸- سفینه ج ۲، ص ۵۰۹

۲۳۹- نهج البلاغه نامه ۳۱

۲۴۰- وسائل ج ۳ ص ۵۵۹

۲۴۱- غرر الحکم ج ۶، ص ۴۰

۲۴۲- غرر ج ۶، ص ۴۶

۲۴۳- غرر ج ۲ ص ۴۱۶

۲۴۴- غرر ج ۳ ص ۲۹۵

۲۴۵- غرر ج ۳ ص ۳۰۳

۲۴۶- غرر ج ۶ ص ۴۰۷

۲۴۷- غرر، ج ۶، ص ۲۸۱

۲۴۸- خذوا حذرکم ، ای خذوا طریق الاحتیاط... و رجل
حاذر، ای محتزر، متیقظ (مجمع البحرین .)
حذر حذرا من باب تعب و احتذرو احترز کلها بمعنی
استعدو و تاهب (مصباح المنیر)
و رجل حذر و حذر: متیقظ متحرز (صحاح اللغه)...
محترز (اساس البلاغه).

و حاذر: متاهب کانه یحذر اءن یفاجا... و انا
لجمیع حاذرون : متاهبون (لسان العرب .)

۲۴۹- نهج البلاغه خطبه ۷۸، فیض الاسلام ص ۱۸۰

۲۵۰- قرآن کریم - سوره عصر.

۲۵۱- آیا چند ارباب پراکنده داشتن بهتر است یا
خداوند یکتای مقتدر.

- ۲۵۲- آنچه در اینجا گفتیم تمام علت جواز متعه نیست ، بلکه متعه و تعدد زوجات فوائد دیگری هم دارد که در کتب دانشمندان اسلامی موجود است .
- ۲۵۳- کلمه « ادعیاء » جمع « دعی » به معنی پسر خوانده و نیز به معنی کسی است که در نسب خود متهم باشد. در اینجا ممکن است به معنی منافق باشد. یعنی کسی که خود را دوست وانمود می کند و در حقیقت دوست نیست .
- ۲۵۴- نهج البلاغه خطبه ۱۹۰
- ۲۵۵- استونی : ایالتی در شرق دریای بالتیک و جنوب خلیج فنلاند.
- ۲۵۶- شاید مقصود اینست که این دو موجود ثابت و مربوط نیستند، بلکه در اعصار و قرون مختلف ، متفاوت می باشند.
- ۲۵۷- بوسنی : ناحیه ایست در یوگسلاوی
- ۲۵۸- داهومه : کشوری است در آفریقای غربی و ساحل خلیج گینه .
- ۲۵۹- سیام : کشوری است در آسیای جنوبی ، غرب هندوچین (تایلند کنونی)
- ۲۶۰- یکی از کشورهای اروپای جنوبی که امروزه جزو یکی از جمهوریهای متحد کشور یوگسلاوی است
- ۲۶۱- یکی از کشورهای آفریقای جنوبی که در سابق به نام (ساحل طلا) معروف بود.
- ۲۶۲- هزار آفرین بر گوینده این مثل .
- ۲۶۳- یکی از جمهوریهای کشور اتحاد جماهیر شوروی و سوسیالیستی است .
- ۲۶۴- قبایل گوناگونی بودند که در « لاسیوم = سرزمینی در کشور ایتالیا) سکونت داشتند.
- ۲۶۵- ای کاش زنها هم برای مردها ضرب المثلهایی می داشتند، در اینجا می آوریم و مقایسه می کردیم . آنچه مردان گفته بودند که معجونی بود آمیخته از راست و دروغ ، شوخی و جدی ، حقیقت و طنز، واقعیت و جک .
- ۲۶۶- سوره حشری ۲۱ .
- ۲۶۷- وسائل ، ج ۱۴ ص ۳۵
- ۲۶۸- در این روایت تصریح شده است که هر چهار شاهد باید مقاربت مرد با زن را به صورت میلی که داخل سرمه دان می شود، به چشم خود دیده باشند و معلوم است که زن و مرد را هم کاملاً باید شناخته باشند تا در محکمه علیه آنها شهادت دهند.
- ۲۶۹- سوره نور، ی ۴ .
- ۲۷۰- وسائل - ج ۱۴ ص ۳۳۳
- ۲۷۱- وسائل ج ۱۴ ص ۳۳۴
- ۲۷۲- سفینه ج ۱ ص ۵۱۵
- ۲۷۳- سفینه ج ۱ ص ۵۱۵

- ۲۷۴- سفینه ج ۱ ص ۵۱۵
- ۲۷۵- نهج البلاغه حکمت ۲۲۲
- ۲۷۶- نهج البلاغه حکمت ۲۳۵
- ۲۷۷- غرر ج ۴ ص ۶۱۹
- ۲۷۸- تعبیر زشت تر از این هم شنیده می شود که قلم از نوشتن آن شرم دارد!
- ۲۷۹- وسائل ج ۱۴، ص ۴۲
- ۲۸۰- وسائل ج ۱۴، ص ۲۴
- ۲۸۱- وسائل ج ۱۵ ص ۲۱
- ۲۸۲- وسائل ج ۱۵ ص ۲۲
- ۲۸۳- کلمه «قنطار» که در ۳ آیه قرآن آمده است، مفسرین برایش معانی بسیار گفته اند و مقادیر مختلفی معین کرده اند و این خود دلیل است بر اینکه مقصود از آن، مال بسیار است، مانند کلمه «میلیونها» در زمان ما.
- ۲۸۴- سوره نساء آیه ۲۰
- ۲۸۵- سوره طلاق، آیه ۷
- ۲۸۶- جاوده: خاخره فی الجود (اقرب الموارد). قال ابوسعید: سمعت اعرابیا قال: کنت اجلس الی قوم یتجاوبون و یتجاودون. فقلت له: ما یتجاودون؟ فقال: ینظرون ایهم اجود حجه (لسان العرب)
- ۲۸۷- وسائل ج ۱۵ ص ۲۵۹
- ۲۸۸- وسائل ج ۱۴، ص ۲۴۷
- ۲۸۹- وسائل ج ۱۴، ص ۱۰۱
- ۲۹۰- وسائل ج ۱۴ ص ۱۰۳
- ۲۹۱- وسائل ج ۱۴ ص ۸۳
- ۲۹۲- وسائل، ج ۱۴، ص ۸۲
- ۲۹۳- وسائل ج ۱۴ ص ۸۲
- ۲۹۴- وسائل ج ۱۴ ص ۸۵
- ۲۹۵- به درس ۲۴ رجوع شود.
- ۲۹۶- به درس ۸ رجوع شود.
- ۲۹۷- به درس ۴۵ رجوع شود.
- ۲۹۸- سوره لقمان آیه ۱۸
- ۲۹۹- غرر الحکم ج ۳ ص ۵۵
- ۳۰۰- غرر ج ۳ ص ۳۳۸
- ۳۰۱- غرر ج ۶ ص ۲۸
- ۳۰۲- غرر ج ۶ ص ۵۹
- ۳۰۳- غرر ج ۶ ص ۴۰۷
- ۳۰۴- غرر الحکم ج ۶ ص ۳۸۵
- ۳۰۵- غرر ج ۶ ص ۳۶۳
- ۳۰۶- غرر ج ۴ ص ۲۰۳
- ۳۰۷- غرر ج ۶، ص ۱۷۰
- ۳۰۸- غرر ج ۳ ص ۲۳۴
- ۳۰۹- غرر ج ۴ ص ۲۰۶
- ۳۱۰- غرر ج ۵ ص ۳۰۹

- ۳۱۱- غرر ج ۶ ص ۱۳۸
- ۳۱۲- غرر ج ۳ ص ۴۵۲
- ۳۱۳- بحار ج ۷۸ ص ۶
- ۳۱۴- وسائل ج ۱۴، ص ۲۷
- ۳۱۵- غرر ج ۱ ص ۲۲۷
- ۳۱۶- غرر ج ۲ ص ۲۹۶
- ۳۱۷- غرر، ج ۲ ص ۲۲۴
- ۳۱۸- غرر ج ۵ ص ۴۵۱
- ۳۱۹- غرر ج ۵ ص ۳۰۲
- ۳۲۰- سوره نساء ۳۵
- ۳۲۱- وسائل ج ۱۵، ص ۲۶۷
- ۳۲۲- غذا در بدن ۴ بار هضم می شود: ۱- در معده و امعاء ۲- در کبد ۳- در عروق ۴- در هر عضوی جداگانه (فرهنگ معین)
- ۳۲۳- ان الجماع يستفرغ من جوهر الغذاء الاخير فيضعف اضعافا لا يضعف مثله الاستفراغات الاخرى و يستفرغ من جوهر الروح شيئا كثيرا للذه و... قانون ، کتاب سوم ص ۲۷۵ چاپ سنگی .
- ۳۲۴- گلها و گیاهان شفابخش ص ۱۱۲ و ناتوانیهای جنسی ص ۹ و ۵۴
- ۳۲۵- زبان خوراکیها، ج ۱ ص ۴۹
- ۳۲۶- امیدوارم پیرمردانی که مسوول رادیو، تلویزیون مملکت اسلامی می باشند یا پیرانی که مسوولین از آنها شنوایی دارند، به فکر این جوانان که می خواهند معصوم و مهذب باقی مانند، بوده باشند و در پست گویندگی مردان را به جای زنان بنشانند. امیدوارم این بزرگان که شنیدن اینگونه صداها برایشان هیچگونه تحریکی ایجاد نمی کند، به فکر زمان جوانی خود باشند و بدانند، بعضی از جوان پاکدل در اثر شنیدن این اصوات منفجر می شوند، مطالعه را کنار می گذارند، درس و بحث را تعطیل می کنند و از خانه به سوی دیر ریاضت یا محل دیگری می روند.
- ۳۲۷- ناتوانیهای جنسی ص ۶۷ .
- ۳۲۸- پاسخ به مسائل جنسی ، فصل ۵
- ۳۲۹- زبان خوراکیها، ج ۱ ص ۲۸۹
- ۳۳۰- فرهنگ معین ، لغت انگدان
- ۳۳۱- زبان خوراکیها، ج ۱ ص ۳۵۴ و ج ۲ ص ۵۹، ۱۷۱، ۱۷۴
- ۳۳۲- و من اراد ان لا يجد الحصاه و حصر البول فلا يحبس المنى عند نزول الشهوه و لا يطل المكث على النساء (طب الرضاء، با ترجمه امیر صادقی ص ۱۲۵)
- ۳۳۳- زبان خوراکیها ج ۱ ص ۷۹، ۸۸، ۱۲۳، ۱۳۵
- ۳۳۴- بحار ج ۶۲، ص ۱۸۸ (به نقل از کتاب زن و شوهر است . باید مراجعه شود.)

- ۳۳۵- ص ۱۲۱-۱۱۹ (در این کتاب معالجه سفلیس و سوزاک را هم با دواهای سنتی نوشته است . ص ۱۲۲).
- ۳۳۶- گفتگوی يك پزشك ، ص ۸۷
- ۳۳۷- گلها و گیاهان شفابخش ، ص ۲۲۲
- ۳۳۸- از یکی از پزشکان شنیدم که این قانون ، قطعی و مسلم است ، و تخمک زن که ماهی یکبار آماده جفت شدن می شود، تنها در همین روز است و در روزهای دیگر ماه ، اگر مجامعت واقع شود، زن آبستن نمی گردد. اما عموم آنان معتقدند که در آن روز و چند روز بعد از آن احتمال حاملگی بیشتر از بقیه وقتهاست .
- ۳۳۹- گیاهان داروئی ج ۱ ص ۳۹ و ج ۲ ص ۱۲۰ و ۱۸۱ ، زبان خوراکیها ج ۱، ص ۳۸ ، ۱۸۵ و ۲۸۰ ، اسرار خوراکیها ص ۳۰۴ و ۳۲۲
- ۳۴۰- اعجاز خوراکیها ص ۲۲
- ۳۴۱- اعجاز خوراکیها ص ۲۱۹
- ۳۴۲- نزدیک شهبوار در شمال ایران است .
- ۳۴۳- زبان خوراکیها ج ۱ ص ۸۴
- ۳۴۴- اسرار سلامتی ص ۳۸
- ۳۴۵- اعجاز خوراکیها، ص ۸۲
- ۳۴۶- گلها و گیاهان شفابخش ص ۲۲۲ ، زبان خوراکیها ج ۱، ص ۳۸ و ۹۲ و ۱۰۲ و ۱۲۳ و ۲۱۶ ، ج ۲ ص ۱۸۹ و ۲۳۶ .
- ۳۴۷- زبان خوراکیها ج ۱ ص ۴۹ ، سبزیها... ص ۱۹۴
- ۳۴۸- وسائل ج ۱۴، ص ۱۸۶ ، علل الشرایع باب ۲۸۹ ، بحار ج ۱۰۳ ص ۲۸۰

فهرست مطالب

2	چند تذکر
3	این ضرب المثلها را در درس ۵۵ بخوانید
5	چاپ جدید
6	خلاصه
8	پیشگفتار
12	صدا زدن
16	تحیتهم فیها سلام
20	سخن محبت آمیز
28	دلیل
30	تمیزی شوهر
32	دلیل
34	کمک مرد به زن در کار خانه
37	دلیل
38	زینت (آرایش و پیرایش)
40	دلیل
41	مجالس عروسی و عزا
43	دلیل
45	آیا وجود زن شر است
46	راه حل
49	دلیل
57	دلیل
59	دلیل
62	مشورت با زن
64	دلیل
66	دلیل
67	الرجال قوامون
69	دلیل
71	تکبر و بخل و ترس زن
74	دلیل
75	غریزه زن
77	دلیل
80	درک مشکلات همسر
81	مثال :
83	تشکر
87	گوش دادن به سخن
89	دلیل

90	ترشروی
93	دلیل
96	دلیل
99	(چه سائل بی ادب و چه سؤل ال مستهجنی!؟)
101	بارداری
103	دلیل
104	دلیل
107	سود زیان متقابل
109	دلیل
110	هر کسی را به خانه میر
112	ناسزاگویی
114	دلیل
116	اهانت
118	دلیل
119	گذشت و اغماض
121	دلیل
122	سواد آموزی زن
128	قلم اینجا رسید و سر بشکست
130	از طرف دیگر:
132	دلیل
133	دلیل
135	از خوبانشان بر حذر باش
143	ازدواج موقت و چند همسری
	از خاندان متمول اسب بخر و از خاندان فقیر
144	زن بگیر
145	اعراب
146	انگلیسیها
147	۱۶- پرتغالیها
148	چکها
149	چینیها
150	داهومیها (۲۰۹)
151	صربستانیها (۲۶۱)
152	فرانسویها
153	فنلاندیها
154	کردها
155	لاتین ها (۲۶۰)
158	دلیل
161	دلیل
163	دلیل
165	دلیل
166	اختلاف مالی

170 دلیل
172 اختلاف خودخواهی
174 اختلاف سطح فرهنگی و اخلاقی
176 دلیل
177 طلاق
181 دلیل
183 معالجه سنگ مثانه
184 آزمایش
185 غذاهای شهوت انگیز
186 تنظیم قاعدگی
187 و اما خوردن غذاهائی که برای زن باردار مفید است :
188 سقط جنین
189 بعد از زاییدن
190 خاتمه و نتیجه
207 فهرست مطالب